

گردستانك د راجنگ

راهيان نور شما لغرب کشور - شهر يور ۹۲

معاونت راويان ستاد مرکزی راهيان نور کشور





پدید آورندگان

عنوان:

کردستان در جنگ

پدید آورندگان:

سردار رستگار پناه

سردار اصفهانی

تهیه و نظارت:

سرهننگ پاسدار

منصور عیوضی

معاونت راویان

ستاد مرکزی راهیان نور کشور

سنندج در جنگ

سنندج در جنگ.....	۶
استراتژی کلی نظام.....	۷
مقدمه.....	۹
تعداد عملیاتها در سنندج.....	۱۱
محور سنندج - کامیاران.....	۱۷
محور سنندج - دیواندره.....	۱۸
محور سنندج - میروان.....	۱۹
محور سنندج - آویهنک.....	۲۰
محور سنندج - تورپور.....	۲۱
محور سنندج - باینچوب.....	۲۳
مکانهای دیدنی سنندج.....	۲۵

میروان در جنگ

مقدمه.....	۲۷
میروان و پاکسازی شهر.....	۲۸
سخنان جاویدالانر حاج احمد متوسلیان.....	۲۸
محور میروان - سنندج (باغان در ولینان).....	۲۹
محور میروان - کامیاران.....	۳۰
محور میروان - چناره تا بسطام.....	۳۱
جنگ ایران و عراق.....	۳۳
عملیات دزلی، اورامانات و تپه شهداء.....	۳۳
عملیات باشماق میروان (قوج سلطان).....	۳۵
عملیات محمدرسول الله (ص).....	۳۶
عملیات والفجر ۴.....	۳۸
موقعیت و اهمیت منطقه عملیاتی والفجر ۴.....	۴۰
عملیات والفجر ۹.....	۴۱
عملیات والفجر ۱۰.....	۴۲
عملیات نامنظم.....	۴۵
صنعت توریسم و گردشگری در میروان.....	۴۵

بانه در جنگ

مقدمه.....	۴۸
آزاد سازی شهر بانه.....	۴۹
جاده بانه - سردشت.....	۵۱
عملیاتهای بعثت.....	۵۳
یادمان سیران بند.....	۵۴
جنگ ایران و عراق.....	۵۵
عملیات کربلای ۱۰.....	۵۶
صنعت توریسم و گردشگری بانه.....	۵۷

تاریخچه گروهک های محارب

شناخت حزب منحله دمکرات.....	۵۹
گروهک منحله کومله.....	۶۰
گروهک خبات.....	۶۲
گروهک رزکاری.....	۶۲
سخنان امام (ره) در مورد سازمان منحله منافقین.....	۶۳
سازمان چریکهای فدایی خلق.....	۶۳
سازمان منحله منافقین.....	۶۴
حزب حیاط آزاد کردستان (پژاک).....	۶۴

معرفی تعدادی از شهدای شاخص شمالغرب ۶۵

تقدیم به:

روح پر فتوح حضرت امام (ره)
و شهیدانی که بانثار خون خود
در دشتها و کوه‌های سر
به‌فلک کشیده کردستان
نوید آزادی و آزادی را
سردادند.

متن فرمان حضرت امام خمینی (ره)
به کلیه قوای نظامی و انتظامی در مورد غائله سنندج

بسم الله الرحمن الرحيم

الساعة خیر رسید که در سنندج حزب دموکرات، ارتش و سازمانهای آنان را محاصره کرده اند و اگر تا نیم ساعت دیگر کمک نرسد اسلحه‌ها را می‌برند و از مسجد سنندج به ما اطلاع دادند که حزب دموکرات زنهای ما را به گروگان برده اند. اکیداً به قوای نیروی انتظامی دستور می‌دهم به پادگانهای مرکز ابلاغ کنند که با قدرت کافی به طرف سنندج حرکت کنند و به شدت اشرار را سرکوب نمایند. پاسداران انقلاب در هر محلی هستند به مقدار کافی به طرف سنندج و تمام کردستان با پل هوایی، بسیج شوند و به شدت اشرار را سرکوب نمایند. تأخیر ولو به قدر یک ساعت، تخلف از وظیفه و به شدت تعقیب می‌شود. از ملت ایران می‌خواهم که مراقب باشند هر یک از مأمورین تخلف کردند فوراً اطلاع دهند. من انتظار دارم که تا نیم ساعت دیگر از قوای انتظامی به من خبر بسیج عمومی برسد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته روح الله الموسوی الخمينی

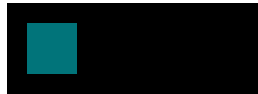
صحیفه نور ج ۸ ص ۲۵۳

امام خمینی (ره):

اشرار باید از کردستان تصفیه شوند، آنان کردستان را به فساد کشیدند و مردم کردستان را به طرز وحشتناکی اذیت و آزار کردند. آنان مردم را غارت کردند و همه را کشتند، دیگر نباید به اینها مهلت داد، باید منطقه درست پاکسازی شود تا دست آنها کوتاه و امیدشان قطع شود.

صحیفه نور ج ۱۲ ص ۸۷

سنڌج درجنگ



الف) استراتژی کلی نظام

تأمین و توسعه همه جانبه امنیت پایدار مردمی در مناطق شمالغرب کشور

ب) اهداف کلی نظام

- ۱- حفظ و تقویت وحدت ملی
- ۲- مبارزه با تفکر اسلامی کردستان بزرگ
- ۳- برقراری امنیت پایدار
- ۴- توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در منطقه
- ۵- جدایی صف مردم از ضدانقلاب

ج) استراتژی عملیاتی نظام

- ۱- پاکسازی شهرها
- ۲- پاکسازی محورهای اصلی
- ۳- پاکسازی محورهای فرعی
- ۴- پاکسازی مناطق بینابینی
- ۵- استقرار در مرز

د) سیر مراحل دستیابی به استراتژی عملیاتی

مرحله اول: از پیروزی انقلاب تا فرمان حضرت امام خمینی در ۵/۵/۵۸

- ۱- پاکسازی شهرها توسط شهید چمران در سال ۵۸
- ۲- پاکسازی محورهای اصلی توسط شهید چمران
- ۳- تحصن مردم مسلمان کرد در مقابل مجلس خبرگان

مرحله دوم: اقدامات دولت موقت

- ۱- روند حرکت سیاسی برای جلوگیری از اضمحلال ضدانقلاب
- ۲- اعزام هیئت حسن نیت (جمله حضرت امام) با مردم و معتمدین و ریش سفیدان صحبت نمایند نه با گروهایی که سلاح در دست گرفته اند
- ۳- خروج پاسداران در مصوبات هیئت از شهرهای منطقه شمالغرب و غرب کشور

- الف: ایجاد فرصتی مناسب برای تجدید سازمان ضدانقلاب
 ب: گسترش ضدانقلاب با همکاری استکبار جهانی در تمام نقاط مناطق کردنشین
 ج: تشدید اقدامات نظامی گروهکهای محارب به مراکز نظامی و سیاسی

مرحله سوم:

اقدامات سردار سرلشکر پاسدار شهید محمد پروجر دی

- ۱- ساماندهی نیروهای بومی در قالب سازمان پیشمرگان مسلمان کرد در کرمانشاه
- ۲- جلوگیری از سقوط پاوه در جهت اجرایی شدن فرمان حضرت امام خمینی «ره»
- ۳- ساماندهی و سازندگی سپاههای شهرها پاوه، جوانرود، سنندج، مریوان و مانوری در قالب تیپهای رزمی «قدس- شهدا- پروجر دی- کاظمی» و گردانهای مانوری
- ۴- روند پاکسازی های شهرها و محورهای مواصلاتی «جندا... و حضرت رسول (ص)»
- ۵- دست یابی به نقاط مرزی و استقرار در نقاط مرزی

مرحله چهارم:

تثبیت و پایداری امنیت در مناطق غرب و شمالغرب باراه اندازی قرارگاه حمزه سیدالشهدا «ع»

- ۱- آرامش نسبی در کلیه شهرهای مناطق کردنشین
 - ۲- راه اندازی و استقرار نهادها و ادارات دولتی در شهرها
 - ۳- ساماندهی خدمات دهی به مردم
 - ۴- فعال نمودن دولت مرکزی در پشتیبانی از خدمات رفاهی به مردم
 - ۵- دسترسی به روستاهای مناطق عمیق توسط مهندسی سپاه و جهادسازندگی
 - ۶- ایجاد مدارس توسط سپاه در روستاها با بکارگیری طرح سرباز معلم
- مرحله پنجم: اقدامات عملیات برون مرزی
- ۱- استقرار در نقاط مرزی
 - ۲- بازگشایی محورهای عملیاتی بر علیه عراق
 - ۳- انهدام مراکز ضدانقلاب در داخل خاک عراق
 - ۴- اعزام نیرو به جنوب جهت شرکت در عملیاتهای گسترده و بزرگ

شناخت و بررسی گروههای مخالف نظام

- ۱- سازمان منافقین
- ۲- حزب منحلہ دمکرات
- ۳- گروهک محارب کوموله
- ۴- حزب حیات آزاد کردستان «پژاک»
- ۵- چریک های فدائیان خلق

تاریخ نشان می‌دهد که منطقه کردستان از دیر باز صحنه تاخت و تاز قدرت‌های برتر جهان هستی در جهت رسیدن به اهداف خود بوده است و هر زمان که دولت‌های مرکزی در مناطق کردستان (ایران - عراق - ترکیه - روسیه و سوریه) دستخوش تغییراتی می‌گردیدند یا به عبارت ساده‌تر ضعف‌هایی در اینگونه دولت‌ها یا انقلابی صورت می‌گرفت در مناطق کردنشین استکبار جهانی با به خدمت گرفتن عوامل خود فروخته دست به آشوب و تحریک کردن مردم ساده‌ویی آلابش می‌زدند و جنگ داخلی را در آن کشور طر حریزی می‌نمودند که در چنین وضعیتی همیشه دولت‌ها با تقویت بنیه نظامی و دفاعی کشور، اینگونه تحركات را خاموش می‌نمودند.

در این شرایط تلاش مؤثر و پی‌درپی ضد انقلاب و عوامل استکبار در جهت تضعیف ارکان قدرت نظامی و متلاشی کردن سیستم دفاعی و نظامی کشور و ایجاد ناامنی و توسعه در گریه‌های قومی، سیاسی در نقاط مختلف کشور به منظور تجزیه کشور و در نهایت شکست انقلاب اسلامی از اهداف آن‌ها می‌توان برشمرد. آن‌ها با اقدامات روانی علیه ارتش با شعار «ارتش شاهنشاهی منحل باید گردد» و نفوذ در درون پیکره ارتش و تحریک افسران و درجه‌داران و به اعتصاب کشیدن آنان به منظور ساقط نمودن ارتش و همچنین بومی کردن پادگان‌ها و یگان‌های ارتش و از کار انداختن تجهیزات نظامی و مدرن ارتش با استفاده از عناصر نفوذی در صدد متلاشی نمودن ارتش بودند و در کنار این حرکات با اقدامات دیگر علیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و کمیته انقلاب اسلامی و عدم پشتیبانی و تجهیز آنان و آخر الامر تلاش مستمر بمنظور خروج سپاه از مناطق بحرانی کردستان جهت فراهم نمودن شرایط تجزیه ایران اسلامی را فراهم نمایند. امر بدیهی و مسلمی است که چنانچه کشوری دچار معضلات و بحران‌هایی در سطح ملی می‌شود و به نحوی امنیت ملی کشور تحت تأثیر قرار می‌گیرد، اراده ملی و ارکان قدرت ملی برای کنترل و مهار بحران بسیج می‌گردند.

لازمه یک اقدام منسجم و مقتدرانه علیه یک بحران، برخورداری کشور از ثبات سیاسی و استراتژی ملی و عملیاتی است در حالیکه دولت موقت و دولت بنی‌صدر فاقد استراتژی بوده و مدیریت بحران کردستان فاقد پشتوانه ملی و سازمانی بود و از طرف دیگر عدم وجود اجماع نظر در خصوص کنترل و مهار بحران کردستان در ارکان نظام کاملاً نیروهای نظامی و انتظامی را متأثر ساخته و موجب ناکارآمدی آن‌ها گردیده است.

در این راستا نیروهای متعهد به انقلاب اسلامی در منطقه ظهور کرده و تنها با اتکال بر خداوند تبارک و تعالی و پشتیبانی نیروهای مردمی توانستند مدیریت بحران در منطقه کردستان را به دست گرفته و با هماهنگی و همبستگی میان ارکان قدرت نظامی (سپاه و ارتش) تعرضات ضد انقلاب داخلی را در نطفه خفه نمایند.

از این رو حوادث و اتفاقات مهم در روند سیاسی کشور و اقدامات تأثیرگذار مانند اشغال لانه جاسوسی آمریکا در طی سال ۱۳۵۸ و ایام قبل از آغاز عملیات زمینه‌ساز انجام یک عملیات گسترده برای رهایی منطقه کردستان از زیر سلطه ضد انقلاب گردید.

شهر سنندج مرکز استان کردستان موضوع اصلی بحث ما است که گروه‌های ضد انقلاب سعی نمودند دامنه فعالیت خودشان را به مناطق پرجمعیت گسترش دهند و بر این اساس شهر سنندج که بیشترین جمعیت استان را در

خود جای داده بود مهمترین سوژه برای حرکتهای ضدانقلاب قرار گرفت و با حاکمیت در شهر سنندج و فرستادن افرادی از جمله جلیل گاردانی از حزب دموکرات و عبدا.. سقزی از گروه کومله و پسر شیخ عثمان نقشبندی از گروهک رزگاری و با استفاده از اختلاف دو کمیته ایجاد شده در شهر سنندج، نهایت بهره برداری را بدست آورده و از ضعف دولت موقت استفاده نموده و باعث خروج نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از شهر سنندج گردیدند و عملاً کنترل مرکز استان را در اختیار گرفتند.

از سویی نیروهای متعهد به انقلاب اسلامی که از توطئه های دشمنان بخوبی آگاهی داشتند با حضور در یادگان و باشگاه افسران و فرودگاه توانستند موقعیت نسبی را ایجاد نمایند که در آینده مراکز بسیار مهم برای تصرف شهر سنندج گردید.

حضور کوموله در صدا و سیمای کردستان و تحریک مردم بر علیه نظام جمهوری اسلامی: از سوی دیگر گروهکهای محارب به نام های دمکرات- کوموله- رزگاری- منافقین- چریکهای فدایی- گروه اشرف دهقان- حزب توده و... هر کدام به فراخور حال خودشان از خلأ وجود سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در شهر سنندج نهایت استفاده را بردند و در نقاط مختلف شهر هر کدام سعی نمودند بخش زیادی از شهر را به کنترل خود در آورند و بر این اساس مقرهای زیادی در سطح شهر ایجاد نمودند.

ساختمان دادگستری در میدان اقبال «آزادی» را به عنوان مقر ستاد مشترک احزاب جهت هماهنگی ایجاد نموده و سپس مسجد جامع را به عنوان ستاد مشترک عملیاتی در زمان شروع درگیریها در شهر سنندج فعال نمودند. از مقرهای دیگری توان مقر کوموله در ساختمان شهرداری و مقر رزگاری در خیابان شهدا جنب پارک نام برد اقدام بعدی گروهکها حمله به مراکز نظامی بخصوص کلیه پایگاههای ژاندارمری و شهرداری در اطراف شهر سنندج بود که کلیه سلاحها و امکانات موجود در این پایگاهها و کلاترهای را به غارت برده و کاملاً مسلح شدند و سپس به سازماندهی نیروهایشان پرداخته و دامنه فعالیت خود را به محورهای مواصلاتی گسترش دادند که در آن هنگام ۱۵۰۰ نفر پیشمرگ فعال و ۳۰۰۰ نفر هیزبرگیری مسلح در اختیار داشتند. آنها به این امکانات تسلیحاتی بسنده نکردند و در زمستان ۵۸ به پادگان لشکر ۲۸ کردستان و باشگاه افسران و ستاد لشکر حمله نمودند که موفق به تصرف نگردیده و فقط توانستند ساختمان ژاندارمری جنب پادگان لشکر ۲۸ و ستاد لشکر جنب باشگاه افسران را به تصرف خود در آورند که با مقاومت شدید پرسنل متعهد و پاسدارانی که در لباس ژاندارمری و ارتش در این دومرکز بودند مواجه گردیده و عقب نشینی نمودند. گسترش و توسعه ضدانقلاب در شهر و محورهای مواصلاتی و خلع سلاح مراکز نظامی در شهر سنندج باعث گردید که تعداد ۱۳۰ نفر از برادران پاسدار و ۳۰ نفر از تکاوران ارتش بوسیله هلی کوپتر وارد پادگان سنندج گردند و با هماهنگی بعمل آمده در اولین اقدام خود هنگ ژاندارمری که در جوار پادگان بود را از تصرف گروهکها خارج و تلفات سنگینی به آنها وارد نمایند و تعدادی را به اسارت خود در آورند.

۱- سنندج

از شمال به شهرستان دیواندره، از مشرق به شهرستان قروه، از جنوب به شهرستان کامیاران و از مغرب به شهرستان میوان محدود می شود. کوههای چال آب، کرام، تپه قلعه و کچ کسار، هر کدام بیش از ۲۸۰۰ متر ارتفاع در این شهرستان واقع اند. دشتهای کامیاران (۱۱۰۰۰ هکتار مساحت)، خامسان (۲۰۰۰ هکتار مساحت)، قشلاق (۵۶۰۰

هکتار مساحت) و امیرآباد (۲۲۰۶ هکتار مساحت) از دشتهای معروف این شهرستان محسوب می شوند. رودهای قشلاق، گاو، گزان، خرکه، و تازه آباد در این شهرستان جاری اند.

شهرستان سنندج در ۹ آذر ۱۳۱۶ تأسیس شد و در ۱۳۷۷ ش بخش کلاترزان بدان پیوست. این شهرستان دارای دو بخش مرکزی (به مرکزیت شهر سنندج) و کلاترزان (به مرکزیت شهر شوشیه) و دارای ده دهستان و دو شهر به نامهای سنندج و شوشیه است.

جمعیت شهرستان سنندج در ۱۳۸۵. ش حدود ۳۱۱۰۴۴۶ نفر گزارش شده است که از این تعداد، حدود ۷۲۳،۷۳۳ نفر مرد و ۷۲۳،۷۲۳ نفر زن بوده اند و بقیه در نقاط روستایی ساکن بوده اند.

دین مردم شهرستان سنندج اسلام با مذهب سنی (شافعی) است و با گویشهای کردی (اورامی و سورانی) تکلم می کنند.

از ایالات و عشایر شهرستان سنندج که تیره هایی از آنان تخته قاپو شده اند، می توان به سادات نقشبندی، زند، کلاترزان، کشکی و کمانگیر اشاره نمود.

تپه های کره سی و آرندان و غار کرفتو از آثار باستانی آن است و آثار تاریخی بعد از اسلام آن عبارت اند از: قلعه پلنگان، پل قشلاق، پل شیخ، عمارت خسرو آبادی، خانه سالار سعید (موزه سنندج)، پیر عمر که مدفن حضرت امامزاده عمر بن حسین علیه السلام است. برخی از آثار تاریخی شهر سنندج، علاوه بر چند مسجد قدیمی اینهاست: مجموعه بازارهای آصف و سنندجی، مجموعه عمارتهای سه گانه وکیل، مجموعه عمارتهای مشیر دیوان، مدرسه و مسجد والی، سه حمام دو خزینه، خان و شیشه، مسجد و مدرسه پیر عمر، پل قشلاق، کلیسای سنندج، قلعه سنه دژ و مسجد جامع امان الله خانی یا دارالاحسان. قدمگاه خضر در سنندج در کوه آبیتر یکی از زیارتگاههای اهالی است. قسمتی دیگر از محوطه قدمگاه خضر اخیر الیاس می نامند

شهر سنندج مقر طوایفی از کردهای اردلان، احمدزینل، قاری مرادی، قمر توزه ای، چاردولی، خرات، دوم (گیوه کش)، سورسوری، شیخ اسماعیل، قادر مریوسی، کوسن رزین (کفش رزین)، گرگدای، گوران و هلاج بوده است.

از بزرگان این شهر می توان به افراد ذیل اشاره کرد: باباشیخ احمد باینجوب، شیخ حسن مولان آباد، ملا لطف الله شیخ الاسلام علامه مفتی دشتی کردستانی، اعتضاد الاسلام معرفت، آیت الله مردوخ، ملا حسن خطاط و شعراپی چون رونق سنندجی، افسر کردستانی، صارم سنندجی، حیرت سنندجی، روشن سنندجی.

تعداد عملیات ها در سنندج

در طول سال های دفاع مقدس در شهرستان سنندج عملیات های کوچک، متوسط و بزرگ بر علیه گروهبان ها به طور متوالی انجام گرفت که بیشترین آن در سال های ۵۹-۶۴ انجام گرفته است و بقیه عملیات ها به صورت جنگ و گریز تا سال ۷۰ جریان داشت و رزمندگان شهر اصفهان این شهر را پشتیبانی می نمودند.

مناطق تلفات دشمن تلفات خودی «بومی»

ردیف شهرستان تعداد عملیات پاکسازی شده کشته زخمی اسیر تسلیمی شهدای رزمنده شهدای مردمی

۱ سنندج ۱۶۰ ۱۳۰ ۹۳ ۱۵۸ ۱۸۰ ۶۳۲ ۸۳۸

از این تعداد عملیات ها، عملیات های بزرگ و مهم آن را به اختصار بیان می نمایم.

الف - آزاد سازی شهر سنندج در سال ۵۹

۱- ستون اعزامی از کرمانشاه برای رفتن به سوی مرز گردان ۱۳۵ از تیپ هوا بر د شیراز و گردان ۱۶۹ پیاده از لشکر ۲ مرکز جهت تقویت و تعویض نیروهای مستقر در مرز از کرمانشاه به سنندج رسید و گروه ها با آوردن دانش آموزان در جلوی ستون، آن را متوقف و پس از توافق قرار شد از کمربندی به طرف سقز برود که در روستای باباریز به ستون حمله نموده و تعدادی از آنان را به شهادت رساندند و سرهنگ نصرت زاد با گرای خود در خواست آتش نمود و بسیاری از اشرار به هلاکت رسیدند و او نیز زخمی شد و پس از اسارت، شکنجه و مسلح شد و پیکر مطهر او را در و انت گذاشته که نصف از بدن او بیرون بود و در شهر گرداندند. در این رابطه شهید برو جردی اعلام نموده بود که بوی خیانت می دهد و با فرمانده لشکر در گیر شد و اگر تدبیر او نبود و از پیشمرگان استفاده نمی شد، یک تیپ کامل اسیر، مجروح و شهید می شدند.

۲- آزاد سازی شهر سنندج

الف: محور اول فرودگاه- باشگاه افسران «صدوا و سیما- تپه الله اکبر- میدان آزادی- تپه شریف آباد- تپه حسن آباد» به فرماندهی برادر رحیم صفوی

ب- محور دوم

مسیر اول «پادگان لشکر ۲۸- استانداری، سه راهی مردوخ و باشگاه افسران» و مسیر دوم «پادگان لشکر - کله کجار - تپه های فیض آباد» به فرماندهی محمد برو جردی

ج - محور سوم

دهکلان - گردنه صلوات آباد - سیلو - ابتدای شهر سنندج - تپه های عباس آباد - فیض آباد به فرماندهی سرگرد صیاد شیرازی

محور اول تپه ۱۱۱ اکبر

مدت سه روز درگیری فشرده در این تپه جریان داشت ابتدا یک گردان از اصفهان به فرماندهی محمود حر به سمت تپه حرکت کرد، همه به دعای مشغول شدند و رزمندگان گردان از همدیگر خدا حافظی نموده و می گفتند اگر شهید شدی ما را یادت نرود. نبرد سنگین آغاز شد و پیشروی به کندی صورت می گرفت. ولی جان بر کفان با تقدیم هفتاد شهید قسمتی از تپه را تصرف و پدافند می نماید.

روز دوم یک گردان از تهران به فرماندهی علی موحد دانش قسمتی از تپه را با درگیری شدید تصرف و پدافند می نماید. روز سوم یک گردان از تبریز به فرماندهی محمد بخشی و شهید باکری ادامه مسیر داده و در ساعت سه بعد از ظهر تپه ۱۱۱ اکبر را از وجود اشرار پاکسازی و بر روی آن مستقر می شوند. وجه تسمیه این تپه هم به این خاطر این است وقتی که بر روی بام آن قدم می گذاری تمام نقاط شهر را در زیر پای خود می بینی و آنگاه به عظمت شهادت این تپه و رزمندگان اسلام پی میبری.

مشاهده پیکر پاسدارانی که از روز نهم اردیبهشت به بعد در این قسمت شهید شده و تا این لحظه تخلیه نشده بودند، صحنه بسیار بدی بود. قسمتی از اجساد را جمع کرده بودند، اما هنوز تکه پاره هایی از اجساد، بر روی پل و زیر آن

و اطراف رودخانه ریخته بود. بعد از جمع آوری قطعات پراکنده ی اجساد، بر گشتیم و تصمیم گرفتیم بیمارستان را تصرف کنیم... ساعت حدود ده یازده بود، به حالت آتش و حرکت و به شکل چریکی به بیمارستان حمله کردیم.

موقعیت رادیو و تلویزیون

تپه ای مشرف بر رادیو و تلویزیون نیروهای ارتش مستقر در آن رازمین گیر کرده بود و آب، مواد غذایی و دارو در مضیقّه بودند. خلیان جت رنجر دو بار به کمک آنها می رود و مقداری وسایل به داخل رادیو و تلویزیون می ریزد و در بار دوم پس از فرود در یادگان، جوی باریکی از خون در کف بالگرد مشاهده شد که یکی یکی از خلیانان در خون خود شناور بود.

گروه اول از سپاه اصفهان به فرماندهی شهید علی رضائیان و گروه دوم از سپاه تهران به فرماندهی احمد اسلیمی برای گرفتن تپه شهداء (رادیو و تلویزیون) از صبح به سمت ارتفاع حرکت خود را آغاز می نمایند و در پایین تپه درگیری شدیدی بین مدافعان انقلاب اسلامی و گروهک های محارب اعم از کوموله، فدائیان خلق، پیکار، سازمان وحدت کمونیستی و دموکرات آغاز می گردد و شدت درگیری بسیار بالا می باشد و چون در پایین تپه هیچ جان پناهی وجود ندارد، درگیری سخت می گردد، ولی جان برکفان عرصه توحید با توکل بر خدا در پشتیبانی آتش تا غروب آنجا را تصرف و مستقر می شوند.

تپه شریف آباد

این محله در سمت چپ بلوار پاسداران و در نزدیکی میدان آزادی سندج و اکنون یکی از محلات سرمایه داران محسوب میشود و در امتداد این محله به تپه حسن آباد و میدان آزادی رسیده و آنگاه ارتفاع آبدار خود نمایی مینماید. گروه موحد دانش و گروه کوچک محسنی به سمت شریف آباد برای پاکسازی و انهدام جدایی طلبان حرکت می نمایند. آنان برای رسیدن به تپه داوطلب خواستند که از شیار تپه به سمت بالا حرکت خود را آغاز می نمایند و درگیری آغاز می گردد. حمید آقداشی که ۱۷-۱۸ ساله بود در مسیر شهید می شود. عباس علی حیدر زاده که بی سیم چی بود فرق سرش شکافته می شود و بعد از مدتی شهید می گردد. مصطفی دعوتی، حبیب سعیدی، صابر عیسی زاده، حمید رضا باقری، سید هادی محمدی، نوری نژاد، حسین پور، شقایق، مجید سبزی، ابوالفضل اسماعیلی، جعفر شفیع، و حید مجدی که در داخل سنگر گوشش تیر خورد و یزدان آهنگران که باتیر بارز ۳ در مسجد شریف آباد می چرخید و افراد گروه های مزدور را در می کرد و در آخر جعفری و محمد حسین فرزه که از این جمع چهارالی پنج نفر باقی ماندند.

و پس از درگیری به مسجد شریف آباد رسیده و در این مکان پس از پاکسازی پدافند می نمایند. نورعلی شوشتری در کتاب ۲۲ روز حماسه و ایثار از تپه شریف آباد می گفت: رسیدیم به تپه شریف آباد یک باره از چهار طرف ما را به رگبار بستند. حالا ما هم تازه آمده بودیم و هیچ نمی دانستیم که کجا هستیم و دشمن کجاست. آمدیم پایین و این طرف و آن طرف را گشتیم، یک مرتبه علی موحد را دیدم. حدودا هفده، هیجده نفر از بچه ها شهید یا مجروح شده بودند. ایثارهای خیلی بالایی در آنجا دیده می شد. یکی از بچه ها دو تاجمروح و یک شهید و یک بی سیم و و اسلحه اش را در زیر آن همه تیر یکی یکی بغل می کرد و از بالا تا پایین شریف آباد قل می خورد پایین بدون این که آنها را ببیند.

بچه ها برای مبارزه با گرسنگی روزه می گرفتند و از بیسکویت استفاده می نمودند و وقتی تمام می شد از نان خشک استفاده می نمودند و در آخر از گیاهان خود را تغذیه می کردند و یکی از بچه ها جراحت سختی برداشت و کارش

به بیمارستان کشید و د کترها وقتی شکم او را پاره کردند، از محتویات سبز آن متأثر شدند و به مسئولین خبر دادند و آن وقت بود که جعبه های بار تدار کاتی سرازیر شد.

نیروهای سپاه استان اصفهان به فرماندهی علی رضائیان از مسیر کاخ جوانان به سمت شریف آباد حرکت و پس از سه ساعت به مسجد شریف آباد رسیدند و تیراندازی شروع و علی رضائیان از ناحیه سر مورد اصابت گلوله قرار گرفت و او را به تهران منتقل نمودند. یکی از پیشمرگان مسلمان کرده نام باغبانی و آقای ترکی در روی پشت بام شهید گردیدند و نیروهای سپاه اصفهان توانستند در مسجد مستقر و اطراف آن را پاکسازی و بعد از ۴۸ ساعت استقرار نیروهای مشهد جایگزین آنان گردیدند.

در ادامه تپه حسن آباد به تصرف رزمندگان و میدان آزادی - خیابان فردوسی در دید تیر مستقیم آنان قرار می گیرد.

محور دوم پادگان - باشگاه افسران

باشگاه افسران در خیابان امام خمینی (ره) نزدیک مسجد جامع سنندج در یک تپه بسیار بلند احداث گردیده است که از نظر سوق الجیشی یکی از مراکز بسیار مهم شناخته می شود که بر تمام شهر مسلط و از دید خوبی برخوردار است. نیروهای مشترک ارتش، سپاه و پیشمرگان مسلمان کرد در آن مستقر شده بودند و بر اوضاع منطقه تسلط کافی داشتند.

در داخل باشگاه یک ساختمان دو طبقه متعلق به زمان رضا خان، از طرف شرق به غرب امتداد داشت و در ابتدای آن یک سالن غذا خوری وجود داشت که در مقابل این سالن غذا خوری و ساختمان اصلی حوض بسیار بزرگی به چشم می خورد و دور تا دور این مکان دیوارهایی این باشگاه را احاطه کرده بود و درب اصلی آن در قسمت غرب وجود دارد که تا کنون باقی مانده است.

از تردد خودروهای حامل غذا و سوخت و همچنین آمبولانس جهت بردن مجروحین به باشگاه جلوگیری به عمل می آمد که باعث به شهادت رسیدن ۳ نفر از مجروحین «ارتشی، سپاهی و پیشمرگان مسلمان کرد» گردید.

شهید بروجردی نسبت به سازماندهی نیروهای سپاه کاشان، تهران و قم و نیز پیشمرگان مسلمان کرد و سربازان و افسران لشکر ۲۸ اقدام می نماید. ستون از پادگان به سمت استانداری حرکت می نماید و درگیری آغاز می شود، دشمن در داخل ساختمان استانداری مقاومت نموده ولی با هجوم گسترده نیروهای خودی، مقاومت دشمن در هم شکسته می شود و استانداری به تصرف نیروها در می آید. در این مرحله از درگیری نقش پیشمرگان مسلمان کرد قابل توجه بوده است.

بعد از تصرف استانداری نیروها به سمت سه راه مردوخ حرکت کرده و دشمن در گیر می شوند، و جدایی طلبان با استفاده از تیربار مستقر در مناره مسجد جامع که کاملاً بر سه راهی مردوخ و خیابان استانداری مسلط بوده است تلفات زیادی به نیروهای خودی وارد می نماید تا اینکه یکی از پیشمرگان مسلمان کرد خدمه تیربار مورد هدف قرار می گیرد و تیربار خاموش می شود، اما شدت فشار گروهبان بر علیه مدافعان انقلاب اسلامی بسیار زیاد است و آنها مجبور می شوند به طرف استانداری عقب نشینی کرده و شب فرامی رسد.

در محوطه استانداری آمبولانسی به همراه یک ذیل ارتشی پر از مهمات پارک بود و داخلش سه نفر زخمی افتاده بودند و توسط مهاجمان مورد اصابت موشک آرپی جی قرار گرفت. صدای انفجار و شعله های آتش همه و سه

مجروح داخل آمبولانس را غافلگیر نموده و موج انفجار حرکت را از آنان سلب نموده و شروع به سوختن نمودند و هیچ کاری از هیچ کس در استانداری بر نمی آمد.

نیروهای تازه نفس از اصفهان و تهران برای ادامه عملیات به صورت پیاده مکانیزه با ترکیبی از دو دستگاه تانک، تعدادی کامیون و آمبولانس و یک دستگاه بولدوزر وارد عمل می شوند و در نزدیکی سه راه مردوخ درگیری آغاز می گردد.

موانع فیزیکی از قبیل تیر آهنهای جوش داده و متصل به هم در این نقطه و وجود مصالح و مواد ساختمانی مانع حرکت خودروها و کامیونهای گردد که نفر بر زرهی زیر رگبار گلوله های دشمن نسبت به رفع موانع اقدام می گردد.

مصطفی سلطانی فرمانده گروه اصفهان به همراه نیروها در دو طرف خیابان به جلو حرکت می کنند و سعی می نمایند خود را به سه راهی شهدا بعد از مسجد جامع و به دیوار ستاد لشکر جنب باشگاه افسران برسانند ولی شدت آتش مهاجمین بسیار زیاد است و امکان پیشروی غیر ممکن است ولی تلاش می نمایند که این سد را در هم بشکنند. فرمانده گروه به همراه محسن نم نبات با تدبیر لازم ضربات سهمگینی به اشرار وارد می نمایند و خود را به ستاد لشکر می رسانند ولی فرمانده گروه و تعدادی از فرزندان راستین انقلاب اسلامی به شهادت رسیده و عده ای اسیر می گردند و یکی از باز ماندگان این حماسه گفت: ضد انقلاب پس از اسارت گرفتن تعدادی از بچه های ما، برای اعتراف گرفتن آنها را شکنجه های سختی داد و حتی کف دست بعضی ها را سوراخ کرده بود و با طرز فجیعی به شهادت رسانده بود و ما پس از چندی که در ستاد لشکر ماندیم، خود را به باشگاه افسران رساندیم.

سیزده نفر رزمنده پس از خرابی ماشین در سه راهی شهدا به مقابله با نیروهای جدایی طلب پرداختند و تا آخرین نفس و آخرین گلوله جنگیدند و تعداد پنج نفر از نیروهای مبارک که به اسامی مصطفی کریمی ۲۸ ساله، پرویز کریمی ۲۷ ساله، اکبر بخشیان، مرتضی فخری و اکبر شفیعی هر سه ۱۹ ساله و پنج نفر از پاسداران اعزامی از گلپایگان به نام های سید مرتضی نصیری ۲۱ ساله، حسین گورابی ۲۰ ساله، اسماعیل مشایخی ۲۳ ساله، محمد رضا جمالی و محمد حسین سیفی هر دو ۲۴ ساله به طرز فجیعی به شهادت می رسند. یکی از باز ماندگان نبرد سندج بیان نمود که من حساس بودم که بچه ها یک وقت نزنند زن و بچه ها را بکشند و این یکی از حساس ترین و سخت ترین و مشکل ترین وظیفه ای بود که مجاهدین اسلام با آن مواجه بودند و محمد بروجردی بر این نکته بسیار تأکید می نمود و شاید به تعبیری باید گفت که تعدادی از رزمندگان مابه واسطه همین موضوع به شهادت رسیدند.

روز سوم

محمد بروجردی تلاش می نماید که حرکتی به سمت باشگاه را ترتیب دهد ولی نه به صورت پیاده مکانیزه بلکه به صورت پیاده و با استفاده از سپاهیان پاسدار که از شهرهای شیراز و کرمانشاه رسیده اند. فرماندهی هر دو نیرو به سلحشوری شجاع و کرد زبان از کرمانشاه سپرده شد و بعد از پنج روز توقف در پادگان و توجیه شدن در دو گروه پانزده نفری از روی پشت بام های خانه های کنار استانداری و خانه های نیمه ساز حرکت ادامه پیدا نمود و درگیری آغاز گردید.

در سه راهی مردوخ شدت نبرد افزایش پیدا نمود و فرمانده کرمانشاهی از ناحیه چشم مورد اصابت گلوله قرار گرفت و از صحنه نبرد تخلیه گردید.

حسن پاکبازی که فرمانده نیروهای شیراز در این جدال زخمی می گردد و بعد از آن نبی الله رودکی از شیراز در حین مراجعت از پادگان هم از ناحیه پامورد اصابت تیر قرار می گیرد و مجروح می گردد و تقریباً شیراز فرماندهی واحد از هم می پاشد و برای در امان ماندن بقیه نیروها که از ساختمانهای بلند بر آنان مسلط بودند و تحت تأثیر روز

های قبل از ادامه نبرد خودداری می گردد.

ستوان محمدرشید احمدی و فرزندش از اهالی سنندج هستند که آنها طی چند روز اخیر، ضمن کمک رسانی کاملاً مخفیانه به افراد محاصره شده در مسیر پادگان به باشگاه، سرانجام با راهنمایی های خود و مساعدت های عدنان مردوخ از درون باشگاه موفق می شوند به وسیله یک نفر برو آمولانس، یک شهید و تعدادی مجروح را از محاصره خارج کرده و به باشگاه برسانند.

محمد بروجرودی بیان می نماید: دشمن به صورت پراکنده در شهر مردم بی گناه و خانه های درجه داران ارتش و افراد متدین سنندج را سنگر خود قرار داده و همین مسئله موجب کندی عملیات پاکسازی و خلع سلاح شده است. مردم کردستان این ها را خوب شناختند و دریافتند که متکی به کدام ابر قدرت هستند و تحت تأثیر چه عوامل خارجی قرار دارند. لذا پایگاه مردمی خود را از دست داده اند. یکی از موجبات پیشرفت ما همکاری برادران پیشمرگ کرد می باشد که مواضع دشمن را خوب می شناسد و ما را در پیشرفت عملیات صمیمانه یاری می دهند. او اشاره نمود: تعداد تلفات سپاه پاسداران چهل نفر و تعداد مجروحان ۱۳۰ نفر می باشد و گفت اگر همه تلفات را در منطقه و مناطق دیگر غرب به حساب آوریم، آمار سنگین است ولی مسئله ای نیست برادرانی که داوطلبانه به اینجا آمده اند، همه در جهت حکومت الله می کوشند و اگر چندین برابر هم شهید بدهیم تا حکومت اسلامی مستقر شود، تأثیری در روحیه هیچ یک از ما نخواهد داشت و وجود ما در این جا با هدف شهادت در راه خداست.

پس از استقرار پیشمرگان و سایر نیروهای رزمنده در سنندج، یکی از روحانیون محل نزد ما آمد و گفت: واقعه بسیار تلخ و دردناکی را دیده ام و لازم می دانم به اطلاع شما برسانم. در جریان یکی از درگیری ها، تعدادی از سربازان ارتش به اسارت گروهبان ها درآمدند که آنها در کمال ناجوانمردی سربازان را در پشت ساختمان شیر و خورشید اعدام کردند و اجساد آنها را رها نمودند. من رفته و آنها را به صورت جمعی در گودالی دفن کردم تا طعمه درندگان نشوند. به همراه ایشان رفتیم، دیدیم بیست و چهار جسد در آنجاست. وقتی اجساد شهدا را جابه جا کردیم متوجه شدیم تعدادی از شهدا آدرس و مشخصات خود، یگان محل خدمت، نحوه و چگونگی اسارتشان را با ماژیک بر روی پا و ران خود نوشته بودند و نوشته ها کاملاً مشخص و قابل خواندن بود. این سربازان متعلق به ستونی بوده اند که در شرق شهر سنندج در نزدیکی های روستای باباریز به کمین گروهبان ها افتاده و تعدادی از افراد آن به اسارت در آمده بودند و پس از چند روز گروهبان ها ناجوانمردانه آنها را به شهادت رسانده و جنازه هایشان را رها کرده بودند! این نمونه کوچکی از جنایاتی است که گروهبان ها در آن زمان در کردستان مرتکب شدند.

پس از این سه مرحله و رسیدن به موفقیت های خوب، طرح تغییر پیدا نمود و رزمندگان اسلام به سمت ارتفاعات و تپه های فیض آباد حرکت خود را برای بستن پشت جبهه دشمن آغاز نمودند و پس از درگیری و پیشروی مناسب به نقاط تعیین شده رسیده و از سوی تپه های عباس آباد توسط نیروهای ارتش و سپاه همدان و قروه تأمین گردید و الحاق دو نیرو در فیض آباد برقرار شد.

دشمن که متوجه بسته شدن پشت سر خود شد، شبانه با استفاده از تاریکی هوا عقب نشینی خود را شروع نمود و شهر را کاملاً تخلیه نمود و بدین ترتیب محاصره باشگاه افسران به پایان رسید و نیروهای اسلام به باشگاه افسران وارد شدند.

محور سوم گردنه صلوات آباد - سیلو و تپه های عباس آباد موقعیت گردنه صلوات آباد

این گردنه از ابتدا تا شهر سنندج به طول ۱۵ کیلومتر می باشد که یک روستا به همین نام در فاصله ۷ کیلومتری شهر قرار دارد و در زمان پاکسازی این محور رزمندگان اسلام دچار مشکل شدند زیرا در این روستا ضد انقلاب با استفاده

از پوشش مردم سعی داشت صحنه نبرد را به سود خود تغییر دهد که با هوشیاری رزمندگان اسلام خنثی گردید. نیروهای سپاه همدان و سپاه قروه در تاریخ ۵۹/۲/۱۰ به همراه واحد‌هایی از تیپ ۳ زرهی همدان از لشکر ۱۶ قزوین به دامنه ارتفاعات صلوات آباد نزدیک می شوند و ضمن درگیری با اشرار گردنه صلوات آباد را تسخیر و مستقر می شوند.

برای رسیدن به سنندج از گردنه به سمت سیلو حرکت و اشرار را به شدت سرکوب و خود را به مدخل ورودی شهر سنندج رسانده و در سیلو مستقر می شوند.

اشرار که از سه محور آسیب‌های زیادی را دیده بود تلاش می نمایند که تپه های عباس آباد را حفظ نمایند ولی رزمندگان اسلام که با قدرت تمام و با اتکال به خداوند تبارک و تعالی بر اهداف خود رسیده بودند برای آخرین بار حملات سریع و برق آسای خود را بر دشمن زبون که تاب مقاومت را از دست داده بود آغازین نمود و توانست اشرار را تا محله فیض آباد دنبال نماید و برای مصون ماندن از رزمندگان اسلام به طرف جاده دیواندره فرار نمودند و الحاق این محور با محور پادگان برقرار و نیروها دست‌همدیگر رافشردند و بدین ترتیب شهر سنندج به تسلط کامل رزمندگان اسلام در آمد. پس از آزادسازی شهر سنندج استراتژی یک جمهوری اسلامی ایران باز نمودن محورهای اصلی استان کردستان در جهت رساندن امکانات تدارکاتی برای دیگر رزمندگان اسلام در شهرهای مختلف استان بود و بر این اساس محورهای منتهی به شهر سنندج در دستور کار قرار گرفت و پس از طرح ریزی با اتکال به خداوند تبارک و تعالی آغاز گردید که در این بخش محورهای عملیاتی، اهداف عملیاتی، یگانهای عمل کننده و نتایج به دست آمده به صورت مختصر بیان می گردد.

محور سنندج - کامیاران تاریخ عملیات (۱۳۵۹/۳/۱۵)

اهداف

- ۱- انهدام مراکز گروهکهای محارب «کوموله و دمکرات»
- ۲- جلوگیری از نفوذ دشمن بر روی محورهای اصلی
- ۳- جذب مردم در پایداری امنیت
- ۴- ارتباط بین دو استان کردستان و کرمانشاه جهت آماد و پشتیبانی

یگانهای عمل کننده

- ۱- یک گردان از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۲- یک گردان از پیشمرگان مسلمان کرد سنندج
- ۳- یک گردان پیاده از لشکر ۲۸ سنندج، ۴- یک آتشبار توپخانه ۱۰۵م.م از ارتش، ۵- یک دسته تانک «اسکور پین» از ارتش

نتایج و دستاوردهای مختلف عملیات

- ۱- تسلیح مردم و پایداری امنیت، ۲- ارائه خدمات رسانی به مردم توسط دوایر دولتی و نهادهای انقلابی ۳- برقراری امنیت پایدار در محور اصلی سنندج - کامیاران

موقعیت و شرح عملیات

این محور به علت اینکه ارتباط بین دو استان کرمانشاه و کردستان را متصل و امکانات و پشتیبانی مدافعان اسلام در شهر سنندج را تأمین مینمود و از طرفی با آزادسازی این محور بخشی از مقرهای اشرار در مسیر جاده درهم

کوبیده می شد و آرامش نسبی به شهر باز می گشت دارای اهمیت بالایی بود و بر این اساس اولین محور برای پاکسازی انتخاب گردید و در تاریخ ۱۵/۳/۵۹ نیروهای عمل کننده سپاه و پیشمرگان مسلمان کرد ضمن پاکسازی محور و هماهنگی قبلی در ۵ نقطه ارتش را در ارتفاعات مستقر نمودند و در طی درگیری دشمن با دادن ۱۱ کشته به روستاهای عمق جاده پناه برد و در این عملیات ۱۷ نفر از رزمندگان اسلام به درجه رفیع شهادت نائل آمدند.

محور سنندج - دیواندره تاریخ عملیات (۱۳۵۹/۴/۱۰)

اهداف

- ۱- آزادسازی محور اصلی جهت تردد، ۲- ارتباط مرکز استان با شهرستانهای دیواندره و بیجار
- ۳- رساندن آمداد و امکانات پشتیبانی از طریق زمینی

یگانهای عمل کننده

- ۱- یک گردان از سپاه سنندج، ۲- یک گردان از سازمان پیشمرگان مسلمان کرد سنندج، ۳- یک گردان پیاده از ل ۲۸ کردستان جهت استقرار، ۴- یک آتشبار ۱۰۵ م.م، ۵- یک دسته تانک اسکورپین
- ۶- یک تیم از هوانیروز

نتایج و دستاوردهای مختلف عملیات

۱- آزادسازی بخش حسین آباد به عنوان مرکز گردان عملیاتی جهت پاکسازیهای آینده. ۲- پاکسازی این جاده با داشتن ۱۵ کیلو متر گردنه و بودن مقرهای زیاد اشرار و پشتیبانی هیز برگری در نوع خود بی نظیر بود. ۳- استقرار هفت پایگاه در جاده به طول ۱۰۰ کیلومتر و ایجاد امنیت و برقراری ارتباط با شهرهای سقز و بانه جهت پشتیبانی مدافعان اسلام.

موقعیت و شرح عملیات

در سحرگاه روز دهم تیر ماه پنجاه و نه نیروهای جان بر کف سپاه و پیشمرگان مسلمان کرد ضمن پیشروی و تصرف ارتفاعات سد قشلاق بر تونل یک مسلط و دو پایگاه توسط ارتش ایجاد گردید. گردنه ماموخ در افق پیدااست و رزمندگان به سوی آن در حرکتند. ارتفاعات صعب العبور و شیبهای تند سرعت را کاهش داده و سکوت مرگباری در فضا حاکم است. چشمهای تیز بین تمام نقاط را مورد کنکاش قرار می دهد ولی از اشرار خبری نیست و این خوشایند نیست اما آنها به بالای گردنه میروند و با برقراری یک پایگاه شب را در آنجا بیتوته می کنند.

فردای آن روز از گردنه سرازیر و به تونل ۲ رسیدند و به سرعت به سمت حسین آباد حرکت کردند و هنوز مسیر را زیاد جلو نرفته که به کمین اشرار برخورد نموده و درگیری شدیدی به وقوع می پیوندد و تعدادی از نیروها به شهادت می رسند. شهدا در گوشه و کنار در خون خود غلطیده اند و مجروحین با فریاد الله اکبر هم رزم خود را میطلبند و در این اثنا صدای خروشان بالگرد به گوش میرسد و تکبیر رزمندگان ترس را بر دشمن وارد می نماید و فرصتی پدید آمده و به سرعت مجروحین را به جای امنی منتقل کرده و خورشید که در پشت کوهها نقاب خود را بر کشیده و دید محدودیت پدیدانموده، رزمندگان پناهگاهی برای خود ایجاد می نمایند و شب را در آنجا به استراحت می پردازند تا فردا در کارزاری دیگر اشرار را مغلوب رشادت خود نمایانند.

صبح زود ارتفاعات مشرف را رزمندگان اسلام به تصرف خود در می آورند و بر منطقه مسلط می شوند و دشمن

که غافلگیر شده بود به سمت مناطق دیگر عقب نشینی می کند. جنازه مطهر شهدا جمع آوری و به شهر منتقل می شود و نیروها با عزمی راسخ به پیش میروند و در نزدیکی غروب پس از سه روز نبرد و استقرار پایگاه در نقاط حساس جاده به شهر دیواندره میروند و مورد استقبال مردم مظلوم شهر قرار می گیرند.

محور سنندج-مریوان تاریخ عملیات (۱۳۵۹/۵/۱)

اهداف

- ۱- جلوگیری از نفوذ گروههای محارب به شهر
- ۲- آزادسازی راه استراتژیک مریوان-سنندج
- ۳- تسلط بر ارتفاعات حساس و استراتژیک منطقه
- ۴- آزادسازی روستاها در مسیر جاده
- ۵- انهدام مراکز گروههای محارب
- ۶- پشتیبانی آمادی از پادگان مریوان

یگانهای عمل کننده

- ۱- یک گردان از سپاه سنندج
- ۲- یک گردان از سازمان پیشمرگان مسلمان کرد سنندج
- ۳- یک گروهان از پیشمرگان کرمانشاه
- ۴- یک گردان پیاده از لشکر ۲۸ کردستان
- ۵- یک آتشبار مختلط ۱۵۵ م.م و ۱۰۵ م.م
- ۶- یک دستگاه تانک اسکورپین

نتایج و دستاوردهای مختلف عملیات

- ۱- آزادسازی گردنه آریز و روستاهای شویشه و جانوره
- ۲- تسلیح مردم وفادار در جهت امنیت پایدار
- ۳- آزادسازی گردنه گاران (مشترک با سپاه مریوان)

نقش آفرینان

- ۱- سپهبد شهید علی صیاد شیرازی
- ۲- سرلشکر شهید حسین خرازی
- ۳- جاوید الاثر احمد متوسلیان

موقعیت و شرح عملیات

این جاده استراتژیکی اهمیت خاصی برای جمهوری اسلامی و همچنین برای دشمن داشت. برای رسیدن به شهر مرزی مریوان بعد از گردنه آریز دو جاده احداث گردیده بود. فشار دشمن در شهر مریوان و به محاصره در آمدن پادگان و نرسیدن امکانات و پشتیبانی از مسیر زمینی اوضاع را نا مساعد نموده بود. در مرداد ماه سال ۵۹ ابتدا گردنه

آریز که بر پادگان سنندج تسلط داشت توسط گروه ضربت به فرماندهی شهید حاج حسین خرازی با درگیری مختصری فتح و توسط ارتش پایگاهی ایجاد شد.

اشرار برای متوقف کردن ستون دست به حملات ایذایی می‌زدند که هر بار با شکست مواجه می‌شدند و رزمندگان اسلام به روستای شویشه می‌رسند و با ایجاد پایگاه پدافند می‌نمایند و در طول مسیر تعدادی از جان بر کفان لشکر توحید به شهادت می‌رسند.

روز چهارم به سمت جانوره حرکت می‌نمایند و در گیربهای پراکنده با اشرار داشتند و به روستا رسیده و یک پایگاه توسط سپاه ایجاد گردیده و پدافند می‌نمایند.

به علت پیچیدگی مسیر و قطع ارتباط بی‌سیم گروه ضربت، دشمن تمام قوای خود را در گردنه گاران برای متلاشی نمودن ستون متمرکز کرده بود، فرمانده ستون ضمن رساندن خود به نزدیکی گروه ضربت بابلندگو آنها را متوجه موضوع نموده و درگیری به شدت آغاز می‌گردد.

نیروهای اسلام سعی در خنثی نمودن آتش اشرار می‌نمایند اما فشار آنها بسیار زیاد است و گروه ضربت در محاصره دشمن قرار می‌گیرد. نبرد بین خصم و رزمندگان کفر ستیز به اوج خود میرسد، عده‌ای باشهامت و شجاعت تمام جلوی دشمن را گرفته و اجازه عبور آنها را به سمت ستون نمی‌دهند اما هدف تیرهای ددمنشانه قرار گرفته و به شهادت میرسند، تعدادی مجروح شده اما با تمام دردها به نبرد خود ادامه میدهند.

صدای بالگرد در منطقه طنین انداز می‌شود و در انتهای ستون به زمین می‌نشینند و شهید صیاد شیرازی به سرعت آتش توپخانه که حرکت کندی را داشت به حرکت در آورده و مواضع دشمن یکی پس از دیگری منهدم و گروه ضربت از محاصره خارج می‌شود.

هم زمان نیروهای سپاه مریوان به سمت باغان حرکت نموده و بعد از ظهر به منطقه رسیده و دشمن از صحنه نبرد می‌گریزد و ستون روز ۱۴/۵/۵۹ وارد شهر مریوان می‌شود. رشادتها و جان فشانیهای ۱۳ شهید گلگون کفن و ۲۸ مجروح برای رسیدن امکانات برای مردم ستم‌دیده مریوان هیچ گاه از یاد نخواهد رفت.

محور سنندج- آویهننگ (تاریخ اجرای عملیات ۱۳۶۲/۱/۲)

اهداف

- ۱- انهدام مرکز آموزش گروهک ملحد کوموله، ۲- دورسازی دشمن از دسترسی به جاده سنندج- مریوان،
- ۳- جذب مردم و تسلیح آنها در پایداری امنیت ۴- استقرار پایگاه سپاه در روستا یگانه‌های عمل کننده
- ۱- گردان جندا... سنندج
- ۲- گردان ضربت حضرت رسول «ص» پیشمرگان مسلمان کرد
- ۳- گردان جندا... قروه
- ۴- گردان جندا... مریوان
- ۵- واحد ضربت روستای نشور «حاج میکائیل»
- ۶- توپخانه ل ۲۸ کردستان

نتایج و دستاوردهای مختلف عملیات

- ۱- آزادسازی روستاهای کلاته و آویهننگ، ۲- برقراری امنیت پایدار در منطقه، ۳- اعزام دوایر دولتی و نهادهای انقلابی به منطقه، ۴- بازسازی مدارس، خانه بهداشت و درمانگاه جهت خدمات به مردم

نقش آفرینان

شهید سید حسین روح الامین (سید الشهدای کردستان، تاریخ شهادت ۱۳۶۴/۱۲/۴)، شهید اکبر آقابابائی (تاریخ شهادت ۱۳۷۸/۶/۶)، شهید محمدرضا افیونی، شهید سید مجید متولی و مهدی هشتمردی (احمدی کیا) تاریخ شهادت ۱۳۶۲/۴/۵

موقعیت آویهنک

روستای آویهنک که در جنوب غربی و در فاصله ۳۵ کیلومتری شهرستان سنندج واقع گردیده، جهت دسترسی به این روستا دو گردنه معروف آریز و آویهنک و روستای کلاتی در پایین گردنه را باید پشت سر گذاشته و در میان کوههای سر به فلک کشیده در انتهای دره روستا را مشاهده نمود.

عملیات

آزادسازی محور و روستای آویهنک در مورخه ۱۳۶۲/۱/۲ که مرکز آموزش کومله در منطقه سنندج بود در دو مرحله انجام گرفت.

مرحله اول تصرف گردنه آویهنک و پاکسازی روستای کلاته که با موفقیت انجام پذیرفت. مرحله دوم تصرف ارتفاعات مشرف به روستای آویهنک که بادرگیری شدید بین نیروهای اسلام و گروهکهای ملحد در روی ارتفاعات و داخل روستا آغاز گردید که با شدت آتش نیروهای اسلام، معارضین مجبور به عقب نشینی به سمت ارتفاعات و سایر روستاهای منطقه شده و رزمندگان اسلام در این مناطق استقرار یافتند در این عملیات بخش زیادی از روستاها و ارتفاعات منطقه از لوٹ و وجود اشراک پاکسازی و جاده سنندج-مریوان در این محور از امنیت کامل برخوردار گردید که در اثر پاکسازی آویهنک امنیت بیشتری برای شهر سنندج ایجاد گردید و از دشمن یک نفر کشته و دو نفر اسیر گردیدند. در این عملیات تعداد ۹ نفر از رزمندگان اسلام به درجه رفیع شهادت رسیدند و از دشمن ۸ نفر کشته و ۱۰ نفر زخمی و ۲ نفر به اسارت در آمدند. «لازم به ذکر است که در سال ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰ دو بار رزمندگان اسلام وارد روستای آویهنک شده بودند».

محور سنندج-توریور تاریخ اجرای عملیات (۶۱/۹/۲۰)

اهداف

- ۱- انهدام مرکز گروهکهای محارب «دمکرات- کوموله» در مناطق روستایی
- ۲- ایجاد امنیت پایدار و آماده نمودن بستر مناسب جهت ارائه خدمات رفاهی
- ۳- عقب راندن دشمن از دسترسی به شهر سنندج
- ۴- آزاد نمودن مردم ستمدیده و وفادار به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران از گروههای محارب

یگانهای عمل کننده

- ۱- گردان جندا... سنندج
- ۲- گردان جندا... قروه
- ۳- گردان حضرت رسول «ص» پیشمرگان مسلمان کرد

نتایج دستاوردهای مختلف عملیات

- ۱- آزادسازی بخشی از روستاهای شهرستان سنندج به وسعت ۱۵۰ کیلومتر مربع
- ۲- انهدام مقرهای ضدانقلاب در روستاهای کرسی، کرجو، دادانه، ملک شان، هانی گلان پتلی، یر، توریور و شیان
- ۳- برقراری امنیت پایدار در جهت ارسال امکانات مورد نیاز روستائیان
- ۴- جذب مردم روستاها در توسعه امنیت پایدار
- ۵- برقراری ارتباط دوایر و نهادهای دولتی

نقش آفرینان

- ۱- شهید سید حسین روح الامین (سید الشهداء کردستان)
- ۲- شهید اکبر آقابائی
- ۳- شهید محمدرضا فیونی
- ۴- شهید سید مجید متولی
- ۵- مهدی هشتمردی
- ۶- محسن زهتاب
- ۷- جانباز رزمنده حاج تقی بسطامی از فرماندهان عملیاتی (دارای ۹۰ درصد جانبازی)

موقعیت توریور

مرکز دهستان ژاورود با ۲۸۰ خانوار در شرق شهرستان سنندج به علت محصور در میان کوه‌های سر به فلک کشیده و تنها یک راه ورود و خروج از موقعیت استراتژیک بالایی برخوردار است و بر این اساس حزب منحل دموکرات این نقطه را مرکز تشکیلات سنندج خود قرار داد. در موقع عملیات هواداران این گروهک با تبلیغات و شایعات سعی در تضعیف رزمندگان اسلام و جلوه نمودن قدرت بسیار بالای آنها می نمودند و هنگامی که در مرحله اول ارتفاعات روستاهای همجوار و آبادی کرسی توسط سپاه اسلام فتح گردید یأس و ناامیدی در میان آنها مشهود گردید ولی برای تقویت فریب خوردگان و دادن روحیه به آنها توسط سمپا تها در شهر شایع نموده بودند که دژ دموکرات دست نیافتنی است و هنوز مادری فرزندی نزیابیده است که بتواند این دژ را فتح نماید و بعضی دیگر می گفتند که اگر این دژ فتح گردد زندهای خود را سه طلاقه می کنیم. اینها همه به دلیل موقعیت استراتژیک منطقه بود غافل از اینکه در مقابل رزمندگان قرار دارند که اتکالشان بر خداوند دادار و پشتیبانی امتی است که طاغوت و طاغوتیان را برای همیشه به زیاله دان تاریخ فرستادند. چه مردم بی خرد نادانی که اسلام و توان رزمندگان اسلام را درک نکردند. سنگربانان دفاع از حریم اسلام با هوشیاری و آرامش کامل و به دور از این همه هیاهو آنچه بر دشمن زبون تاختند که قدرت هر عکس العملی از آنها سلب گردید و در ساعت ۱۱/۳۰ مورخه ۱۳۶۱/۹/۲۰ پس از شش روز وارد روستای توریور گردیدند و مستقر شدند.

در اولین شب استقرار در این روستا باران رحمت الهی تا صبح باریدن گرفت و مردم نسبت به پاسداران ایمانی بس راسخ پیدا نمودند.

تعیین شهادت

در بین روستای کرسی و ملکشان بر روی ارتفاع درگیری بسیار شدیدی بین گروهک ها و رزمندگان اسلام در جریان است و صدای انفجار خمپاره و تیراندازی لحظه ای قطع نمی شود، روحانی مبارز رسول هلالی به همراه دیگر

رزمندگان موفق می شوند قسمتی از ارتفاع را آزاد سازند اما دشمن با تمام نیرو سعی در باز پس گیری ارتفاع را دارد و به علت شبی که به سوی رزمندگان اسلام است وضعیت مناسبی نیست. پیشمرگ مسلمان محمدی که تلاش می نماید تا سنگر مناسبی را برای دفاع پیدا نموده و از فشار دشمن کاسته شود با اجرای آتش به جلو رفته و در پشت تخته سنگی مستقر شود که مورد آماج دشمن قرار گرفته و در پشت همان تخته سنگ به شدت زخمی شده و خون فوران می نماید، مبارز خستگی ناپذیر رسول هلالی به سرعت خود را به او رسانده که او هم با اصابت چند تیر در خون خود می غلتد و به شهادت میرسد و در همین اثنا بسیجی دلاور اهل مشهد به نام تقوی که بیسیم چی همراه فرمانده خود هلالی بوده مورد اصابت گلوله های دژ خیمان قرار گرفته و در همان لحظات اولیه به شهادت می رسد و هر سه نفر یک روحانی، یک پیشمرگ مسلمان و یک بسیجی در کنار یکدیگر برای خروج دشمن فریب خورده از این سرزمین به شهادت می رسند و زمانی که نیروهای کمکی به ارتفاع می رسند شاهد منظره بسیار عجیب و خارق العاده هستند که این سه شهید پس از شهادت خون آنها به مانند سه چشمه جاری گردیده و پس از طی مسافتی در یک نقطه به هم رسیده و یک چشمه که آب آن خون شهیدان است تشکیل می دهند و در فردای آنروز پس از تشییع جنازه این شهیدان در وسایل شهید هلالی در لای قرآن تاریخ شهادت این عزیز نوشته شده بود و ارتباط او با پروردگار عالمیان وزهد و تقوی او بر همگان آشکار گردید.

نقش آفرینان

- ۱- شهید حجه الاسلام رسول هلالی
- ۲- شهید محمد امین محمدی از پیشمرگان مسلمان کرد
- ۳- بسیجی شهید تقوی اعزامی از مشهد،

- محور سندج - باینچوب (۱۳۶۲/۲/۵)

اهداف:

- ۱- دورسازی دشمن از دسترسی به جاده سندج - دیواندره، ۲- انهدام مراکز گروهکهای محارب در مناطق روستایی، ۳- ارائه خدمات رسانی «عملیات مردمیاری»، ۴- جذب مردم و تسلیح آنها در پایداری امنیت، ۵- آزادسازی مردم ستمدیده از یوغ گروههای محارب

یگانهای عمل کننده

- ۱- گردان جند الله سندج، ۲- گردان حضرت رسول (ص) پیشمرگان مسلمان کرد
- ۳- گردان جند الله قروه

نتایج و دستاوردهای مختلف عملیات

- ۱- آزادسازی روستاهای منطقه از جمله روستای باینچوب
- ۲- انهدام مرکز ضد انقلاب در روستای باینچوب و کشته و تسلیم شدن تعدادی از محاربین
- ۳- فعال شدن کشاورزان منطقه و تسریع در مرمت راهها جهت حمل مواد کشاورزی
- ۴- زمینه ساخت و نوسازی مدارس جهت دانش آموزان روستاهای منطقه
- ۵- ایجاد بستر مناسب و امنیت پایدار جهت فعالیتهای عمرانی در منطقه

۱- شهید محمد کریمی، ۲- شهید فشار کی، ۳- شهید محمد اسحاقی، ۴- شهید علیرضا دلفروزی، ۵- حسن عرب

موقعیت باینچوب

روستای باینچوب که در محور سنندج - دیواندره و در عمق منطقه قرار دارد یکی از مراکز بخش های شهرستان سنندج می باشد که به علت داشتن ارتفاعات سر به فلک کشیده و استراتژیک مکان مناسبی برای گروهک های معاند بود و حزب منحل کومله با استفاده از این روستا جاده سنندج - دیواندره را آسیب پذیر نموده بود.

لشکر استقراری سنندج پس از تأمین امنیت در محورهای فرعی سنندج در سال ۱۳۶۲ در ساعت ۴ بامداد ارتفاعات مشرف به باینچوب و سنگ سفید و گلان را تصرف نموده و مستقر گردیدند. پس از روشن شدن هوا اشرار که متوجه حضور رزمندگان اسلام بر روی ارتفاعات شده بودند به سرعت موضع گیری نموده و درگیری آغاز می شود. یکی از ارتفاعات مهم منطقه رازمندگان اسلام نتوانستند تصرف نمایند و جنگ شدیدی در این نقطه به وقوع پیوست که مدت سه روز ادامه داشت و با آمدن نیروی احتیاط و اجرای آتش پشتیبانی این ارتفاع نیز تصرف گردید و رزمندگان در روستا و ارتفاع مستقر شدند. در این درگیری سه نفر از ضد انقلابیون کشته و یک نفر اسیر می شود. باینچوب به دلیل منطقه پیچیده اش دژ محکمی برای اشرار بود و از این جهت در سال ۶۲ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سنندج آماده گردید که آخرین پایگاه این گروهک ها را از بین برده و امنیت کامل در شهرستان سنندج برقرار نمایند و بر این اساس با استفاده از نیروهای پیشمرگ مسلمان کرد و پاسدارانی که سالهای متمادی در سنندج بوده اند طرح ریزی اولیه را آغاز نمود و به سوی این مکان حرکت می نمایند.

دشمن که تصور می کرد این دژ فنا ناپذیر است بر نامه های وسیع پیش بینی نموده بود ولی وقتی متوجه حرکت نیروهای اسلام در منطقه گردید تمام توان خود را برای حفظ این نقطه به خرج داد و اما شهادی بزرگ ما که همه فرمانده گردان بودند هر کدام در سمت فرمانده گروهان انجام وظیفه نمودند و در این مسیر به مدت سه شبانه روز نبرد بی امان را ادامه دادند و هر کدام در روی یکی از این قله مرتفع با اشرار درگیر و در نهایت با رشادت تمام به شهادت رسیدند و ثمره این خونها آزاد سازی روستای باینچوب و استقرار در آن بود که مسئولیت این مکان سوق الجیشی به شهید بزرگوار حسن عرب واگذار گردید و دشمن منطقه را ترک نمود. در همان سال پس از چند ماهی دشمن تمام قوای خود را جمع نموده و به سوی باینچوب حرکت می نماید و جنگ نابرابری روی می دهد و پایگاه سپاه که نزدیک مسجد آبادی است در معرض سقوط قرار می گیرد. تعدادی از رزمندگان به شهادت می رسند و عده ای هم مجروح می گردند و دیگر قادر به ادامه مبارزه نیستند و در همین اثنا بیسیم چی پایگاه به شهادت می رسد و تماس با مرکز قطع می گردد و فقط با پایگاه ژاندارمری مستقر بر روی ارتفاع بالای سر آبادی تماس برقرار می گردد.

پایگاه در حال سقوط می باشد و هر لحظه امکان آمدن اشرار به داخل می باشد حسن عرب از افراد با تجربه و کارگشته مسئول محور و پایگاه در نزدیکی انبار مهمات ایستاده است و فکر می کند که در این لحظه حساس چه تصمیمی بگیرد، اگر تسلیم شود که برای یک رزمنده با سابقه و شهدایی که در گوشه و کنار پایگاه به شهادت رسیده اند نظاره گر هستند و این ننگی خواهد بود. بنابراین به سرعت با سروان اویسی مسئول پایگاه ژاندارمری تماس می گیرد و می گوید تا می توانی اطراف پایگاه را زیر آتش قرار بده و او که از قبل با اجرای آتش پشتیبانی سعی می نمود دشمن را از اطراف پایگاه دور نگه دارد توفیق چندانی به دست نیامورد.

دیگر وقت تصمیم گیری نهایی بود و باید هر چه زودتر کاری را انجام می داد و همانطور که فکر می کرد و اسلحه در دست و بیسیم در کول به سرعت وارد انبار مهمات پایگاه گردید و تلاش نمود مجدداً با پایگاه ژاندارمری تماس برقرار نماید و پس از ارتباط به آنها گفت تنه راه باقی مانده منفجر نمودن انبار می باشد و بنابراین تمام تلاش خود

را در جهت هدف گیری دقیق به انجام برسان و هر وقت اعلام نمودم با توپ ۱۰۶ و خمپاره انداز انبار را هدف قرار بده و آنگاه آخرین نوجوهای خود را با خالق یکتا انجام می دهد و از شکافی اشرا را که وارد پایگاه شده اند به تماشا می ایستد و دشمن که از اینارتر زمندگان اسلام خبر نداشت بی توجه به سراغ انبار مهمات برای غارت می آید و با نزدیک شدن آنها به این مکان صدای مردی با استقامت کوههای کردستان از آن سوی بی سیم به گوش می رسد و می گوید انالله و انالیه راجعون و با تمام قدرت شلیک کنید.

صدای شلیک گلوله ناگهان در فضا می پیچد و دشمن که مات و مبهوت نظاره گر است، به ناگهان فریادی می کشد اما دیگر دیر شده است و انبار مهمات با تمام وسایلیش به همراه شهید حسن عرب منفجر می گردد و دشمن هر کدام به گوشه ای پرتاب شده و به درک واصل می گردند و چنین است نبرد مجاهدان راه خدا در رویارویی با دشمن و این شهادت برگ زرینی در تاریخ انقلاب اسلامی ثبت گردید.

مکانهای دیدنی:

مکانهای دیدنی شهر سنندج عبارتند از: - مجموعه تفریحی پارک آبی در باغ سپیدار - بازار سنندج - عمارت آصف (خانه کرد) - موزه سنندج - عمارت خسروآباد - عمارت وکیل - حسام خان - امامزاده پیرعهد - سد قشلاق - دریاچه قشلاق - پل قشلاق.

-مسجددارالاحسان (جامع سنندج)

این مسجد در ضلع شمالی خیابان امام خمینی سنندج قرار دارد و بر اساس کتیبه های موجود، مسجد در سال ۱۲۲۷ هجری قمری توسط امان الله خان اردلان والی کردستان ساخته شد.

این بنا شامل دو ایوان شرقی و جنوبی، گل دسته های بالای ایوان شرقی، صحن مرکزی، دارای ۲۴ ستون سنگی ماریچ است. ۱۲ حجره در اطراف، شبستان موجود است. این مسجد را می توان مسجد مدرسه دانست، زیرا بخشی از آن به حجره های طلاب علوم دینی اختصاص دارد و بخش جنوبی آن صحن اصلی مسجد است

-مسجد و بقعه امامزاده پیرعمر

در نسب این امامزاده اختلاف است بعضی آن را پسر بلافضل حضرت علی (ع) می دانند، برخی پسر علی بن الحسین (ع) و بعضی او را پسر امام موسی کاظم (ع) می خوانند و می گویند اسم آن حضرت سید عبدالصمد است . چون در ولایت اهل سنت مدفون شده او را پیر عمرها خوانده اند .

-مسجد والی یا مسجددارالامان

این مسجد در سال ۱۲۶۸ ه.ق احداث گردید و از بناهای امان... خان کوچک (ثانی) معروف به غلامشاه خان و ملقب به ضیاء الملک بشمار می رود که در خیابان فردوسی شهر سنندج قرار دارد. دارای شبستان بزرگ، یک ایوان عالی رو به مشرق، ۳ بالاخانه و ۱۲ حجره می باشد

-مسجد و بقعه هاجر خاتون

هاجر خاتون خواهر حضرت علی بن موسی الرضا (ع) می باشد که در شهر سنندج مدفون گردیده است. در جنب مدفن او شخصی بنام الله یعقوب مسجدی بنا نهاده که به مسجد هاجر خاتون معروف می باشد. مرحوم حاج شیخ شکر... نقشبندی تعمیرات کلی از آن مسجد بعمل آورده است.

-عمارت آصف (موزه خانه کرد)

احداث بنای اصلی عمارت آصف که شامل تالار تشریفات است به دوران صفویه باز می گردد و در دوره های بعدی بویژه در دوران قاجاریه و پهلوی بتدریج بخشهایی به آن افزوده شده است که قدمتی ۱۳۰ ساله دارد.

مريوان در جنگ



سرو آباد

مريوان	نام شهر
۵۵	تعداد عمليات تعداد مناطق پاكسازى شده
.....	تلفات دشمن.....
۱۷۱	كشته
۱۰۳	زخمى
۱۸۵	اسير
.....	تسليمى
.....	تلفات خودى «بومى».....
۲۹۷	شهداى رزمنده
۵۵۷	شهداى مردمى

۸۷

۹۹

شهرستان مریوان یکی از شهرستانهای استان کردستان است که در جنوب غربی این استان واقع شده و مرکز آن شهر مریوان است. این شهرستان از شمال به سقز، از شرق و جنوب شرقی به شهرستان سنندج، از جنوب به بخش نوسود و شهرستان پاوه و از غرب و شمال غرب به عراق محدود است.

این شهرستان تا تهران ۷۰۶ و تا سنندج ۱۲۵ کیلومتر فاصله دارد. حدود ۹۴۵ ه. ق. قلعه باستانی به نام ایمام در سه کیلومتری شرق مریوان توسط سرخاب بیگ اردلان ساخته می شود و بعدها توسط احمدخان والی کردستان مورد استفاده قرار گرفت و به قلعه خان احمد معروف شد. یکی از شاهزادگان قاجار به نام فرهاد میرزا در حدود یک قرن پیش کمی پیش از مشروطیت که در این محل حکومت می کرد در سه کیلومتری ایمام قلعه ای بنا کرد و نام مریوان بر آن نهادند.

مریوان یک منطقه کوهستانی است و در محل تراست سلسله جبال زاگرس واقع شده است و به دلیل همین موقعیت طبیعی ضمن بهره گیری از رطوبت ابرهای مدیترانه، از حرارت و نور کافی برخوردار بوده و مجموعه این شرایط طبیعی باعث شده تا این منطقه به یک سرزمین مرتعی و جنگلی مناسب برای دامپروری تبدیل گردد

کوه چهل چشمه و ارتفاعات آن از مهمترین ارتفاعات مریوان است. در محدوده بین مرز ایران و عراق و شهرستان مریوان کوهستانهای بسیار مرتفع سنگی متشکل از سنگهای آهکی سخت با فرسایش شدید بوده و شیب آن ۶۰ الی ۱۰۰ درصد و ارتفاع آن ۱۸۰۰ الی ۲۳۰۰ متر می باشد.

وضعیت عمومی دشمن و عملیات روانی (حادثه ۲۳ تیر ماه ۱۳۵۸)

- ۱- تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مریوان
- ۲- حرکت گروههای چپ به طرفداری از کشاورزان
- ۳- راه پیمایی از بانه و سقز و سنندج توسط هواداران گروههای چپ به سمت مریوان
- ۴- راه پیمایی اجتماع کنندگان به سمت صدا و سیما و سپاه
- ۵- درگیری بین افراد مسلح در راه پیمایی با برادران مستقر در سپاه سخنان شهید دکتر مصطفی چمران در خصوص واقعه مریوان:

در شهر مریوان ۲۵ پاسدار کرد محلی زندگی می کردند که اهل مریوان بودند و در مریوان خانه داشتند. آنها پاک و بی گناه بودند. جرمی اگر داشتند این بود که به انقلاب اسلامی ایران معتقد بودند و نمی خواستند از گروههای چپ متابعت کنند. در ۲۳ تیر ماه ۵۸ صدها تن از افراد مسلح گروهکها وارد مریوان شدند و پاسداران را محاصره کردند. نیمی از آنها را کشتند و بقیه را مجروح و یا متواری کردند. یکی از پاسداران را با موزاییک سر بریدند و جسد او را روی سنگ فرشها و اطافها کشانند که نواری پهن از خون او همه جا را گلگون کرده بود، در این صحنه نه ارتشی وجود داشت، نه ژاندارمری و نه شهربانی، ولی احزاب چپ نتوانستند حتی وجود ۲۵ پاسدار بومی را که مخالف آنها بودند، تحمل کنند، آنها را وحشیانه قتل عام نمودند.

عبدا... طرطوسی فرمانده سپاه مریوان پس از مجروح شدن، توسط محاربین به میدان جلوی سپاه آورده شده و پس از برپانمودن خرمی از چوب او را از بالا حلق آویز نموده و در میان شعله های آتش او را می سوزاندند و مردمی که از شهرهای مختلف به طرفداری از گروههای چپ آمده بودند وقتی فهمیدند از طرف گروهک ها فریب خورده اند، به شدت نسبت به این عمل معترض شده و صحنه را ترک نمودند. در این حادثه تعداد ۸ نفر از پاسداران که سه نفر از آنان حافظ قرآن بودند به شهادت میرسند.

تأثیر اقدامات هئیت حسن نیت و خروج پاسداران از داخل شهر به پادگان

- ۱- مذاکره با گروه‌های محارب
- ۲- اعزام معاون استاندار کردستان و شورای شهر سنندج به مر یوان و امضاء تفاهم نامه،
- ۳- کنترل شهر توسط گروه‌های محارب و ایجاد مقر در نقاط مختلف شهر

پاکسازی شهر

اهداف

- ۱- تصرف ارتفاع الله اکبر
- ۲- آزادسازی صدای مرکز مر یوان از دست گروهک‌های
- ۳- تصرف تپه مشرف به دریاچه زریوار
- ۴- آزادسازی نقاط استراتژیک داخل شهر
- ۵- تصرف ارتفاع فی القدس از داخل پادگان به داخل شهر

یگانهای عمل کننده

- ۱- نیروهای اعزامی از تهران به فرماندهی جاوید الاثر حاج احمد متوسلیان
- ۲- گردان پیشمرگان مسلمان کرد
- ۳- توپخانه ل ۲۸ کردستان جهت تأمین آتش پشتیبانی

نتایج و دستاوردهای مختلف عملیات

- ۱- آزادسازی کامل شهر مر یوان
- ۲- استقرار در نقاط استراتژیک شهر
- ۳- پاکسازی منازل واقع در شهر
- ۴- راه اندازی دوایر دولتی و فرمانداری با بکارگیری پرسنل سپاه
- ۵- ایجاد خدمات درمانی و بهداشتی
- ۶- توزیع ارزاق عمومی
- ۷- احداث جاده های روستایی جهت سهولت در رفت و آمد روستائیان

نقش آفرینان

- ۱- جاوید الاثر احمد متوسلیان
- ۲- شهید عباس کریمی
- ۳- شهید ولی الله جناب

موقعیت و پاکسازی شهر مر یوان

مر یوان قبل از آغاز عملیات رزمندگان اسلام مرکز عمده فعالیت ضد انقلاب (کوموله) و طرفداران شیخ عثمان نقشبندی بود. سر و آباد حکم خانقاه اعظم نقشبندیها را داشت که با استفاده از این موقعیت سران فرقه نقشبندی که در ساواک نقش فعالی داشتند مبارزه علیه جمهوری اسلامی را آغاز نمودند.

از سخنان جاوید الاثر حاج احمد متوسلیان: وضعیت مر یوان به شکلی بود که کل منطقه در تصرف کوموله و افراد

شیخ عثمان قرار داشت از تمام مناطق مریوان فقط پادگان شهر بود که هنوز اشغال نشده بود، زیرا ارتش در پادگان مستقر و به شدت از آن دفاع می کرد و ضد انقلاب سعی داشت که به هر طریق ممکن پادگان را به سقوط بکشاند ولی نیروهای متعهد ارتش با مقاومت شدید از پادگان هیچ گاه نگذاشتند که نیروهای متخاصم به داخل پادگان نفوذ کنند. البته تمام ارتفاعات پادگان هم در دست اشرا بود که روزانه ده تا پانزده گلوله خمپاره به داخل پادگان شلیک می کردند و هر روز در آنجا شهید و زخمی داده می شد.

فرمانده شجاع گروه اعزامی در تاریخ ۵۹/۳/۳ پس از هماهنگی با شهید صیاد شیرازی از سه محور به ترتیب محور دارسیران، محور میانی شهر و محور پادگان عملیات آزادسازی شهر و تأمین ارتفاعات قله امام که مسلط روی جاده مریوان به سروآباد می باشد را آغاز می نماید و در کمتر از یک شبانه روز شهر به تصرف رزمندگان اسلام که ۱۴ پاسدار و ۶۰ پیشمرگ مسلمان کرد بودند درآمد. تعداد شهدا در عملیات آزادسازی شهر مریوان یک نفر به نام ولی... جناب که حاج احمد متوسلیان در وصف او می گفت: ولی جناب یکی از بهترین برادران هم رزم من و اولین شهید مریوان بود.

همزمان با ورود نیروها بمبئی که اشرا از قبل در کوچه های شهر کار گذاشته بودند منفجر شد که بر اثر آن دوتن از اطفال معصوم مردم که در کوچه بازی می کردند به شهادت رسیدند. این دو کودک بی گناه اولین شهدای مردمی بودند که پیکر شان طی مراسم ویژه ای از سوی ارتش و سپاه تشیع شد.

وضع شهر خیلی اسف بار بود نه شهرداری، نه بخشداری، نه بانکی، نه آبی و نه برقی به ناچار اداره تمام این دستگاهها به سپاه محول شد و به یاری خدا از فردای آزادسازی شهر فرمانده سپاه مریوان، سرپرستی امور اجرایی شهر را هم در غیاب فرمانداری شخصاً بر عهده گرفت و سرپرستی هر بخش از دستگاههای تعطیل شده دولتی نظیر ایستگاه رادیو و تلویزیون، بیمارستان و شهرداری را به یکی واگذار نمود.

محور مریوان-سندج (باغان، دره و لینان)

اهداف

- ۱- جلوگیری از نفوذ گروههای محارب به شهر
- ۲- آزادسازی راه استراتژیک مریوان-سندج
- ۳- تسلط بر ارتفاعات حساس و استراتژیک منطقه
- ۴- آزادسازی روستاها در مسیر جاده
- ۵- انهدام مراکز گروههای محارب

یگانهای عمل کننده

- ۱- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مریوان
- ۲- گردان پیشمرگان مسلمان کرد

نتایج دستاوردهای مختلف عملیات

- ۱- آزادسازی باغان و استقرار در نقاط استراتژیک
- ۲- تسلیح مردم وفادار در جهت امنیت پایدار
- ۳- ارائه خدمات رفاهی به مردم

نقش آفرینان - حاج احمد متوسلیان موقعیت و شرح عملیات باغان

این گردنه به لحاظ استراتژی حائز اهمیت بود و استقرار بر روی آن مزیت‌های مختلفی داشت که تسلط بر شهر مریوان، کنترل محور اصلی، اشرافیت بر کل منطقه و روستاهای همجوار باعث گردیده بود درگیری شدید بین نیروهای جمهوری اسلامی و اشرار به اوج خود برسد و دشمن به شدت از این مکان به لحاظ مطالبی که بیان شد ایستادگی می نمود.

سپاه مریوان به فرماندهی حاج احمد متوسلیان که توانسته بود بر شهر مسلط شود با تعدادی نیرو و پیشمرگ مسلمان برای درهم کوبیدن آخرین بقایای اشرار به سوی گردنه حرکت می نمایند و در نزدیکی آن با دشمن درگیر می شوند و اشرار که از دو سو تحت محاصره قرار گرفته و قدرت مقابله را در خود نمی بیند عقب نشینی نموده و به سوی دره ها و شیارها فرار می نماید و تلفات سنگینی در گردنه متحمل می شود و بدین ترتیب این مسیر که از سوی سندیج حرکت شروع شده بود و سپاه مریوان به گردنه خود را رسانده بود با پیروزی رزمندگان اسلام به پایان می رسد و ارتش در گردنه استقرار می یابد.

شهید سید محمد رضا دستواره این چنین گفت: تازه حقوقش را گرفته بود و از درب سپاه مریوان بیرون آمد، در آنسوی خیابان چشمش به زنی خورد که با فرزندش کنار خیابان نشسته اند، به سوی آنها رفت و پرسید چرا ناراحتی و گریه می کنی و او گفت: شوهر بی غیرتم من و این بچه را توی این شهر گذاشته و رفته تفنگچی کوموله شده. به خدا خیلی وقت است یک شکم سیر غذا از گلوئی من و این بچه پایین نرفته آقا. حاج احمد با آن قلب رئوف تا این حرف را شنید بغضش گرفت و اشک در چشمانش جمع شد و دست کرد در جیب اورکتش و عین مبلغی را که بابت حقوق دریافت نموده بود به طرف آن زن گرفت و فرمود که به خدا شرمنده ام، نمی دانستم شما چنین مشکلی دارید. این پول ناقابل را بگیرید، هدیه مختصری است. نشانی تان را به برادر دستواره که مسئول تأمین ارزاق شهر است، بدهید و او مواد خوراکی شما را خودش می آورد در خانه تان به شما تحویل می دهد. و این چنین بود که زندهای این مردان به آنها می گفتند با مردی می جنگید که خرج خورد و خوراک زن و بچه های شما را می دهد و به همین خاطر اشرار فریب خورده گروه، گروه می آمدند و خودشان را به سپاه تسلیم می کردند.

-محور مریوان - کامیاران (روستای دژن)

اهداف

- ۱- پاکسازی محور
- ۲- استقرار در نقاط استراتژیک
- ۳- اتصال به نیروهای سپاه کامیاران در محور
- ۴- آزادسازی روستاهای درگیر
- ۵- ممانعت از حرکت گروههای محارب در منطقه
- ۶- حرکت به سوی مرز

یگانهای عمل کننده

- ۱- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مریوان
- ۲- گردان پیشمرگان مسلمان کرد مریوان
- ۳- توپخانه ل ۲۸ کردستان مستقر در مریوان
- ۴- تیم هوانیروز مستقر در سنندج

نتایج و دستاوردهای مختلف عملیات

- ۱- آزادسازی محور و استقرار در آن
- ۲- تسلیح مردم وفادار به نظام در جهت امنیت پایدار
- ۳- ارائه خدمات رفاهی به مردم
- ۴- آزادسازی روستاهای چشمیدر، بوریدر، پلنگان، دژن و

نقش آفرینان - شهید عثمان فرشته

- موقعیت و شرح عملیات جاده مریوان - کامیاران

از مریوان که به سمت سرو و آباد حرکت میکنیم و از میان جاده های پر پیچ و خم عبور می نمایم به سه راهی حزب الله رسیده و پس از گذر از این مسیر ارتفاعات پوشیده از جنگل را مشاهده می نمایم و در میان آنها جاده ای که از روی رودخانه عبور نموده است مشاهده می نمایم.

این جاده اتصال بین مریوان و کامیاران می باشد که در بعضی از نقاط مرز ایران و عراق را مشاهده می نمایم و روستاهای بسیار زیادی در این مسیر دیده میشود.

اشار برای دسترسی به مرز و تردد به سوی کرمانشاه و داشتن عقبه مطمئن این محور را تحت کنترل خود در آورده بود و آسیب هایی به ستونهای نظامی و خودروهای نظامی که به طرف مریوان حرکت می کردند، میرساندند. سپاه مریوان برای دسترسی به این جاده و برقراری ارتباط با سپاه کامیاران در سال ۶۱ ضمن برقراری قرارگاه تاکتیکی در سروآباد با هماهنگی لازم توانست اشار را از این محور دور نموده و در روستاهای حساس منطقه با کمک مردم پایگاه استقراری ایجاد نماید و از طرفی با آزاد سازی این جاده تردد برای نیروهای مسلح و مردم به آسانی میسر گردید.

- محور مریوان - چناره تا بسطام (سال ۱۳۵۸)

اهداف

- ۱- پاکسازی محور مواصلاتی مرزی از وجود اشار (جاده سنتو)
- ۲- انهدام مراکز گروههای محارب در منطقه و خارج از مرز
- ۳- استقرار در دهانه شیلر (نوار مرزی)
- ۴- بستن راههای نفوذ گروههای محارب از شیلر به داخل کشور
- ۵- برقراری امنیت پایدار در منطقه
- ۶- دستیابی به نقاط مرزی
- ۷- آزاد سازی محور مواصلاتی مریوان - سقز به طول ۱۳۰ کیلومتر

یگانهای عمل کننده:

گروه شهید چمران ، نیروهای بسیج مردمی سپاه، ارتش ، هوانیروز

نتایج دستاوردهای مختلف عملیات

- ۱- به هلاکت رسیدن فواد مصطفی سلطانی رهبر گروه کومله
- ۲- انهدام مرکز حزب منحلہ دمکرات در بسطام
- ۳- دستیابی به پاسگاههای مرزی
- ۴- بازگشایی محور مریوان، سقز، بانه
- ۵- کنترل معابر نفوذی دشمن

نقش آفرینان: شهید دکتر مصطفی چمران

موقعیت و شرح عملیات جاده مریوان- بسطام

مریوان آخرین شهر مرزی در استان کردستان می باشد که برای رسیدن به شهرهای دیگر دو راه وجود دارد یکی مراجعت به شهر سنندج که اکثر مردم از این مسیر استفاده می نمایند و دیگری راه مریوان به سقز و سپس به استان آذربایجان غربی و شرقی می باشد که راه بسیار نزدیک می شود. این محور به دلیل نزدیکی به نوار مرزی از حساسیت بالایی برخوردار است و داشتن دو گردنه مهم بر استراتژیک بودن آن افزوده است و جالب اینکه در امتداد نوار مرزی بعد از روستای بسطام می توان به سمت بانه حرکت نمود. این جاده با این ویژگیها برای دشمن و خودی حائز اهمیت بود و اشراک پس از پیروزی انقلاب اسلامی با تسلط بر این محور ارتباط خود را با حزب بعث عراق و نیروهای داخلی برقرار نمودند.

در سال ۵۸ شهید دکتر چمران که حرکت خود را از پاوه در استان کرمانشاه آغاز نموده بود به شهر مریوان رسید و پس از پاکسازی شهر در مسیر جاده بسطام قرار گرفت و توانست اشراک را سرکوب و محور را آزاد نماید و اهداف بیان شده را محقق نماید و به سمت بانه ادامه مسیر داد.

با آمدن هیئت حسن نیت و خروج پاسداران از مناطق کردستان این جاده مجدداً در اختیار اشراک قرار گرفت.

پس از حضور مجدد سپاه در سال ۵۹ و تثبیت موقعیت خود و برقراری سازمان رزمی با استفاده از نیروهای بومی و اعزامی، طی دو مرحله در سالهای ۶۱/۶/۱۳ و ۶۲/۲/۱۱ با عملیات مشترک با ارتش توانست این مسیر را از لوٹ وجود اشراک پاکسازی نماید و ارتش در نقاط حساس مستقر گردید.

یگانهای عمل کننده

- ۱- گد جندا... سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مریوان
- ۲- گردان ضربت حضرت رسول «ص» پیشمرگان مسلمان کرد مریوان
- ۳- گد جندا... سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سقز
- ۴- گردان ضربت حضرت رسول «ص» پیشمرگان مسلمان کرد سقز
- ۵- تیپ ۲ سقز از لشکر ۲۸ کردستان،
- ۶- تیپ ۳ مریوان از لشکر ۲۸ پیاده کردستان
- ۷- توپخانه ۲۸ کردستان

- ۸- هنگ ژاندارمری سقر
- ۹- تیم هوانیروز مستقر در سنندج

نتایج و دستاوردهای مختلف عملیات

- ۱- بازگشایی جاده میوان-سقر و استقرار در نقاط استراتژیک
- ۲- استقرار نیروهای سپاه در روستاهای حساس
- ۳- آزادسازی روستاهای چناره، بسطام، توت سرخان، شیپانجو، دوپلوره، برده رش حاجی ممدان، سیف، برده و ...
- ۴- تسلیح مردم وفادار به نظام در جهت امنیت پایدار

نقش آفرینان

- ۱- شهید حسین قمری قائم مقام عملیات سروآباد
- ۲- شهید حسین فرازی مسئول ادوات،
- ۳- برادر شادروان فتح... محمدی مسئول عملیات سپاه میوان

جنگ ایران و عراق

رزمندگان اسلام در شهرستان میوان ۲۸ عملیات آفندی جهت سد نمودن پیشروی ارتش بعثی عراق انجام دادند و بر نقاط استراتژیک و حساس منطقه مسلط شوند. در این عملیات نیروهای ارتش جمهوری اسلامی ایران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (ژاندارمری) و پیشمرگان مسلمان کرد شهرستان میوان شرکت داشتند که به اختصار تعدادی از عملیاتهای مهم منطقه را بیان می نمایم.

- عملیات دزلی، اورامانات و تپه شهدا

اهداف

- ۱- تصرف ارتفاعات استراتژیک منطقه و رسیدن به مرز
- ۲- انهدام مراکز اصلی گروههای محارب
- ۳- آزادسازی روستاهای منطقه
- ۴- رسیدن به مرز و تصرف نقاط استراتژیک
- ۵- انهدام کامل تشکیلات رزگاری
- ۶- تصرف تپه شهدا
- ۷- تصرف پاسگاه دالانی، تنه، ملخ خور
- ۸- جلوگیری از استقرار عراق در نقاط استراتژیک و حساس منطقه
- ۹- تسلط بر منطقه حلبچه- دشت زور- سد دربند سیاه و

یگانهای عمل کننده

- ۱- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی میوان
- ۲- گردان پیشمرگان مسلمان کرد میوان
- ۳- توپخانه ل ۲۸ کردستان

- ۴- قیاده موقت (ملاعمر)
- ۵- تی ۳ ل ۲۸ کردستان
- ۶- واحد حمزه سپاه سنندج

نتایج و دستاوردهای مختلف عملیات

- ۱- تصرف ارتفاعات استراتژیک منطقه
- ۲- انهدام سازمان گروهک رزگاری در منطقه اورامانات
- ۳- انهدام مرکز حزب دمکرات مریوان در دزلی
- ۴- دستگیری و کشته شدن سران حزب منحلہ دمکرات و رزگاری از جمله کالکان مسئول دفتر سیاسی حزب دمکرات
- ۵- تسلیم شدن بیش از ۵۰۰ نفر از افراد گروهکهای محارب
- ۶- کشف انبار مهمات و سلاحهای مختلف از ضدانقلاب (۸۰۰ قبضه)
- ۷- اتصال محور مرزی مریوان-نوسود
- ۸- تسلط بر مناطق عمیق خاک عراق
- ۹- ایجاد امنیت پایدار مردمی با سازماندهی نیروهای داوطلب طرفدار نظام
- ۱۰- جلوگیری از منابر نفوذی و تسلط بر مقرهای ضدانقلاب در خاک عراق (بیاره، طویله خرمال)
- ۱۱- آزادسازی جاده مواصلاتی و استراتژیک سه راهی حزب الله تادزلی و پاسگاه ژالانه (شهدا)
- ۱۲- آزادسازی روستاهای دزلی، دیرمویی و درکی
- ۱۳- آزادسازی ارتفاعات استراتژیک دربند
- ۱۴- تصرف تپه شهدا
- ۱۵- تصرف پاسگاه دالانی، تنه، ملخ خور
- ۱۶- جلوگیری از استقرار عراق در نقاط استراتژیک و حساس منطقه
- ۱۷- تسلط بر منطقه جلیچه، دشت زور، سد دربندی خان و

نقش آفرینان

- ۱- جاویدا اثر حاج احمد متوسلیان
- ۲- شهید گوجه ای
- ۳- شهید عثمان فرشته
- ۴- شهید عباس کریمی
- ۵- شهید رضا سلطانی
- ۶- شهید مردوخی
- ۷- شهید ابوعمار «افتخاریان»
- ۸- شهید احمدی مسئول اطلاعات سپاه
- ۹- شهید بهرام

موقعیت و شرح عملیات

در مسیر جاده سرو آباد به سمت مریوان به سه راهی می رسیدیم که به حزب الله معروف است که پس از عبور از این سه راهی به منطقه اورامانات شهرستان مریوان وارد می شویم که سابقه تاریخی بس کهن دارد. این منطقه بار تفاعلات صعب العبور و گردنه های طولانی، مکان مناسبی برای جنگهای چریکی و یارتیزانی می باشد و لیکن به دلیل داشتن مردمی مؤمن و همگام با نظام جمهوری اسلامی دشمن بعثی نتوانست در این منطقه حضور خود را اثبات نماید. تا اواخر خرداد ارتفاعات در زمستان پوشیده از برف و امکان عملیات رزمی را در این منطقه غیر ممکن می سازد. پس از عبور از روستای معروف دزلی و در کی، گردنه طولانی را طی نموده تا به اورامانات تخت برسیم. در ابتدای اورامانات تخت، پاسگاه ژاژانه (شهدا) و ارتفاع ته ته دیده می شوند. این ارتفاع به دلیل استراتژیک بودن از حساسیت خاصی برخوردار است، از یک سو راه ارتباطی بین اورامانات و نوسود را برقرار می کند و از سوی دیگر شهر حلبچه و سد دربندی خان از این ارتفاع دیده می شود بنابراین برای جمهوری اسلامی ایران و دشمن حائز اهمیت می باشد. رزمندگان اسلام که توانسته بودند دزلی، در کی و دمیوی روستاهای این محور را از اشراق پاکسازی نمایند در فروردین ماه سال ۶۰، با توکل بر خداوند تبارک و تعالی در وضعیت بد آب و هوایی، ارتفاعات ته ته که پوشیده از برف بود از دست متجاوزین بعث عراق آزاد نمایند و در آن استقرار یابند.

نیروهای بعثی و اشراق که قله را از دست داده بودند تلاش بسیاری نمودند که آن را مجدداً پس بگیرند ولی رزمندگان اسلام که فاقد امکانات به دلیل مه آلود بودن منطقه و قادر نبودن بالگرد برای پشتیبانی، تا آخرین نفس به مقاومت خود ادامه دادند و همین مقاومت باعث تثبیت قله گردید و دشمن با دادن تلفات سنگین مجبور به ترک منطقه گردید. در این عملیات ۴ نفر شهید و ۱۱ نفر بر اثر سرما و لغزندگی سطح یخ زده قله، به دره سقوط نموده و بدن مطهر آنان پاره پاره و شهید گردیدند و سند افتخاری از حماسه، مقاومت ایستادگی در تاریخ انقلاب اسلامی ایران ثبت نمودند.

عملیات باشماق مریوان (قوچ سلطان) تاریخ عملیات ۶۰/۱/۱

اهداف

۱- آزادسازی ارتفاعات سوق الجیشی قوچ سلطان که در اشغال نیروهای بعثی و ضدانقلاب قرار داشت، ۲- تسلط بر دشت پنجوین در خاک عراق، ۳- مسلط شدن بر دشت مریوان و دریاچه زریوار، ۴- انسداد معابر وصولی گروههای محارب از داخل خاک عراق به داخل کشور

یگانهای عمل کننده

۱- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مریوان، ۲- تیپ ۳ مریوان از لشکر ۲۸ کردستان، ۳- گردان پیشمرگان مسلمان کرد مریوان، ۴- هوانیروز ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۵- توپخانه لشکر ۲۸ کردستان

نتایج و دستاوردهای مختلف عملیات

- ۱- آزادسازی ارتفاعات مهم و استراتژیک قوچ سلطان
- ۲- تسلط بر عمق خاک عراق توسط نیروهای اسلام
- ۳- وارد آوردن تلفات بسیار سنگین به دشمن بعثی و ایادی داخلی آنها
- ۴- شکست تک دشمن و وارد ساختن خسارات و تلفات مجدد به آنها توسط رزمندگان سلحشور اسلام

نقش آفرینان:

۱- شهید سرتیپ عبادت ۲- جاوید الاثر متوسلیان

تجهیزات منهدم شده دشمن

۱۰۰ قبضه کلاشینکف، ۶ قبضه تیربار، ۴ قبضه خمپاره انداز، تعدادی بیسیم، ۶ دستگاه تانک، یک فروند هلی کوپتر و...

موقعیت و شرح عملیات

تپه قوچ سلطان به سبب موقعیت استراتژیکی و سوق الجیشی مهمی که دارد مسلط بر مناطق درونی ایران (دشت مریوان و دریاچه زریوار) و نیز مناطقی در عمق خاک عراق (پنجوین و...) می باشد و همین موقعیت مهم این ارتفاعات سبب شد تا در آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در سال ۱۳۵۹، نیروهای بعثی عراق با یورش همه جانبه این ارتفاعات را به اشغال خود در آوردند پس از آن رزمندگان اسلام در همان سال با انجام عملیاتی جهت آزادسازی تپه قوچ سلطان اقدام نمودند که به دلیل حجم آتش شدید دشمن و آتش باری توپخانه ای آنان نتوانستند موفق به آزادسازی ارتفاعات مذکور شوند و ناچار به عقب نشینی شدند. ولی همانگونه که گفته شد موقعیت ارتفاعات ذکر شده آنچنان مهم و حساس بود که نیروهای اسلام بار دیگر در سال ۱۳۶۰ طرح ریزی عملیات را انجام داده و با مشخص نمودن وظایف نیروها اعم از سپاه، ارتش و پیشمرگان مسلمان کرد و به فرماندهی برادر حاج احمد متوسلیان و سرگرد عبادت عملیات فتح تپه قوچ سلطان آغاز گردید.

ابتداهلی کوپترهای هوانیروز ارتش وارد عمل شده و سنگرهای دشمن را به آتش کشیدند و سپس نیروهای رزمنده به طرف مواضع و مقرهای دشمن حمله ور شدند.

فرمانده سپاه مریوان با استفاده از روش سه بر یک طرحی را به مورد اجرا گذاشت که برای اولین بار اجرا گردید و آن توانمندی رزمندگان اسلام و ایمان راسخ نیروهای تحت امرش بود.

نیروهای اسلام ۳۰۰ نفر بود در حالیکه دشمن در تپه های اطراف ارتفاعات یک گردان مجهز و روی قله دولبه توتمان هم نیرویی به استعداد یک گروهان مستقر کرده بود، با این وجود نیروهای رزمنده در اولین لحظات عملیات، دشمن را غافلگیر کرده و امکان هرگونه عکس العملی را از آنان سلب نمودند به طوری که در همان ساعات اولیه ۸۲ تن از عراقی ها به اسارت رزمندگان اسلام در آمدند و سپس در آزادسازی تپه قوچ سلطان، قله خزینه و دهکده پایوه ۷۲ تن از عراقی ها از جمله فرمانده پایگاه آنان اسیر، ۷۸ تن هلاک و ۲۹ تن دیگر مجروح شدند.

در ادامه این عملیات، نیروها با تجدید سازمان جدید به عمق مواضع دشمن در شهر پنجوین می رسند و برای تسلط بر شهر و استقرار در آن تقاضای نیرو می نمایند لیکن در آن زمان در منطقه با کمبود نیرو مواجه بودند این خواسته محقق نمی شود و نیروها به قله قوچ سلطان مراجعت می کنند و به دشمن ثابت می نمایند که اگر اراده و ایمان و خلوص نیت رزمندگان اسلام محقق شود هر نقطه از خاک دشمن را به تصرف خود در می آورند. در روزهای ۱۷ و ۱۸ خردادماه نیروهای بعثی عراق جهت اشغال مواضع آزاد شده اقدام به تک نمودند که با هوشیاری و مقاومت رزمندگان جان بر کف اسلام و با دادن تلفات سنگین ۴۲ کشته و خسارات فراوان مجبور به عقب نشینی و فرار شدند. در این عملیات حماسه ساز شهید سرگرد عبادت که به عنوان یک رزمنده فداکار اسلام در پیشاپیش نیروهای خود حرکت می نمود در نبرد شدید با دشمن بعثی، ضمن انهدام مواضع انفرادی و کشتن تعداد زیادی از آنها، مورد اصابت گلوله های دشمن قرار گرفته و بر روی ارتفاع به شهادت رسید.

- عملیات محمد رسول الله (ص/ع/س) (۶۰/۱۰/۱۲) رمز عملیات (لا اله الا الله، محمد رسول الله)

اهداف

- ۱- آزادسازی پاسگاه طویله عراق
- ۲- تصرف چندین ارتفاع و روستای منطقه
- ۳- انهدام نیروهای دشمن در غرب نسود
- ۴- انسداد دالان‌های ورودی اشرا
- ۵- پاکسازی و تامین امنیت شهرهای مرزی در منطقه اورامانات

یگانهای عمل کننده

- ۱- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مریوان
- ۲- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سنندج، واحد حمزه
- ۳- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پاره
- ۴- بسیج مریوان، ۵- یک گردان از تیپ ۸۴ خرم آباد (ارتش)
- ۵- گردان پیشمرگان مسلمان کرد مریوان

نتایج و دستاوردهای مختلف عملیات

- ۱- آزادسازی ارتفاعات مهم و استراتژیک منطقه
- ۲- تصرف پاسگاههای مرزی عراق
- ۳- تسلط بر عمق خاک عراق
- ۴- انهدام مقر فرماندهی تیپ ۱۱۶

نقش آفرینان:

جاوید الاثر حاج احمد متوسلیان، شهید محمد ابراهیم همت، شهید ناصر کاظمی و شهید اکبر آقابابایی

موقعیت و شرح عملیات

اندکی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، منطقه اورامانات (از جنوب مریوان تا جنوب پاره) جولانگاه گروه‌های اشرا گردید. بر همین اساس، به رغم تلاش نیروهای خودی برای پاکسازی این منطقه، اشرا همچنان به حضور خود ادامه می‌دادند. همین حضور موجب شد تا ارتش عراق به هنگام هجوم سراسری خود به خاک ایران اسلامی، منطقه اورامانات را مورد حمله قرار ندهد.

پس از آنکه نیروهای مسلح و پیشمرگان مسلمان کرد اشرا را به سوی مرز عقب راندند و امکان دسترسی آنان به مرز میسر شد، ارتش عراق تجاوز زمینی را در آن جبهه آغاز کرد و در زمستان ۱۳۵۹ حاشیه مرزی از نسود تا مریوان را به اشغال در آورد و مانع از الحاق نیروهای دو محور مریوان و پاره در ارتفاع «کاوه زهرا» گردید.

در تیر ماه ۱۳۶۰ در پاسخ به این حرکت دشمن، عملیات روح الله به اجرا درآمد و شرق نسود آزاد شد. در دوران آزادسازی نیز یک عملیات مشترک با فرماندهی سپاه و ارتش در دو محور مریوان و پاره انجام شده رزمندگان خود به اکثر اهداف دست یافتند.

با تسلط رزمندگان خودی بر نوار مرزی و نیز بر برخی مواضع دشمن، زمینه انجام عملیات به منظور انهدام قوای دشمن، تامین مرز دو منطقه نسود و هانی گرمله در دستور کار فرماندهان نظامی قرار گرفت.

عملیات محمدرسول الله(ص) همچون بسیاری از عملیات های مشابه، در منطقه کردستان و دفع متجاوز جنبه های دیگری مانند آموزش، کسب تجربه و عملیاتیهای مشترک حائز اهمیت بود. منطقه عملیاتی میان سه شهر مریوان، نوسود و پاوه محصور و در ارتفاعات مرزی معروف به تخت اور امانات واقع است. شهرهای بیاره، طویله، پنجوین، حلبچه و ارتفاعات شیندروی، سوسکان، درگه شیخان، کوه نعل کمین و ۰۰۰ در این منطقه قرار دارند.

عملیات در ساعت ۳ بامداد آغاز و رزمندگان اسلام با عبور از میدین مین و تله های انفجاری و از کنار نیروهای ملحد دموکرات و کوموله به مصاف دشمن رفتند. دشمن به دلیل سرمای شدید در منطقه غرب و شمالغرب، بیشترین نیروی خود را در جنوب متمرکز کرده بود و بر این اساس باز نمودن جبهه جدید برضد عراق در منطقه غرب و قطع خطوط ارتباطی نیروهای عراقی از جنوب به شمال، این عملیات با وجود برف و سرمای شدید آغاز گردید و اهداف از پیش تعیین شده در مدت ۸ روز به تصرف رزمندگان اسلام در آمد. اما به دلیل کمبود نیرو، نبود تجهیزات و تدارکات، سرمای شدید، نبود جاده مواصلاتی مناسب و حضور دشمن و ارتفاعات سرکوب منطقه، موفق به تثبیت مناطق آزاد شده نگرددند و به مواضع قبلی خود بازگشتند.

مجموع تلفات دشمن

کشته حدود ۱۰۰۰ نفر، اسیر ۱۹۱، مجروح حدود ۴۵۰۰ نفر،

تجهیزات منهدم شده دشمن: بالگرد ۲ فروند، خودرو ۵۰ دستگاه، موشک اندلز کاتیوشا ۱ قبضه، آرپی جی ۷ جی ۳۰ قبضه، خمپاره انداز ۸۱م ۶ قبضه، تانک و نفربر ۴ دستگاه، ارابه توپ ۱۵ قبضه و مهمات و سلاح سبک

عملیات والفجر ۴ (تاریخ عملیات ۶۲/۷/۲۷)

اهداف

- ۱- تصرف پادگان پنجوین و گرمک عراق
- ۲- تصرف پیشرفتگی شیلر
- ۳- آزادسازی بخشی از میهن اسلامی
- ۴- مسدود ساختن راه ضدانقلاب از شیلر و خارج کردن مریوان از زیر دید تیر دشمن

عملیات از دو محور بانه و مریوان، مرحله اول: ۶۲/۷/۲۷

محور بانه: ارتفاعات لری، گرمک

محور مریوان: ارتفاعات مارو، خصرزه یک، میلان، سربلان، سه درختی، تخم مرغی، پادگان گرمک

شهرک هرگنه و تپه شهدا

مرحله دوم: از دو محور ۶۲/۷/۲۹

محور مریوان: خصرزه، هفت توانا، کلدوار ارتفاعات پنجوین، یال شرقی زله ارتفاعات ۱۶۷۲ محور بانه: شاخ ناشکیته و

تسلط کامل بر شهر پنجوین

مرحله سوم: ۶۲/۸/۲ ارتفاعات شیخ گزینش، شاخ تاجر (کانی مانگاه)

یگانهای عمل کننده

محور بانه

۱- قرارگاه شهید کاظمی (تیپ ویژه شهدا، تیپ ویژه قدس، یک تیپ از ل نوهود گردانهای جندالله های استانهای کردستان و

آذربایجانغری)

- ۲- قرارگاه حمزه ۱ (ل ۱۴ امام حسین «ع»، تیپ ۲ ل ۲ حمزه، تیپ ۲ توپخانه ۱۵۵ م.م و جهاد سازندگی نجف آباد) مریوان- دشت سبز
- ۳- قرارگاه حمزه ۲ (تیپ قمر بنی هاشم، تیپ ۳ ل ۲۸ کردستان، تیپ ۳ توپخانه ۱۵۵ م.م و جهاد سازندگی چهار محال و بختیاری) محور مریوان
- ۱- قرارگاه حمزه ۳ (ل ۸ نجف اشرف، تیپ ۲ ل ۲۸ کردستان تیپ ۱ توپخانه ۱۵۵ م.م و جهاد سازندگی اصفهان) محور بانه
- ۲- قرارگاه حمزه ۴ (ل ۲۵ کربلا، تیپ ۱ ل ۲۸ کردستان، گروه رزمی سلمان و جهاد سازندگی قرارگاه حمزه) احتیاط
- ۳- قرارگاه حمزه ۵ (لشکر ۳۱ عاشورا و لشکر ۴۱ ثارالله) احتیاط
- ۴- قرارگاه حمزه ۶ (تیپ مستقل سیدالشهدا، تیپ ۲ ل ۲۳ نیروی مخصوص) احتیاط
- ۵- قرارگاه جنگهای نامنظم یک گردان از سپاه مریوان، یک گردان از ل ۲۸ کردستان نیروهای پارت دموکرات عراق و دیگر معارضین عراقی به استعداد ۳ گردان

نتایج و دستاوردهای مختلف عملیات

- ۱- آزادسازی ارتفاعات استراتژیک منطقه
- ۲- آزادسازی شهرهای پنجوین- بیاره- طویله- خرمال
- ۳- انهدام مراکز گروهکهای محارب در داخل خاک عراق
- ۴- عدم دسترسی ضد انقلاب به شهرهای مریوان و بانه
- ۵- آزادسازی ۱۵۰ روستای منطقه
- ۶- جلوگیری از نفوذ دشمن به معابر و وصولی
- ۷- آزادسازی اسرای در بند گروهکهای محارب

وسعت منطقه عملیاتی:

۳۰۰۰ کیلومتر مربع از میهن اسلامی و ۷۰۰ کیلومتر مربع از خاک عراق

مناطق آزاد شده:

ارتفاعات مهم ۲۵۵۰ متری هنیمال، ۲۳۵۰ متری لک لک، ۲۰۰۰ متری برین، کوه رستم آلان، بلندبهای دشت پازوال، ارتفاعات دولمیری، ارتفاعات مارو، خاتم شمنان، خاوره ۱ و ۲، کنگرگ لری، شیخ گز نشین، کنترل کامل پیشرفتگی شیلر، یادگان گرمک، کنترل شهر پنجوین عراق، زیر دبدو تیر قرار گرفتن شهرک نالپاریز عراق، کانی مانگا و آزادسازی ۳۰۰ نفر ایرانی در زندان دولتو در اختیار گروههای ملحد

نقش آفرینان:

۱- شهید علی رضائیان، ۲- شهدای یگانهای سپاه (بسیجی و پاسدار)، ۳- شهدای ارتش، ۴- شهدای ژاندارمری مجموع تلفات دشمن: ۳۵۷۰۰ نفر، تعداد اسیر: ۱۰۰۰ نفر، رئیس ستاد ل ۷ پیاده، فرمانده گردان ل ۵ مستقل، فرمانده تیپ ۴۲۸ جزء کشته شدگان بودند.

تجهیزات منهدم شده دشمن

تانک و نفربر ۳۳ دستگاه- توپ صحرايي ۱۲ قبضه- بالگردها ۹ فروند- هواپیمای فروند - شلیکای ۱۲ قبضه - انواع خودرو ۵۰ دستگاه - کوپ ۱۶ م.م ۵ قبضه و انواع سلاح و مهمات انفرادی

یگانهای منهدم شده دشمن

تیپهای ۶۰۲-۶۰۵-۶۲۸ پیاده ۱۰۰ درصد تیپ های ۲ گارد جمهوری و مرزی ۶۰ درصد ماتی ۱۰۵ پیاده ۸۰ درصد ، تیپهای ۷۰۳، ۵۰۴، ۷۰ درصد، تیپهای ۲۹ پیاده، ۱۰۱ پیاده ۱۸ و ۹۶ پیاده ۶۰ درصد، تیپ های ۹۱، ۵ و ۴۲۴ پیاده ۵۰ درصد، تیپ های ۲۶ و ۴۳۵ پیاده ۴۰ درصد، تیپ ۶۶ نیروی مخصوص ۱۰۰ درصد، تیپ ۶۵ نیروی مخصوص ۸۰ درصد، گردان ۵۵ مستقل ۵۵ درصد، گردان پیاده یکم ۱۰۰ درصد، گردان ۴ تانک مستقل ۶۰ درصد، گردان ابن الحارثه ۷۰ درصد، گردان کماندویی ۵-۷۰ درصد، نیروی کماندویی ل ۴-۷۰ درصد، گردان ۱۸ توپخانه صحرائی ۶۰ درصد، گردان ۲۰ توپخانه صحرائی ۵۰ درصد، گردان ۴ مهندسی صحرائی ۷۰ درصد، گردان ۲۱ مستقل تانک ۶۰ درصد، گردان کماندویی ۸ سپاه یکم ۷۰ درصد، تیپ ۶۸ نیروی مخصوص ۲۰ درصد، تیپ ۴۹ پیاده ل ۱-۲۰ درصد، گردان ۶۵۴ توپخانه صحرائی ۸۰ درصد، گردان ۹ توپخانه صحرائی ۶۰ درصد، گردان ۲۵ توپخانه صحرائی ۵۰ درصد، و گروه ۱۵۶ موشکی سام ۷-۱۰۰ درصد

غنایم

تانک نفربر ۴۲ دستگاه، توپ ۱۵۵ م، ۱۰۵ م و مینی کاتیوشا چند قبضه، وسایل مهندسی ۶۰ دستگاه، موشک سام ۷-۲۰ فروند، شلیک‌ا ضد هوایی ۲۰ قبضه، خودروهای سبک و سنگین ۲۰۰ دستگاه، توپ ۱۰۶-۲۰ قبضه، خمپاره انداز مقدار زیاد، وسایل مخابراتی مقدار زیاد، خودرو سواری ۲۰ دستگاه و کیسه خواب آمریکایی ۵۰ عدد

موقعیت و اهمیت منطقه عملیاتی والفجر ۴ (منطقه عمومی پنجوین)

پس از عملیاتهای والفجر مقدماتی ۳، ۲، ۱، و مسایلی که پس از عملیات رمضان مورد نظر قرار می گرفت و به آن عمل می شد، به شکل عمیق تری مطرح و ضرورت گسترش سازمان رزم و اتخاذ تاکتیکهای ویژه شکل و اهمیت تازه به خود گرفت و چنین می نمود که بدون تعهد عملی به آن، امکان ادامه جنگ به دور از موانع و معضلات عیدیده نخواهد بود.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با درک ضرورت‌های فوق و وضعیت موجود، با استفاده از ویژگی ضعف دشمن و رعایت اصل غافلگیری، عملیات منطقه هورالهویزه را طراحی نمود. اما کسب آمادگی لازم و انعطاف مناسب با موقعیت عملیات، نیازمند زمان، تجزیه دشمن و فراهم سازی مقدمات عملیات بود.

ضرورت اتخاذ استراتژی عملیات محدود پس از عملیات رمضان موجب شد که پس از بررسی فراوان سه عملیات، والفجر ۲ در منطقه عمومی حاج عمران ((پیرانشهر))، والفجر ۳ در مهران، والفجر ۴ در پنجوین عراق طراحی و مقرر گردید عملیات از ویژگیهای زیربرخوردار گردد.

۱- باتوجه به موقعیت زمانی و مسائل پس از والفجر مقدماتی و یک با سرعت عمل شود

۲- از نیروی کمتری استفاده شود، از تلفات و ضایعات خودی کاسته شود به نحوی که به سازمان رزم سپاه آسیب عمده وارد نشود،

۳- حتماً امکان پیروزی عملیات تضمین شده باشد.

منطقه عمومی عملیات در غرب استان کردستان واقع که از کوهستانهای بسیار پیچیده ای برخوردار است که از دو رشته اصلی یعنی ارتفاعات تروس ترکیه به سمت داخل ایران تغییر مسیر داده و به موازات خط مرزی ادامه می یابد و دوم ارتفاعات آرات که پس از عبور از آذربایجان غربی به بانه رسیده و به وسیله رودخانه زاب کوچک مجزا می گردد. با بررسی تمام جوانب قرارگاه مقدم حمزه سیدالشهدا (ع) کار خود را در منطقه آغاز می نماید.

عملیات در ساعت ۲۳۰۰ مورخه ۶۲/۷/۲۷ با رمز عملیات یا الله یا الله یا الله از دو محور شهرستان بانه و شهرستان میوان در ۳ مرحله آغاز و در تاریخ ۶۲/۷/۲۸ به پایان رسید.

- عملیات والفجر ۹ تاریخ عملیات (۶۴/۱۲/۳) رمز عملیات یا الله، یا الله، یا الله اهداف

- ۱- آزادسازی بخش وسیعی از خاک عراق در شرق سلیمانیه
- ۲- انتقال جنگ از جنوب به شمال
- ۳- تقسیم نیروی نظامی عراق در دو نقطه
- ۴- آزادسازی شهر کهای اطراف سلیمانیه (چوار تا)
- ۵- انهدام کامل مراکز باقی مانده ضد انقلاب در شرق سلیمانیه

یگانهای عمل کننده

- ۱- تیپ ۱۰۵ ویژه قدس
- ۲- تیپ ۱۵۵ ویژه شهدا
- ۳- تیپ ۶۲۲ بیت المقدس
- ۴- تیپ ۱۱۰ شهید بروجردی
- ۵- گردانهای جندالله استانهای آذربایجان غربی و کردستان
- ۶- لشکر ۵۷ ابوالفضل
- ۷- توپخانه سپاه
- ۸- دو گردان از تیپ هوابرد شیراز ارتش
- ۹- یک گردان از لشکر ۷۷ خراسان ارتش
- ۱۰- تیم هوانیروز مستقر در منطقه

نتایج عملیات

- ۱- شکست یک لشکر و یک تیپ عراق و عقب نشینی به طرف شهر سلیمانیه
 - ۲- آزادسازی ارتفاعات استراتژیک منطقه
 - ۳- تسلط بر شهر چوار تای عراق
 - ۴- انهدام مراکز گروهکها
- مجموع تلفات دشمن: بیش از ۱۵۰۰ کشته و زخمی و ۱۳۴ نفر اسیر.

- موقعیت و شرح عملیات

در نیمه دوم سال ۱۳۶۴ هجری شمسی عملیات والفجر ۹ آغاز شد. زمینه های اصلی جنگ در جبهه شمال بروز کرد و نخستین نبردی که با این هدف پنهان به اجرا در آمد والفجر نه بود. این عملیات با هدف گشودن جبهه ای گسترده در منطقه سلیمانیه و جلوگیری از تمرکز ارتش عراق در منطقه عملیات والفجر هشت به اجرا در آمد و طی آن منطقه وسیعی آزاد شد که در صورت تثبیت تاثیر آن در سرنوشت جنگ محتمل بود. اما دو هفته بعد به دلیل پاره ای نابسامانی ها منطقه آزاد شده سقوط کرد. این عملیات در منطقه عمومی سلیمانیه و چوار تای عراق با تک نیمه گسترده و به فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی آغاز شد. در عملیات یاد شده یک هواپیما، یک بالگرد، بیست

تانک و نفر بر و تعدادی سلاح سبک و نیمه سنگین از دشمن بعضی منهدم شدند.

نقش آفرینان: شهید حاج سید حسین روح الامین، شهید حاج اکبر آقابابایی، شهید محسن کاظمی، شهید ابوالقاسم آشتی جو و شهید ای ارتش

- عملیات والفجر ۱۰ تاریخ عملیات ۱۳۶۶/۱۲/۲۴ رمز عملیات یا محمد بن عبدالله (ص)

پیام امام خمینی (ره) به مناسبت
عملیات والفجر ۱۰ امام (ره)
در پاسخ به نامه فرمانده کل
سپاه پاسداران چنین اظهار فرمودند:

... اخبار پیروزی ها و حماسه های دلاوران اسلام نه تنها دل ملت ما، که قلب همه مستضعفان و محرومان راشادمان نمود و صدام و عفرقیان و حامیان و اربابان او، خصوصاً آمریکا و اسرائیل را عزادار کرد. سلام خالصانه مرا به همه فرماندهان عزیز و شجاع و رزمندگان ظفرمند پیروز سپاه و بسیج و ارتش و هوانیروز و نیروی هوایی و جهادگران دلاور و گمنام و امدادگران و کلیه نیروهای مردمی و کرد ابلاغ کنید و سلام و تشکر ملت ایران را به مردم شهرهای آزاد شده عراقی که بدون این که حتی یک گلوله هم به طرف آنان و شهرهای آنان شلیک شود، با آغوش باز و فریاد الله اکبر از رزمندگان ما استقبال نمودند، برسانید و به آن ها بگویید که می بینید صدام چگونه دیوانه وار شما و شهرهایتان را بمباران خوشه ای و شیمیایی می کند، و خواهیم دید که جهان خواران چگونه در تبلیغات مسموم خود از کنار این پیروزی های بزرگ و جنایت صدام خواهند گذشت ...

اهداف

۱- آزادسازی شهرهای حلبچه، خرمال، دو حیل، بیاره و طویله ۲،- تصرف ارتفاعات مسلط بر شهر ماوت عراق، ۳- فراهم سازی مقدمات تصرف سد دربند یخان، ۴- آزادسازی روستاهای منطقه، ۵- مسدود کردن عقبه اصلی استان سلیمانیه، ۶- انهدام بقایای اشرا در منطقه

یگانهای عمل کننده

قرارگاه قدس: لشکر ۲۵ کربلا به استعداد ده گردان، لشکر ۴۱ نارا... به استعداد هفت گردان، لشکرهای ولی عصر (عج)، علی ابن ابیطالب (ع)، ۳۳ المهدی (عج) و ۱۹ فجر هر کدام به استعداد شش گردان و تیپ ۳۹ بیت المقدس به استعداد چهار گردان.

قرارگاه ثامن الائمه (ع): لشکر ۹ بدر به استعداد هشت گردان، تیپ های ۲۹ نبی اکرم (ص) ویژه شهدا و سپاه چهارم هر کدام به استعداد شش گردان، تیپ ۳۶ انصار المهدی با چهار گردان و تیپ ۷۵ ظفر به استعداد دو گردان قرارگاه فتح: لشکر ۱۴ امام حسین (ع) و لشکر ۸ نجف هر کدام به استعداد پنج گردان، لشکر ۱۱ امیر المومنین (ع) به استعداد چهار گردان، تیپ های ۴۴ قبر بنی هاشم (ع)، ۸۲ صاحب الامر، ۹۱ بقیه الله و انصار الرسول (ص) هر کدام به استعداد سه گردان و یک تیپ نامنظم از قرارگاه رمضان.

یگانهای دشمن

منطقه عملیاتی، تحت مسئولیت سپاه یکم عراق قرار داشت. پدافند این منطقه قبلاً بر عهده نیروهای جاش (مزدوران کرد عراقی) بود و آن‌ها علاوه بر حفظ خطوط پدافندی، مأموریت مقابله با کردهای معارض رانیز بر عهده داشتند. با شروع فعالیت‌هایی همچون آماده‌سازی زمین، تردد خودروها و... از سوی قوای خودی در این منطقه، دشمن نیز به اقداماتی از قبیل جایگزینی نیروهای نظامی با جاش‌ها، تقویت منطقه با تیپ‌های جدید و... مبادرت ورزید. در مجموع یگان‌هایی که از قبل و نیز در جریان عملیات در منطقه حضور یافتند، عبارت بودند از: تیپ‌های ۹۶، ۶۰۶، ۳۹، ۱۴، ۴۰۲، ۶۰۲، ۵۰۶، ۴۲۲، ۴۲۰، ۷۲، ۱۳، ۷۰۷، ۷۰۲، ۹۵ و ۴۳۳ پیاده، تیپ‌های ۱۷، ۸۰ و ۵۰ زرهی، تیپ‌های ۲۴، ۲۷ و ۴۶ مکانیزه، تیپ‌های ۶۵، ۶۶ و ۶۸ نیروی مخصوص، تیپ ۱ کماندویی سپاه چهارم، تیپ ۲ کماندویی سپاه سوم و تیپ ۲ کماندویی سپاه یکم

نتایج عملیات

۱- آزادسازی منطقه‌ای به وسعت حدود ۱۲۰۰ کیلومتر مربع شامل شهرهای حلبچه، خرمال، بیاره، طویله و هم چنین آزادسازی شهر نوسود ۲- گشودن جبهه‌ای جدید برای دشمن و انتقال توان عمده‌ای از ارتش عراق به جبهه شمالی، ۳- کاهش خط پدافندی خودی، ۴- آزادسازی ۵۰ روستای منطقه، ۵- انهدام کامل اشراک در حاشیه مرز و عمق منطقه

تجهیزات منهدم‌شده دشمن

یک فروند بالگرد، بیش از ۱۰۰ دستگاه تانک و نفربر، ۶۰ قبضه توپ صحرایی ۲۰ ضد هوایی، ۴۰ قبضه خمپاره انداز، ۱۳ دستگاه مهندسی، ۲۳۰ دستگاه خودرو و ۷۵۰ قبضه اسلحه انفرادی و آرپی جی هفت از دشمن منهدم شد

یگان‌های منهدم‌شده دشمن

گردانهای ۶۰، ۱۴۰، ۱۰۸، ۱۰۶ دفاع الوطنی، تیپ‌های ۹۱ و ۹۷ کماندویی لشکر ۲۵، تیپ ۶۵ نیروی مخصوص، تیپ ۳۶ کوهستان، تیپ ۴۳۹ پیاده، گردانهای ۱ و ۲ از تیپ کماندویی سپاه ششم، یک گردان کماندویی از یک لشکر مکانیزه، یک گردان کماندویی از لشکر ۲۳، یک گردان از تیپ ۵۰۲، یک گردان از تیپ ۲۸ پیاده، یک گردان کماندویی از لشکر ۱۷ پیاده، یک گردان پیاده از لشکر ۷

غنائم

۹۰ دستگاه تانک و نفربر ام ۱۱۳، ۵۰ الی ۶۰ دستگاه انواع مختلف توپ صحرایی، ۲۰ قبضه خمپاره انداز، ۱۵ دستگاه مهندسی، ۸۰ دستگاه خودرو، ۲ خودرو و مخبرات، ۳ دستگاه مرکز تلفن ۱۰ شماره‌ای، ۲ دستگاه کمپرسی و اقلام دیگری به تصرف رزمندگان اسلام درآمد. به اسارت در آوردن ۵۴۴۰ نفر از نیروهای دشمن

موقعیت و شرح عملیات

در راستای استراتژی جدید ایران در ابتدای سال ۶۶، سپاه پاسداران در محورهای مختلف جبهه‌های شمال غرب عملیاتی‌هایی اجرا کرد که بیت‌المقدس ۲ و ۳ آخرین نوع از این عملیاتها بود.

از طرفی، به دلیل عدم گشایش در جبهه‌های جنوب برای اجرای عملیات بزرگ و عدم امکان اجرای عملیات

گسترده در شمال سلیمانیه و منطقه ماوت، مسئولین جنگ را بر آن داشت تا منطقه حلبچه و سد در بند یخان را برای اجرای عملیات بزرگ در نظر بگیرند.

منطقه عملیاتی والفجر ۱۰ شامل قسمتی از دشت زور (گل‌ها) است که در شمال آن ارتفاعات سورن و در جنوب آن ارتفاعات بالامو، گوزیل و شیندروی قرار دارند.

تأسیسات نظامی دشمن در این منطقه عبارت بودند از: (۱) پادگان حلبچه که دارای پد آسفالت هلی کوپتر بود، (۲) پادگان لشکر ۲۷ واقع در کانی مانکا، (۳) مقر فرماندهی دفاع الوطنی سپاه یکم واقع در منطقه رود اژه، (۴) پایگاه‌های موشکی سام ۲ و سام ۷

این عملیات در پنج مرحله انجام گرفت و رزمندگان اسلام در شروع عملیات مرحله اول توانستند تمامی اهداف خود در مرحله اول را به تصرف در آورند، به غیر از واکنش دشمن در شاخ سورمر و شاخ شمیران تحرک دیگری از نیروهای عراقی مشاهده نشده و تعداد زیادی از آن‌ها که در خواب بودند، کشته و اسیر شدند رزمندگان اسلام پس از عبور از موانع سخت و ایذایی دشمن موفق شدند شهر خرمال عراق و حدود ۲۰ روستا منطقه را آزاد نمایند. قرارگاه رمضان نیز در این مرحله تنها توانست پمپ بنزین شهر حلبچه را به آتش بکشد.

مرحله دوم عملیات رزمندگان اسلام با پیشروی در غرب شهر خرمال ارتباط شمال و جنوب استان سلیمانیه قطع شد و شهر مهم دوجله و بیش از ۲۰ روستای اطراف آن آزاد شد.

مرحله سوم عملیات رزمندگان کفر ستیز اسلام پس از عبور از رودخانه‌های خروشان، استحکامات دشمن را در سلسله ارتفاعات جنوب استان سلیمانیه عراق در هم کوبیده و بر روستاهای منطقه عمومی حلبچه تسلط پیدا کردند و نیروی دریایی سپاه با استقرار در شرق دریاچه، تحرکات دشمن در آن سوی دریاچه را زیر نظر گرفتند و نیروهای رزمنده از چندین جناح پیشروی به سوی شهر حلبچه را در زیر بمباران‌های شدید هوایی و شیمیایی دشمن، ادامه داده و سرانجام شهر ۷۰ هزار نفری حلبچه آزاد گردید.

مرحله چهارم عملیات شهر مرزی و کردنشین نوسود را که بیش از ۷ سال زیر سلطه دشمن قرار داشت و بغداد آن را به عنوان پایگاهی برای ضد انقلابیون و منافقین وابسته تبدیل کرده بود، از تیررس دشمن خارج سازند و دو شهر نظامی طویله و بیاره و بیش از ۸ روستای اطراف آن در نزدیکی نوار مرزی را آزاد کنند.

مرحله پنجم عملیات و آخرین مرحله عملیات که دشمن در تمام مراحل عملیات باشکست سنگینی مواجه گردیده بود با یک حرکت وحشیانه و خارج از معاهدات بین المللی شهر حلبچه را مورد هجوم بمباران شیمیایی قرار داد و فجیع‌ترین جنایات بشری مرتکب شد و متأسفانه مجامع بین المللی در مقابل این حرکت ددمنشانه سکوت اختیار نمودند و حماسه سازان عرصه جنگ و شهادت ۱۹ ارتفاع حساس منطقه و ارتفاع وربش مشرف به شهر سید صادق را آزاد نمودند.

بمباران شیمیایی و کشتار ۵ هزار کرد عراقی که در همان روزها توسط نیروی هوایی ارتش عراق صورت گرفت، به قدری دردناک بود که هر کس وارد شهر می‌شد و کوچه‌ها و خیابانها و حتی بیابانها را مشاهده می‌کرد، اجساد کشته‌ها از زن و مرد، کوچک و بزرگ بر روی هم افتاده و خشک شده بودند. گویی شهر به ارواح تبدیل شده بود. واکنش رسانه‌های خبری و کارشناسان و تحلیلگران محافل سیاسی، نظامی نسبت به عملیات والفجر ۱۰ در فضای ناشی از حملات موشکی عراق به تهران انجام گرفت. ابعاد و تبعات موشک‌باران تهران که برای نخستین بار انجام می‌گرفت، بیش از عملیات والفجر ۱۰ در کانون توجهات قرار داشت. در ثانی، عملیات والفجر ۱۰ که در غرب کشور انجام شده بود، بدان جهت که فاصله منطقه عملیات والفجر ۱۰ تا کرکوک نسبتاً زیاد بود، در مقایسه با منطقه جنوب از اهمیت کمتری برخوردار بود؛ لذا انعکاس و تأثیر آن در روند تحولات سیاسی - نظامی جنگ کم‌رنگتر از انعکاس دیگر عملیاتهای بزرگ بود. ثالثاً بمباران شیمیایی حلبچه و ابعاد آن به عنوان یک فاجعه هولناک انسانی،

کلیه رخدادهای جنگ و عملیات والفجر ۱۰ را برای مدت کوتاهی تحت تأثیر قرار داد.

- عملیات نامنظم

الف- عملیات بر مراکز، معابر و تردد بعثتها در خاک عراق

اهداف

- ۱- شناسایی معابر تردد یگانها گروههای عراقی، ۲- جلوگیری از معابر نفوذی به داخل خاک عراق، ۳- دیده بانی بر علیه مراکز تجمع عراق، ۴- فعال نمودن گروههای معارض عراقی «بارزانی- سوسیالیستها و.....»، ۵- اجرای عملیات مین گذاری و کمین بر علیه نیروهای بعثی

یگانهای عمل کننده

نیروهای داوطلب بسیجی و بومی و معارض عراقی و عملیات بر مراکز گروههای محارب

اهداف

- ۱- انهدام کامل مرکزیت گروههای محارب
- ۲- ناامن نمودن مراکز تصمیم گیری ضدانقلاب
- ۳- حذف سران گروههای محارب و افراد نفوذ
- ۴- ایجاد اختلال در ارتباط بانبروهای داخل خاک ایران

- صنعت توریسم و گردشگری در میوان

تاریخچه میوان

این شهر حدود یک قرن سابقه تاریخی دارد. یکی از شاهزادگان قاجار به نام فرهاد میرزا که کمی پیش از مشروطیت در این شهر حکومت می کرد قلعه ای بنا کرد که جریان نهایی آن در کتیبه ای که بر دیوار مسجد دارالاحسان یا مسجد جامع سنندج نصب شده است. دریاچه زریوار در غرب میوان زیبایی خاصی به این شهر بخشیده است. از نقاط دیدنی و جذابیتهای گردشگری این شهر می توان از کوه کانی چرمه، قلعه الهام، قلعه میوان (قلعه هلوخان)، دریاچه زریوار، آبشار کویله، بازار مرزی باشماق، بازار داخل شهر و پوشش جنگلی اطراف میوان نام برد. قرآن تاریخی و ارزشمند نگل:

نگل مرکز دهستانی به همین نام از توابع بخش کلاترزان سنندج است که در غرب کیلومتری ۶۵ سنندج و در مسیر جاده سنندج به میوان قرار دارد

در داخل مسجد روستای نگل، قرآن خطی از دوران گذشته وجود دارد که بنا به اعتقادات و باورهای مردم یکی از چهار قرآن خطی است که در زمان خلیفه سوم عثمان بن عفان به رشته تحریر در آمده و به چهار اقلیم دنیا فرستاده شده است.

قطع قرآن، رحلی بزرگ، جلد آن چرمی و رنگ آن قهوه ای تیره است و صفحات قرآن ضخیم و به علت تشابهی که با پوست دارد، در بین مردم به پوست آهو شهرت یافته است. خط قرآن کوفی و دارای نقطه و اعراب و در قسمت سر سوره ها و شماره های آیات مطلا و مزین به نقوش گیاهی است. بر اساس شواهد موجود و شیوه نگارش

و اعراب گذاری آن، احتمالاً این قرآن در سده‌های چهارم یا پنجم هجری قمری نگاشته شده است.

- سروآباد

این شهرستان مرکزی از دیدنی ترین مناطق توریستی کردستان به شمار می آید که به تازگی به شهرستان تبدیل شده است. مناطق کهن در اطراف این شهرستان بسیار است. آرامگاه پیر شالیار به روایتی ه یکی از روحانیون زرتشتی بوده است، در روستای اورامان تخت قرار دارد. نقاط دیدنی و گردشگری این شهرستان عبارتند از: تفریحگاه دزلی، چشمه درگی، آبشار معروف بل و رودخانه خروشان سیروان.

- منطقه اورامان

یکی از مناطق زیبای استان کردستان، منطقه ی اورامان است که در شرق مریوان قرار دارد و دارای کوهستان های زیبا با پوشش جنگلی است. رودخانه بزرگ سیروان از این منطقه و دره ی اورامان عبور می کند و به رودخانه دیاله در عراق می پیوندد.

- دریاچه زریوار

این دریاچه در سه کیلومتری شمال باختری مریوان و در ارتفاع ۱۲۸۵ متری از سطح دریا قرار دارد و از زیباترین میراث های طبیعی استان کردستان به شمار می آید. آب این دریاچه از چشمه های جوشان و رودخانه های چندی که به آن می ریزد، تامین می شود. حجم آب دریاچه از ۲۲/۵ میلیون متر مکعب تا ۴۷/۵ میلیون متر مکعب در طول سال متغیر است. طول دریاچه شش کیلومتر و عرض آن ۱۷۰۰ تا ۳۰۰۰ متر است. مساحت آن حدود ۷۲۰ هکتار است.

- قلعه هه لو خان مریوان

در روزگار حکمرانی سرخاب بیگ اردلان، حدود سال ۹۴۵ هجری قمری، در سه کیلومتری جنوب شرقی شهر فعلی مریوان، قلعه ای روی کوه ساخته شد که به قلعه هه لو خان یا قلعه ایمام شهرت یافت.

- آبشار کویله

یکی از مکان های دیدنی استان کردستان، آبشار «کویله» است که در شهرستان مریوان و در مسیر جاده مریوان - سقز واقع است. این آبشار زرباد فصل بهار از مکان های دیدنی و زیبای منطقه محسوب می شود. - مراسم پیر شالیار پیر روحانی از مغان زرتشت به نام پیر شالیار نزد مردم اورامان بسیار محترم است و در بهمن ماه هر سال مراسم ویژه ای در اورامان گرفته می شود.

- مراسم دراویش قادریه

پیر و طریقت شیخی محی الدین ابو محمد عبدالقادر هستند، شیخ طریقت قادریه شیخ عبدالکریم بزرنجی است برخی از دراویش چانه و یا شکم خود را پاره می کنند و چنین به نظر می رسد که انگار هیچ درد، رنج و لطمه ای را احساس نمی کنند، هر درویش به یک یا چند نوع از این گونه عملیات رغبت و اشتیاق نشان می دهد. بعضی آتش می خورند، برخی شکم خود را سوراخ و پاره می کنند و پاره ای درفش در گونه و چانه خود فرو می برند و تعدادی از آنها شیشه و میخ می بلعند.

- طریقه نقشبندیه

موسس این طریقه خواجه بزرگ مولانا بهاء الدین محمد نقشبند بخارایی است. مروج این طریقت در کردستان مولانا خالد نقشبندی است. پیروان این طریقت عرفان و وصول به حق و درک حقیقت را در تفکر و سکوت می دانند و بر خلاف طریقت قادریه از قیل و قال و سماع پرهیز می کنند.

بانه در جنگ



نام شهر: بانه
تعداد عملیات ۶۶
تعداد مناطق پاکسازی شده ۱۱۴
تلفات دشمن ۹۲
کشته ۹۲
زخمی ۶۸
اسیر ۹۰
تسلیمی ۱۷
تلفات خودی «بومی»
شهدای رزمنده ۱۶۸
شهدای مردمی ۶۵۵

مقدمه

شهرستان بانه در غرب کشور و یکی از شهرهای استان کردستان، در شمالغربی این استان قرار دارد. در ۶۰ کیلومتری شهرستان سقر، ۲۶۰ کیلومتری سنندج و ۲۱ کیلومتری مرز عراق در دامنه رشته کوههای زاگرس واقع شده است. ارتفاع شهرستان بانه از سطح دریا ۱۵۴۰ متر است. بانه از شمال به سردشت و از شرق به مهاباد، سقز و بوکان و از جنوب و غرب با کشور عراق همسایه است.

بانه شهری کوهستانی است که جنگلهای اطراف آن زیبایی خاصی به این شهر داده است متوسط میزان بارندگی این شهرستان حدود ۷۵۰ میلیمتر در سال است و این امر تأثیر بسیاری در سرسبزی و آبادی روستاها و تفرجگاههای اطراف آن دارد. نام بانه را از کلمه کردی «بان» به معنی بام و بلندی و متأثر از ارتفاعات و نحوه استقرار و موقعیت شهر بانه می دانند بعد از حمله اعراب و حاکمیت اسلام طایفه ای به نام «اختیار دینی ها» حکومت را در شهر بانه به دست گرفته و تا دوره زندیه در این شهر حکومت نموده اند.

شهر بانه چند بار دچار آتش سوزی های بزرگ شده است و دو بار جای شهر عوض گردیده است که آخرین بار بعد از جنگ جهانی دوم بوده. اکنون شهر بانه یکی از شهرهای آباد کردستان است و به علت مجاورت با مرز عراق به یکی از کانونهای تجاری استان تبدیل شده است

جمعیت شهرستان ۱۱۸۸۶۷ نفر می باشد که جمعیت شهری ۵۵۴۳۳ نفر و جمعیت روستایی ۵۰۱۷۳ نفر می باشند. این شهرستان دارای چهاربخش و هشت دهستان می باشد.

از ارتفاعات مهم بانه می توان از حجره فقیره، دوزینه، هنگ ژال و سور کوه نام برد زمینهای منطقه کوهستانی است و کوههای سمت غربی عمدتاً پوشیده از جنگل بلوط است اکثر کوهها دارای شیب تند و دریاها عمیق و پر آب است که مناظر زیبای طبیعی را بوجود آورده است.

-جنگ داخلی

مردم شهر مرزی بانه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در جهت همسو شدن با دیگر مردم ایران زمین به ندای امام (ره) لبیک گفته و در جهت محروم زدایی از این منطقه با برادران دیگری که از نقاط مختلف کشور آمده بودند همکاری نمودند. اشرار که توسط استکبار در نقاط مختلف استان از جمله بانه مستقر شده بودند و خط مشی و مرام خود را در جهت مخالفت با نظام جمهوری اسلامی دنبال می نمودند، تلاش مردم را در جهت منافع خود نمی دیدند، شروع به توطئه نموده و امنیت منطقه را برهم زدند و به دنبال مذاکرات هیئت حسن نیت و دستور آن هیئت، پایگاه های سپاه از شهرهای کردستان از جمله در بانه جمع آوری شد و دیگر هیچ نیروی مسلحی از یگانهای جمهوری اسلامی ایران در داخل شهر وجود نداشت.

مسلخ عشق

در تاریخ ۵۸/۸/۱۰ مصادف با عید قربان ستون ارتش اعزامی از سردشت که قصد تعویض و رفتن به تهران را داشتند در ساعت ۱۴/۲۰ دقیقه بعد از ظهر در مدخل ورودی شهر بانه مورد هجوم مسلحانه مهاجمین قرار گرفت و تعداد ۱۴ نفر شهید و ۱۲۶ نفر مجروح شدند. دشمن با قساوت تمام با شهدا بر خورد کرد تا چند روز جنازه مطهر شهداء در مسیر رودخانه افتاده بود و بعضی از افراد برای سرقت انگشتر شهداء انگشت های آنها را بریده بودند و دشمن با این اقدام حاکمیت خود را بر شهر بانه و جمهوری اسلامی اعلام کرد.

وقتی گزارشی از وضعیت سنندج به استحضار امام رسید امام در قسمتی از بیاناتش فرمودند: (به شما ارتشیان و سپاه

پاسداران انقلاب و فرمانده کل قوا هشدار می‌دهم که باید اشرار از کردستان تصفیه شوند آنها کردستان را به فساد کشیدند و مردم کردستان را به فساد کشیدند و مردم کردستان را به طرز وحشتناکی اذیت و آزار کردند و همه را کشتند، دیگر نباید به اینها مهلت داد باید منطقه درست پاکسازی شود تا دست آنها کوتاه و امیدشان قطع شود).

۵۹/۲/۲۵- صحیفه نور ج ۱۲ ص ۸۷

این پیامها و بیانات که به رزمندگان اسلام می‌رسید روحیه و جنگندگی آنها را صدچندان نموده و بر تلاش خود در جهت سرکوب اشرار می‌افزودند و دشمن که تمام تلاش خود را به کار بسته بود نقش بر آب می‌شد.

- آزادسازی شهر بانه

پادگان تنها محل استقرار نیروهای اسلام، ارتش و سپاه در شهر بانه بود. این پادگان در قسمت جنوبی شهر قرار دارد و دامنه کوه آر با باکاملابری پادگان و شهر بانه اشراف دارد. دشمن با استفاده از موقعیت خود با محاصره پادگان و تسلط بر ارتفاعات اجازه هیچ تردد و عکس‌العملی را به نیروهای داخل پادگان نمی‌داد و هر لحظه بر شدت فشار خود برای ورود به پادگان را افزایش می‌داد.

وضعیت بسیار سخت شده بود و برای تأمین آب و دیگر وسایل خروج از ساختمانها مساوی شهادت و مجروح شدن بود، حتی افرادی که در این مدت برای پایدار ماندن و اجازه ندادن به اشرار برای ورود به پادگان در راه اسلام شهید شده بودند، اجساد مطهرشان در وسط پادگان بر زمین افتاده بود و نیروها قادر به آوردن آنها نبودند.

راههای منتهی به بانه در اختیار گروههای محارب بود و تنها راه پشتیبانی به نیروهای داخل پادگان از راه هوایی بود که هر چند وقت یکبار انجام می‌شد و پس از رهان نمودن توسط بالگردها که با حمله اشرار همراه بود، برای جمع‌آوری آنها با دادن شهیدوز خمی امکان پذیر می‌شد زیرا تمام نقاط و ارتفاعات مسلط بر پادگان در اختیار گروهکهای ملحد بود.

- گردنه خان

در تاریخ ۱۳۵۹/۳/۵ دلیر مردان که شهادت را در آغوش گرفته بودند سوار بالگردها شده و به سمت گردنه خان حرکت نموده و پس از اجرای عملیات توسط بالگرد کبری فضایی برای آنها ایجاد گردید و اولین نیروهای اسلام از بالگرد در حال حرکت به سمت پایین پریده و با اجرای آتش فضا را برای دیگر بالگردها فراهم و بقیه نیروها از بالگردها پیاده شده و مواضعی را برای شروع عملیات انتخاب نمودند و با برپایی خمپاره و اجرای آتش بارشادت و شایستگی ارتفاعات مسلط بر گردنه خان را از اشرار پاکسازی و پدافند نمودند.

ستون ادامه مسیر داده و بدون درگیری به بالای گردنه خان می‌رسد و بر اساس برنامه ریزی قبلی شب را در گردنه استراحت نموده و فردا به حرکت خود برای آزادسازی پادگان بانه و شهر با حمایت بالگردها اقدام نماید. اما با نزدیک شدن غروب آفتاب کلیه ارتباطات بیسیم با فرماندهی مستقر بر ارتفاعات خان قطع گردید و ستون به حرکت خود به سمت بانه ادامه داد و در نزدیک روستای سبدلو مورد تهاجم اشرار قرار می‌گیرد و گروههای ملحد با بلندگو و جنگ روانی اعلام می‌دارند که تسلیم شوید و وقتی که فرمانده ستون (سرهنگ ارتشی) می‌گوید در محاصره قرار گرفتیم و دیگر کاری نمی‌توانیم انجام دهیم و تسلیم شویم، برادران متوجه می‌شوند که به آنها خیانت شده و تعدادی از ارتشیان به همراه فرمانده ستون تسلیم می‌شوند و دیگر برادران تا شهادت به نبرد خود ادامه داده و تعدادی به شهادت رسیده و تعداد دیگر با شکستن محاصره به سمت گردنه عقب نشینی می‌نمایند.

روز چهارشنبه ۱۳۵۹/۳/۶ شهید شیروی به همراه دیگر تیزپروازان هوایی روز به سمت اشرار پرواز نموده و ۱۶ دستگاه اسکورپین به غنیمت رفته را با سرنشینان آنها نابود می‌سازند.

برادران از طریق زمین به پایین گردنه حرکت می‌نمایند و از کنار اجساد مطهر شهدا با قلبی مالامال از اندوه و نفرت از

دشمن عبور نموده و به طرف پادگان حرکت نموده و با شجاعت و قهرمانی پس از درگیری شدید به مدخل ورودی شهر رسیده و ضمن کنترل شهر، پادگان بانه را که بیش از یک ماه در محاصره ضد انقلابیون قرار داشت و با وجود تحمل تلفات قابل ملاحظه با رشادت و سلحشوری مردانه و جانانه مقاومت کرده و حماسه ها آفریده و دست از مقاومت برنداشته بودند، از محاصره خارج و عوامل مسلح پس از دادن تلفات سنگین به سوی مرز عراق گریختند. اکثر ساختمان های داخلی پادگان خراب شده بود و یا آسیب دیده بودند و در بالای پادگان بر روی تپه ای یک لاشه هلی کوپتر ۲۱۴ که در حین کمک رسانی به پادگان مورد اصابت ترکش خمپاره قرار گرفته و سقوط کرده بود دیده می شد. در گوشه ای از پادگان بر روی یک ریل اجساد مطهر قریب به ۵ شهید روی هم چیده شده بود و انسان را به یاد صحرای کربلا می انداخت که امام و یارانش در کنار هم بر روی زمین تفدیده کربلا سه شبانه روز افتاده بودند.

آربابا

بعد از استقرار در شهر و پادگان، آخرین سنگرهای اشرا در کوه آربابا قرار داشت و با خمپاره انداز پادگان را هر روز تهدید می نمود و رزمندگان اسلام با سازماندهی مجدد برای فتح قله آماده شدند. صخره ای بودن آربابا مشکلی بود که عملیات را با دشواری مواجه می کرد و بر این اساس در دو نوبت به وسیله بالگرد سعی نمودند که عملیات (هلی برن) را پیاده نمایند که در بار اول بالگرد به علت نزدیک بودن به سطح زمین مورد اصابت گلوله های اشرا قرار گرفت و سقوط کرد و بار دوم افراد داخل قبل از پیاده شدن از سوی دشمن مورد هدف قرار گرفته و شهید و زخمی شدند و بالگرد مراجعت نمود.

برای رسیدن به قله بهترین حرکت بالا رفتن از کوه بود و بر این اساس پانزده نفر از برادران سپاه صبح زود به طرف قله پیشروی کردند و در حدود ۲۰۰ متری دشمن ایستاده و آنگاه باران گلوله های خمپاره بر سر دشمن باریدن گرفت و از این فرصت برادران به سمت قله شروع به دویدن نموده و توانستند با ایمان بلند و محکم خود بر دشمن فایز آمده و ارتفاع را بدون دادن حتی یک زخمی فتح نمایند. بدین ترتیب پادگان و شهر بانه کاملاً آزاد و تردد در داخل پادگان جهت امداد رسانی میسر گردید و بالگردها به رساندن آذوقه و تخلیه مجروحین و شهدا اقدام می نمایند. در این عملیات گردان یکم از پادگان ولی عصر «عج» سپاه تهران، گردانی متشکل از برادران پاسدار اصفهان و کاشان، یک گردان تانک از تیپ ۱۶ قزوین، یک گروهان از پادگان هوایی شهید نوژه، یک گردان از تیپ هوایر شیراز، یک تیم از هواپروازار تش شامل ۲ فروند شنوک، ۶ فروند ۲۱۴ و ۴ فروند کبری شرکت داشتند.

خاطرات ورود به شهر

بالاخره پس از چندین ساعت تلاش خودمان را به فرمانداری که در انتهای شهر بانه قرار داشت رساندیم که این مکان قبلا پس از آزادسازی شهر توسط شهید چمران محل استقرار سپاه و پس از خروج سپاه از شهر محل استقرار جهاد سازندگی بانه بود و اینک پس از به گروگان گرفته شدن اعضاء زحمتکش جهاد سازندگی آنجانی به طرز وحشیانه ای غارت شده بود و اکنون در اختیار حزب دمکرات بود.

رویه روی فرمانداری اداره فرهنگ و هنر واقع شده بود که در زیر زمین این ساختمان توسط شکنجه های گروهک منحرف کومله که رذیلاته و با قساوت تمام بهترین فرزندان اسلام را در آنجا به آزار و شکنجه کشانیده بودند پر خورده ایم. هوارو به تاریکی می رفت و ما باید به پادگان بر می گشتیم، لکن تصمیم گرفتیم همانجا در شهر بمانیم و برای همین فرمانداری (محل سابق سپاه) را به عنوان مقر خود قرار دادیم. و قرار شد بچه ها در آنجا مستقر شوند. به پادگان نیز اطلاع دادیم که بر نمی گردیم و در بانه خواهیم ماند. آن شب، شب باشکوهی بود که اشک شوق ما را ساعتها جاری ساخته بود. آخر آن شب پس از ماه ها تلاش و جنگ و شهادت و تحمل سختی ها

توانستیم مهمترین پایگاه ضد انقلاب را در کردستان (بانه) را باز پس گیریم و از همه مهم تر اینکه آن شب بار دیگر پس از ماه دوری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بانه دیگر بار تشکیل شد.

جاده بانه - سردشت

در شهر بانه مهمترین و استراتژیک ترین مکان محور بانه - سردشت بود که بارها رزمندگان اسلام در پی آزادسازی آن با شکست مواجه شده بودند زیرا بیشترین نیروی اشرا در این محور مستقر شده بود و به شدت از آن محافظت می نمود و با شروع جنگ تحمیلی و ارسال کمکهای تسلیحاتی و لجستیکی از سوی حزب بعث عراق به این گروهکها، برای رسیدن به اهداف خود، مشغول نمودن و زمین گیر نمودن نیروهای جمهوری اسلامی و تجزیه آنها که در جنوب بتوانند به اهداف خود برسند، این محور حساسیت بالایی را پیدا نموده بود.

محور بانه - سردشت جاده ای پر پیچ و خم و قسمتی جنگلی و بین کوه ها و دره های بس خطرناک قرار داشت و به همین دلیل پاکسازی کامل جاده مذکور امکان پذیر نبود و احتمال کمین نیروهای مهاجم و وابسته به گروهک ها در هر نقطه ای از جاده وجود داشت و همین امر از موانع اصلی در جهت حرکت به سوی سردشت و آزادسازی این محور به حساب می آمد.

وقایع ناگوار متعددی که بر اساس جغرافیای خاص منطقه توسط اشرا در این محور ایجاد می گردید باعث شد تا پاکسازی محور بانه - سردشت به عنوان یک عامل بازدارنده نیروهای دشمن همیشه مورد توجه باشد و به همین سبب این عملیات در هفت مرحله که مرحله اول آن در تاریخ ۵۷۷/۱۰ آغاز و مرحله هفتم آن در سال ۶۱ با آزاد سازی کامل جاده بانه - سردشت به پایان رسید.

در این هفت مرحله نیروهای ارتش و سپاه مشترکاً عملیات ها را انجام داده و در هر مرحله قسمتی از مسافت ۶۵ کیلومتری را آزاد ولی به علت مقاومت شدید اشرا عملیات نیمه کاره به پایان می رسید.

در سال ۵۸ که هیچ گونه درگیری در استان کردستان وجود نداشت، برادران سپاه، جهاد سازندگی ادارا راه و ترابری در جهت خدمت به محور و مین منطقه فعالیت سازندگی می نمودند توسط اشرا در این محور مورد هجوم قرار گرفته و ۲۲ نفر پاسدار و یک نفر از راه و ترابری بطور فجیعی به شهادت رسیده و ۱۲ نفر را به گروهگان می برند و با این حرکتها یشان مبارزه مسلحانه را علیه جمهوری اسلامی ایران آغاز می کنند.

در پی این حرکات ددمنشانه ارتش جمهوری اسلامی ایران با حرکت یک ستون نظامی با همراهی بالگرد های هوانیروز با توجه به اینکه دشمن در طول مسیر کمین های متعددی گذاشته بود، ولی حرکت ستون با پشتیبانی بالگرد ها باعث پاکسازی کل راه و فرار دشمن گردید و نیروهای خودی در تعقیب مهاجمان توانستند تا سردشت و سپس تا مرز آنان را در حالیکه غنایم بسیاری بر جای گذاشته بودند، به عقب نشینی و فرار به درون خاک عراق وادار نمایند. آمدن هیئت حسن نیت و خروج پاسداران و بازگشت اشرا به داخل شهرها و محورها دوباره این جاده در اختیار آنها قرار گرفت و خیانتی بس بزرگ که به مردم منطقه و جمهوری اسلامی گردید. رزمندگان اسلام با حضور مجدد خود در این منطقه که با دادن شهدای گرانقدر و مجروحین برای آزادسازی این جاده فعالیت خود را آغاز نموده و ستونی متشکل از برادران سپاه و ارتش جهت پاکسازی این محور و تقویت نیروهای مستقر در مرز از بانه عازم سردشت شدند که در بین راه مورد هجوم عناصر مسلح غیرقانونی قرار گرفتند که بلافاصله آتش توپخانه و خمپاره انداز مواضع مهاجمین را در هم کوبید و ۴۰ نفر از اشرا کشته و عده زیادی از آنها زخمی نمودند و از نیروهای خودی ۶ نفر شهید و تعدادی مجروح شدند.

بعد از استقرار نیروها در کلیه شهرها و محورهای اصلی و با طرح ریزی و تجارب گذشته، در تاریخ ۶۰/۳/۱ مرحله اول عملیات آغاز گردید و رزمندگان اسلام با درگیریهای بسیار شدید توانستند ۱۸ کیلومتر از این محور را آزاد

نموده و استقرار یابند.

در مرحله دوم در تاریخ ۵/۵/۶۰ عملیات انحرافی شروع و نیروها به ۲ دسته تقسیم شدند و پس از پیشروی و تصرف پایگاههای اشرا در، در آخرین نقطه موفق به آزادسازی آن نمی گردند و صبح موفق به آزادسازی آن می گردند ولی آتش زیدانیروهای مهاجم تعداد زیادی از افراد پایگاه شهید و مجروح شدند که فرمانده عملیات نیز از جمله شهدا بود که متأسفانه با فقدان فرمانده، نیروها پراکنده شده و تعدادی اسیر و شهید می شوند که در طی این درگیری ها تلفات زیادی نیز به گروههای مسلح وارد می گردد.

شهید شدن سرگرد شهرام فر فرمانده محور عملیات ارتش در این عملیات و تعداد دیگری از زندگان اسلام، مرحله سوم عملیات در قالب طرح شهید شهرام فر و گسترش مرحله به مرحله، منطقه دار ساوین تصرف و ارتفاعات سوپرو به تصرف رزمندگان اسلام در می آید و تعداد زیادی از اشرا را به هلاکت می رسند.

روحیه رزمندگان با شهادت این عزیزان افزایش یافته و بارشادت وصف ناپذیری به جلو پیش می روند و دشمن که توان خود را در مراحل مختلف عملیات از دست داده است، سعی می نماید با حمایت عراق از مواضع باقیمانده خود به شدت حراست نماید ولی رزمندگان کفر ستیز اسلام و پیشمرگان مسلمان کرد با هماهنگی های لازم آخرین مرحله این عملیات را با موفقیت به پایان رساندند و دشمن زبون راهی جزء پناه بردن به روستاهای دور دست و نزدیک مرز نداشت و با ایجاد پایگاه های متعدد در طول مسیر توسط ارتش این جاده باز گشایی گردید و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران آماده شدند که به سوی مرز برای جلال با صدام و صدامیان اعزام گردند. در این عملیات گردانهای جندا.. استان کردستان و پیشمرگان مسلمان کرد و هوانیروز و گردان مکانیزه ارتش حضور داشتند و گروههای محارب به استعداد ۲۹۰ نفر در این عملیات حضور داشتند.

نقش آفرینان:

شهید سرگرد شهرام فر (تاریخ شهادت ۱۰/۵/۱۳۶۱)، شهید مصطفی طیاره (تاریخ شهادت ۱۳/۷/۱۳۶۱)، شهید ناصر کاظمی (تاریخ شهادت ۶/۶/۱۳۶۱)، شهید ارتش و سپاه او در آخرین شبهای عمرش تاسحر گاهان بیدار بود و مشغول کار کردن و طرح ریختن و نقشه ریزی عملیاتی و بعد هم آخر سر مشغول نماز شب می شدو حتی یک روز تا نماز صبح بیدار مانده بود. او خالصانه و مخلصانه با روح بلند پرواز و علوهمتی که داشت صادقانه در تلاش بود تا هر چه زودتر ضربه ای به دشمن وارد سازد و ندای اسلام را در هر گوشه ای از کربلای کردستان که هنوز به صدا در نیامده بود به صدا در آورد. او مرد عمل و مرد خدا، بی ریا، بی آرایش، متواضع، فروتن، پرجوش، دلسوز، نا آرام و بی قرار بود. او معلم سپاه بود، او معلم پاسدار بود هم در ایمان و هم در عمل، هم در تعهد و هم در تخصص. او سرباز راستین و سرباز بی نام و نشان و بی سرو صدا و دور از هواهای نفسانی دنیایی اسلام بود. آنگاه ادامه می دهد: بعد از شهادتش فهمیدم قهرمان کانگ فوی ارتش های جهان بوده و مسئول اداره سیاسی ایدئولوژیک تیپ نوهده و فرمانده عملیات در کشف کودتای نوژه، ولی یک کلام از این مقام های دنیایی و فعالیت های بی شمارش حرفی نزد و سخنی نگفته بود و او مهربان، پاک و پر محبت بود. نجواد دل شب و خلوت با خداوند بر زبان جاری می سازد که: وای حسین پاک وای حسینی که به حسین (ع) سرور شهیدان اقتدا کردی شفیق من شو تا حسین (ع) تو و سرور شهیدان، من را نیز به دامان شهادت فراخواند و حسین عزیز وای حسینی که مظلوم وار و پر شکوه تخت یزیدیان زمانت را سرنگون و رسوا کردی ما را نیز بخوان و بخواه از خدا تا به ما نیز ایمان حسینی عطا فرماید، ای حسین شهید ای محشور با حسین (ع) شهادت پر افتخارت مبارک باد. و در پایان با سوز و گداز می گوید: خداوند من رو سیاه را به خون پاک این حسینت و همه حسین های تاریخ اسلام ببخشا و همه جا ماندگان از راه شهادت را یاری فرما تا بر راه این بندگان خاص در گاهت اقتدا نمایم

که اقتدار حسین شهرام فر اقتدار حسین (ع) اسلام و اقتدار حسین (ع) اقتدا به عظمت و یگانگی توست. خداوندا ما را بر در گاهت و بر در گاه خاصانت بپذیر، آمین یارب العالمین (ساعت ۳/۳۰ دقیقه بامداد ۵ شنبه ۶۰/۵/۱۵ سپاه بانه مصطفی طیاره)

سردار رشید اسلام شهید ناصر کاظمی در مورد مرد عارف و تقوی پیشه شهید مصطفی طیاره که قبل از انقلاب در لباس سربازی در لشکر ۲۸ کردستان خدمت نمود و یاد دیگر هم‌زمانش در توطئه‌های گروهبان هافالان‌ه ایستاد و در جنگی نابرابر در مقابل این فریب‌خوردگان مقاومت کرد و نگذاشت پادگان‌سندج سقوط نماید می‌گوید: موقعی ایشان به سقز رفت که وضع شهر به هیچ وجه من‌الوجه خوب نبود و گروهبان‌ها یکی دو مرتبه به شهر حمله کرده بودند و با اینکه مسئولیت فرماندهی سپاه رابه عهده داشت ولی هر زمان که عملیات می‌شد خودش نفراول بود و پیشاپیش رزمندگان اسلام برای سرکوبی ضد انقلاب حرکت می‌کرد.

به ایشان ماموریت دادیم که برود مسئول هماهنگ کننده ارتش و سپاه باشند قبل از اینکه این ماموریت رابه او بدهم دقیقاً از شهادتش باخبر بود بدلیل اینکه من گفتم مامی خواهیم شمارا بفرستیم گفت: شما کاری دارید به من بگوئید زیرا من تا هفتم بیشتر نیستم. چون ایشان بچه اصفهان بود فکر کردم قصد رفتن به اصفهان را دارد، گفتم بعد از دو سال تجربه چطور می‌خواهی به اصفهان بروی گفت: نه من قصد رفتن به اصفهان را ندارم، گفتم: چطور؟ گفت تا هفت روز بیشتر زنده نیستم.

آری مصطفی عزیز بخاطر نیت پاکی که داشت حتی از روز شهادتش نیز باخبر بود. او در عملیات‌های بسیار زیادی شرکت داشت و تا مرز شهادت هم پیش‌رفته بود ولی همان‌گونه که خود پیش‌بینی کرده بود بعد از عملیات موفقیت آمیز باز گشایی جاده بانه - سردشت دعوت حق را لبیک گفت و راهی دریای نور گشت.

عملیات‌های بعثت

در شهرستان بانه سلسله عملیات‌های بعثت با طرح ریزی در اواخر سال ۶۱ و اجرا در سال ۶۲ در هفت مرحله جهت استقرار در نوار مرزی آغاز گردید
مرحله اول: پاکسازی روستاهای آرم‌ده، بلکه، ارتفاعات مشرف به شهرک آرم‌ده، ارتفاعات کانی چولکه، کانی سفید و ارتفاعات مشرف به گندمان
مرحله دوم: پاکسازی محور بانه - هنگ ژال، روستای بوبین سفلی و شهرک‌های عباس آباد و نور، ارتفاعات نهنی آچیچوران و کانی حلزون
مرحله سوم: پاکسازی روستاهای زوار و شهرک سیاحومه، برده بوک، بوالحسن، آلوت، گرویس و ارتفاعات مهم کاگر.

مرحله چهارم پاکسازی روستاهای کانی دزدان، ارتفاعات مشرف به سوراب، اشتر آباد، اشترمل، باشوان و کراوله.

مرحله پنجم: پاکسازی ارتفاعات صالح، همه رسید، انجینه ابراهیم، چومان و کرکیا.

مرحله ششم: پاکسازی مناطق کانی مام و کانی سیف.

مرحله هفتم: پاکسازی مناطق بانوان، کنده سور، بلکه و ارتفاعات مهم شاخ اشکوت، سور کوه و تخت نادر.

دومین مرحله از سلسله عملیات بعثت محور بانه - عباس آباد تا مرز (ارتفاعات نهنی) در سال ۱۳۶۲/۳/۱۵ بود که تازیر پای ارتفاع بلند سور کوه امتداد می‌یافت و استقرار در این مسیر و تثبیت آن راه را برای عملیات‌های بزرگ در غرب کشور از جمله والفجر ۴ را هموار نمود.

پس از استقرار سپاه در شهر بانه جهت تأمین کمربند امنیتی شهر سه بار اقدام به عملیات بر روی روستای بوبین سفلی که در سه راهی بانه - سوته و بانه - عباس آباد و روستای مرزی سیران بند قرار داشت، انجام داد که به علت وضعیت

مناسب روستا و ارتفاعات برای اشرار با ناکامی مواجه گردیده بود و از طرفی به علت نزدیکی به شهر بانه، اشرار مرتب به شهر حمله می نمودند و باعث سلب آسایش برای نیروهای مسلح و مردم گردیده بودند.

در نیمه های شب با استفاده از نیروهای پیشمرگ مسلمان کرد از شهر بانه در میان کوهها و درهها و کمین های اشرار به سوی اهداف از پیش تعیین شده حرکت نمود و در ساعات اولیه صبح موفق شد بیشترین اهداف را تصرف نماید و در نزدیکی همان آبادی ارتفاع سمت چپ و راست به تصرف رزمندگان اسلام در نیامد و درگیری شدید بین دو طرف آغاز گردید و تا ساعت ۸ صبح ادامه پیدا کرد و اما نیروهای کفر ستیز اسلام موفق شدند با شجاعت و آمادگی لازم دشمن را از این ارتفاعات پس زده و مستقر گردند و دشمن که تصور شکست را نداشت به طرف عباس آباد و مرز عقب نشینی نمود.

مرحله دوم عملیات فردای آنروز آغاز گردید و رزمندگان اسلام توانستند ارتفاعات مرزی نهنی و عباس آباد و روستاهای منطقه را به تصرف خود در آورند و دشمن که غافلگیر گردیده بود مجبور شد به داخل خاک عراق رفته و در آنجا ساکن شود و بدین ترتیب با استقرار سپاهیان در این منطقه، بستر مناسب جهت عملیات والفجر ۴ آماده گردید.

در این عملیات یگانهایی از تیپ ویژه ۱۰۵ قدس، گردان جندا... بانه، گردان حضرت رسول «ص» پیشمرگان مسلمان کرد، گردان جندا... مریوان، گردان جندا... سردشت، گردان قدس ارتش شرکت داشتند

سومین مرحله با راهپیمایی ۸ ساعته و گذشتن از جنگلها، دره ها و موانع سخت توانستند بلندترین نقطه استراتژیک منطقه یعنی ارتفاعات کاگرا را تصرف و ۱۵ روستای منطقه نیز آزاد گردیدند و مردم این روستاها بعد از سالها رنج و مشقت، طعم شیرین آزادی را چشیدند و در ساعت ۸ صبح صدای بانوای کاروان بار بندید همراهمان در کوههای منطقه به گوش رزمندگان اسلام رسید و شور و حال وصف ناپذیری در میان آنان به راه افتاد.

در این عملیات یگانهای تیپ ۱۵۵ قدس سپاه، گردان جندا... بانه، توپخانه مستقر در تیپ بانه ارتش، گردان صاحب الزمان ژاندارمری و گردان استقراری تیپ بانه ارتش حضور داشتند.

نقش آفرینان: شهدای گرانقدر تیپ قدس و گردانهای جندا... و صاحب الزمان

یادمان سیران بند

در ضلع شرقی کوه آریابا جاده ای آسفالت و پریچ و خم از طریق روستای بوئین سفلی (مرکز بخش) با فاصله ای حدود ۱۳ کیلومتر شهر بانه را به نقطه صفر مرزی جمهوری اسلامی ایران با کشور عراق وصل می کند.

روستای مترو که سیران بند که امروز بازارچه مرزی مشترک ایران و عراق در آن واقع شده است، همان محلی است که اهالی آن اولین کسانی بودند که فریاد اشهد ان الا الله الا الله، محمداً رسول الله مردانی را شنیدند که امروزه در منطقه آرامیدند.

در ضلع شرقی این روستا کوه هنگ ژال با ارتفاع ۲۰۹۵ متر چون استوار مانند شهدای به خون خفته خود در میان روستاها میدرخشد و در اطراف اش روستاهای دیگری، مانند هنگ ژال، کانی سور، نور، اشترآباد و کافی شیلان واقع است. در یک کیلومتری شمال شرقی روستای سیران بند در دامنه غربی سیران بند در دامنه غربی هنگ ژال چشمه مصفایی واقع شده که از ساله پیش مردم آن را چشمه شهدا می نامند که از فاصله ۱۵ متری جاده اصلی واقع شده است.

قبور مطهر شهدای سیران بند در نزدیکی این چشمه است که نشان از صلابت و ایستادگی مردان مردی است که تا آخرین لحظه دشمن را ناامید و جمهوری اسلامی ایران را سر بلند نمودند.

در سال های ۶۱ هنگامی که عملیات آزادسازی روستای توربور در فاصله ۱۲ کیلومتری جنوب غربی سنندج انجام

گردید تعداد ۳۱ نفر از رزمندگان اسلام و پیشمرگان مسلمان کرد در روستا زندانی دموکرات بودند. حزب منحله دموکرات که قادر به ایستادن در مقابل کفر ستیزان اسلام را نداشت سرعاً ۳۱ نفر زندانی خود را به سمت مناطق دیگر حرکت دادند و در مسیر بیشترین سختی ها و نامالیامات و آزار و اذیت راهبه این خداجویان راه توحید روا داشتند. آنها با پای برهنه و ضربات شلاق و قنடை اسلحه راه را می پیمودند و دست از مقاومت و ایستادگی خود بر نمی داشتند و تنها غذای روزانه آنها نان خالی بود حتی اجازه آب خوردن از چشمه های مسیر را به اینها نمی دادند پس از گذشت چندین روز راهپیمایی طاقت فرسای روستای بلکه از توابع بانه می رسند و آنها را به مسجد می برند و پی از گفتگوی آنها تعداد ده نفر را جدا نموده و سوار خودرو به مقصد نامعلومی حرکت می نمایند که بر اثر شنیده های اهالی سیران بند، این شهدا از همان ده نفر هستند که از بقیه اسرا جدا نمودند.

آفتاب تیر ماه در حال غروب کردن است و چشمه سیران بند با صدای دل انگیز خود، ماتی دو چندان به خود گرفته است. آهنگ دلنشین آب به موسیقی ماتم تبدیل گردیده و وقوع یک خیانت هولناک رانجوا میکند. آری این افراد که بویی از انسانیت نبرده تعدادی از مردان مقاوم و استوار را همانند هنگ ژال به رگبار بسته و صدای قهقهه خنده آنها همراه با صدای الله اکبر در کوه می پیچد لحظه ای بعد مردان غرق در خون به دیدار معبود خود نائل می گردند و پس از ۲۴ یا ۴۸ ساعت اجساد مطهر آنها نزدیک چشمه و یک شب در روستای سیران بند میهمان مردم شریف آبادی بود، در جوار کوه به خاک سپرده می شود و ننگ ابدی را برای یزیدیان فراهم می سازند.

- پاسداشت سالروز شهدای ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ در ۱۵/۳/۶۳ در شهرستان بانه

با تجمع در مقابل مقر سپاه بانه شروع به راهپیمایی به سمت پارک ۱۵ خرداد مصالای شهر بانه می نمایند که پس از اجتماع مردم بی سلاح در محل مصالای آغاز سخنرانی امام جماعت شهر، ناگهان هواپیماهای رژیم بعث عراق محل تجمع راهپیمایان ۱۵ خرداد و نقاط دیگر شهر از جمله فرمانداری بانه را مورد اصابت بمبهای خود قرار می دهد که ضمن شهید و مجروح شدن بیش از ۶۰۰ نفر از هموطنان عزیزمان آسیب و خسارات فراوانی به شهر وارد آمد.

عمق فاجعه به حدی بود که اجساد تکه تکه شده شهدا در همه جای محل بمباران و حتی خیابانهای مجاور مشاهده گردید. آنقدر فاجعه دردناک بود که توسط نخست وزیر وقت سه روز در کل کشور عزای عمومی اعلام و وزیر صنایع سنگین از طرف دولت جهت تسلی حال بازماندگان این حادثه ددمنشانه عازم منطقه شد.

نقش آفرینان

در طی جنگ داخلی در شهرستان بانه شهدای مظلوم و گمنامی به شهادت رسیدند که به فرموده مقام معظم رهبری مجاهدتهای خاموش هستند و تعدادی از این شهدان که در این شهر شاخص بودند و با تمام وجود از مردم پاک و بی آرایش این سرزمین دفاع نمودند بیان می گردد تا ذکر آنها ذخیره ای برای آخرت همه ما باشد.

شهید مطلبی، شهید نیزه رودی، شهید شهیدی، شهید بهرامی، شهید اکبر جزئی، شهید قادر خانزاده، شهید اصغر جوانی، شهید غلامعلی پیچک، شهید محمود خادمی، شهید شهرام فر، شهید مصطفی طیاره

- جنگ ایران و عراق

در محدوده شهرستان بانه پس از اجرای عملیاتهای داخلی علیه اشرا و آزاد سازی مناطق تصرف شده توسط این گروهکها، رزمندگان اسلام در سال ۱۳۶۲. ش توانستند بر مرزهای جمهوری اسلامی ایران مستقر شوند و جبهه جدیدی بر علیه رژیم بعث عراق ایجاد نمایند. از آن تاریخ تا اولین عملیات بزرگ سراسری بر علیه بعث نیر و های جمهوری اسلامی ایران با اجرای عملیاتهای ابتدایی تحرک دشمن را در این مناطق خنثی نموده و اشرا را که با حمایت و پشتیبانی آمریک و حزب بعث قصد بر هم زدن آرایش نظامی منطقه را داشتند، سرکوب نمایند و بسترهای

مناسبی برای اجرای عملیات در خاک عراق را فراهم نمودند.

همچنین در پی فعال شدن قرار گاه رمضان و انجام عملیات در داخل خاک عراق یا همکاری گروههای شمال عراق، عرصه را بیش از پیش بر حکومت بعث تنگ کردند موجب توجه جدی تر سپاه به منطقه شمال شد و عملیاتهای سپاه در سال ۶۶ بیشتر در منطقه غرب و شمالغرب به انجام رسید. اولین عملیات در دو جبهه مریوان و بانه در سال ۶۴ و آخرین آن در منطقه ماووت در سال ۱۶۷ اجرا گردید که به طور مختصر عناوین آنها درج گردیده است و عملیات والفجر ۴ در شهرستان مریوان توضیح کامل داده شده است و در بانه عملیات کربلای ۱۰ به لحاظ حساسیت آن تشریح گردیده است.

والفجر ۴ تاریخ ۶۴/۷/۲۷ منطقه گرمک و خرمال، کربلای ۱۰ تاریخ ۶۶/۱/۲۵ منطقه ماووت عراق نصر ۱ تاریخ ۶۶/۱/۲۵ هزار قله، فتح ۵ تاریخ ۶۶/۱/۲۵ شمال سلیمانیه، نصر ۴ تاریخ ۱۳۶۶/۳/۳۱ منطقه ماووت عراق، نصر ۸ تاریخ ۶۶/۷/۲۹ منطقه ماووت عراق بیت المقدس ۲ تاریخ ۶۶/۱۰/۲۵ منطقه ماووت عراق، بیت المقدس ۳ تاریخ ۶۶/۱۲/۲۳ منطقه ماووت عراق، بیت المقدس ۶ تاریخ ۶۷/۲/۲۶ منطقه ماووت عراق

- موقعیت و شرح عملیات کربلای ۱۰

منطقه عمومی عملیات در محور بانه - سردشت، از شمال به رودخانه گلاس، از جنوب به رودخانه آوسیویل، از شرق به سور کوه و از غرب به ارتفاعات گرده رش و آسوس منتهی می شد. منطقه دارای عوارض حساس و ارتفاعات سر بلند و صخره ای و فاقد جاده بود که بلند ترین ارتفاع منطقه گارو که بر تمام منطقه اشرافیت کامل داشت و وجود درختان در دامنه این ارتفاعات پوشش خوبی برای اختفا فراهم می نمود علت اینکه این منطقه انتخاب گردید پس از استراتژی عملیات نوین ایران بود که پس از عملیات بدر وضعیت حاکم بر جنگ مبنی بر این نظریه با یک عملیات بزرگ منظم، هرگز عراق از پای در نخواهد آمد لذا بر این مسئله تأکید شد که با انجام دو عملیات همزمان، می توان با تجزیه قوای دشمن وضعیت جدیدی را به وجود آورد لیکن فقدان امکانات و نیروی مورد نیاز مانع از اجرای آن بود، در نتیجه تدبیر شد که عملیات منظم را به طور همزمان طرح ریزی و اجرا گردد. از سویی عوامل موءثر در گشایش این جبهه عبارتند از: ضرورت تداوم جنگ و ممانعت از ایجاد رکود در آن، گشایش جبهه تازه فراروی دشمن در شمالغرب، گرفتن فرصت های لازم از دشمن برای یافتن راهکارهای جدید در جبهه های جنوب، حفظ ابتکار عمل در برابر دشمن و کاهش حساسیت دشمن نسبت به منطقه جنوب باعث گردید که دو عملیات همزمان کربلای ۱۰ و فتح ۵ در این منطقه اجرا گردد.

با توجه به هشپاری دشمن در آستانه عملیات و تقویت پدافندی خود در منطقه عملیاتی رزمندگان اسلام در شامگاه ۳۱ فروردین سال ۱۳۶۶ عملیات کربلای ۱۰ با رمز عملیات (یا صاحب الزمان «عج» ادر کنی) از قرار گاههای مختلف به سوی اهداف از پیش تعیین شده در زمانهای مختلف حرکت خود را آغاز نمودند و با حمله به مواضع دشمن توانستند به هدف های خود برسند و فقط در محدوده قرار گاه حمزه در محور چنکاو به دلیل مسدود بودن گردنه سیر بر اثر برف سنگین یگان عمل کننده نتوانست به اهداف خود برسد. نیروهای عراقی بعد از ظهر روز اول با اجرا پاتک، ارتفاع گلان را پس گرفتند اما ساعتی بعد خداجویان عرصه توحید، آنها را عقب راندند.

در محور قرار گاه رمضان هم چنین اتفاقاتی افتاد و تعدادی از ارتفاعات تصرف شده توسط رزمندگان اسلام به دست نیروهای دشمن می افتاد و اینکار چندین بار تکرار می شد (در مناطق کوهستانی خط مقدم که به صورت یال کشیده ای به بقیه ارتفاعات متصل می شود حائز اهمیت است و بر این اصول، هر دو طرف نبرد، تلاش اصلی خود را برای بدست گرفتن چنین قله ای معطوف می دارند که کل منطقه را تحت پوشش خود داشته باشند و ثانیاً برای اجرای مراحل بعدی عملیات در اینگونه مناطق نیاز شدید به چنین ارتفاعاتی می باشد).

مرحله دوم عملیات تکمیل ارتفاعات و برقراری ارتباط کامل با قرارگاه رمضان بود که کفر ستیزان اسلام توانستند اهدافی را تصرف نمایند اما به دلیل ضعف نیرو و پشتیبانی (به دلیل وضعیت منطقه) ادامه عملیات میسر نشد و پس از ۱ روز با تصرف و پدافند مرحله اول عملیات به پایان رسید.

در این عملیات قرارگاه‌های زیر در عملیات فعال بودند، قرارگاه نجف (لشکر ۵۷ حضرت ابولفضل، تیپ قائم کردستان) در محور ماووت، قرارگاه حمزه سید الشهدا (تیپ ۱۱۰ خاتم الانبیاء و گردانهای چندا... در شمال رودخانه گلاس، تپه‌های چنکاو، قرارگاه رمضان (معارضین عراقی) در غرب رودخانه چولان روی ارتفاعات گوجار، قمیش، الاغلو، قرارگاه بدر (تیپ بیت المقدس، لشکر بدر و لشکر شهدا) در محور بسن روی ارتفاعات کله گاوی و نم نم، ۷ گردان توپخانه.

دشمن با این یگانها لشکر ۲۴ پیاده، لشکر ۳۹ پیاده، لشکر ۳۴ پیاده، لشکر ۲۷ پیاده، لشکر ۳۶ پیاده،، لشکر ۳۴ و ۳۹ پیاده در منطقه عملیاتی کربلای ۱۰ از سپاه یکم پدافند نموده بودند.

تلفات دشمن: ۴۲۳۵ نفر کشته و مجروح، ۲۳۵ اسیر.

وسعت منطقه آزاد شده: ۲۵۰ کیلومتر مربع، ۵۰ روستای منطقه (ارتفاعات سرگلو، بردوش، قشن، اسپیدار، کلان و ...) و ۲۰ کیلومتر از جاده ماووت - سلمانیه.

تجهیزات منهدم شده دشمن: یک فروند بالگرد، ۱۰ دستگاه تانک و نفربر، ۱۵ ارباب توپ، چندین قبضه خمپاره انداز، مقداری سلاح سبک و نیمه سنگین

صنعت تورسیم و گردشگری بانه:

۱- پارک کوهستانی دو کانان و پیرمراد:

این دو پارک در مجاورت هم و در دامنه کوه آرابا با چشم اندازی بسیار زیبا در شهر بانه قرار گرفته‌اند. زیارتگاه پیرمراد به عنوان جاذبه زیارتی که مورد احترام مردم بانه است در داخل این مجموعه قرار دارد.

۲- دریاچه سد بانه «شهید نصراللهی»:

در مسیر جاده سقز به بانه زیبایی خاصی به منطقه داده است و منظره زیبایی آن از فراز گردنه خان نمایان می‌گردد.

۳- تفرجگاه سورین:

در ۱۲ کیلومتری جنوب شرقی بانه و در مسیر جاده بانه به مریوان قرار گرفته است

۴- روستا و غار شوی:

چشم انداز زیبا کوه جنگل و رودخانه، معماری ویژه و غار مشهوری که طول آن ۲۶۷ متر بوده و در انتهای آن دریاچه کوچکی وجود دارد

تاریخچه‌ی گروهک‌های محارب



شناخت حزب منحل‌ه دمکرات

همزمان با شروع انقلاب اسلامی ایران تعدادی از اعضای کادرهای حزب به ایران بازگشتند و فعالیت‌های تشکیلاتی خود را شروع کردند که اسناد موجود حاکی از آنست که در این برهه از زمان دو هدف عمده داشته: اول: بسیج توده‌های مردم کردستان برای شرکت هرچه فعال‌تر و گسترده‌تر در انقلاب و مبارزه علیه شاه؛ دوم: سازماندهی اعضای کادرهای حزب چرا که در طول حاکمیت محمدرضا پهلوی و فعالیت‌های گسترده ساواک و ضداطلاعات ارتباط تشکیلاتی اعضای حزب در داخل ایران فوق‌العاده ضعیف شده بود و به صورت خانوادگی و فردی و غیره رسمی در آمده بود. حزب دمکرات در روز پانزدهم اسفند ماه ۱۳۵۷ دست به یک مانور سیاسی نظامی زد و در استادبوم ورزشی مهاباد یک گردهم آیی از اعضای خود از سراسر مناطق کردنشین تشکیل داد که در آن به گفته هواداران حزب حدود یک صد هزار تن شرکت کردند و پیشمرگان حزب از مقابل کادری حزب مسلحانه رژه رفتند.

در ایام نوروز سال ۱۳۵۸ در شهر سنندج جنگی خونین در گرفت و کشتار و ویرانی فراوانی به بار آمد. در اردیبهشت ماه نیز جنگی خونین و تأسف بار در نطقه اطراف آن در گرفت که طی آن ده‌ها تن قربانی شدند. این جنگ زخمی عمیق بر پیکر مردم مسلمان از ترک و کرد زد که آثار آن هنوز هم باقی است و اگر مجاهدتهای مرحوم آیت الله طالقانی نبود، امکان گسترش فاجعه به سایر نقاط آذربایجان هم وجود داشت.

حزب دمکرات در فروردین ماه ۱۳۵۸ خواستار عدم شرکت مردم در رأی دادن به جمهوری اسلامی و بعدها عدم شرکت در فرآیند قانون اساسی شد.

در بیست و هشتم مرداد ماه ۱۳۵۸ نیز شهر بانه شاهد برخورد نیروهای دولتی با افراد مسلح حزب دمکرات بود که ۳ ماه طول کشید در همین تاریخ حزب دمکرات منحل‌ه اعلام شد و فعالیت‌های آن غیر قانونی شد.

مذاکرات بین نمایندگان دولت موقت مهندس بازرگان و احزاب و گروه‌های فعال در منطقه به جز (حزب توده) مانند حزب دمکرات، کومله، چریک‌های فدایی و شیخ عزالدین حسینی آغاز شد و چهار ماه بدون نتیجه به طول انجامید.

در بهمن ماه ۱۳۵۸ جنگ در منطقه کامیاران از سر گرفته شد و به مرور سراسر مناطق کردنشین از جنوبی‌ترین تا شمالی‌ترین منطقه غرب و شمال‌غرب رادر بر گرفت.

قبل از کشیده شدن جنگ به مهاباد و قطع مذاکرات در اوایل اسفند ماه ۱۳۵۸ حزب کنگره چهارم خود را در شهر مهاباد تشکیل داد. در این کنگره فعالیت‌هایی حزب را از سال ۱۳۵۲ تا سال ۱۳۵۸ مورد بررسی قرار داد و راه آینده‌اش را مشخص کرد. پس از برگزاری کنگره چهارم اختلافات حزب با دولت جمهوری اسلامی افزایش یافت و جنگ در اکثر مناطق کردنشین روز بروز شدت بیشتری یافت ولی موضوعی که در کنگره چهارم اتخاذ شده بود هنوز حکایت از نوعی نرمش و بازماندن راه مذاکره و صلح بود لیکن گسترش جنگ موجب بروز اختلافاتی در درون کادر رهبری حزب شد و هفت نفر از افراد کمیته مرکزی اعلام جدایی کردند و گروهی از هواداران نشان نیز همزمان حزب را ترک کردند.

شهر یور ماه ۱۳۵۹ شاهد جنگی خونین در شهر مهاباد بود این جنگ بیش از ۱۵ روز بدون وقفه در داخل شهر مهاباد ادامه یافت و پس از آن جنگ‌های کوچهای و خیابانی به صورت نفوذی و ترورهای خیابانی و شبانه ادامه یافت تا این که در هفتم ماه حکومت بعث عراق از طریق هوا و زمین و دریا به خاک ایران تجاوز کرد.

حزب دمکرات طی اعلامیه‌ایی که از صدای کردستان ایران (راديو حزب) پخش شد اعلام کرد در صورتی که جمهوری اسلامی نیروهای ارتش را به پادگان‌ها بازگرداند و پاسداران را از کردستان خارج نماید و خواسته‌های مردم کردستان را بپذیرد پیشمرگان حزب آماده خواهند بود از مرزها و خاک کردستان در برابر حمله عراق دفاع کنند.

کنگره پنجم حزب که در آذرماه ۱۳۶۰ برگزار شد نشانگر تغییر جهت دادن رسمی و علنی حزب دمکرات در مقابل جمهوری اسلامی بود و آن بررسی رویدادهای بین کنگره چهارم و پنجم و تصویب شعار «سرنگونی جمهوری اسلامی» بود.

نبرد با حزب منحل کومله تا سال ۶۴ که رزمندگان اسلام به مرز رسیدند، ادامه داشت و پس از آن به داخل خاک عراق پناهنده شدند و تا سال ۷۱ در مواقع هوای مساعد از اردیبهشت تا شهریور به داخل خاک ایران نفوذ می نمودند و به اجرای کمین و ... مبادرت می نمودند.

از سال ۷۱ تا کنون دیگر حضوری در داخل خاک ایران ندارند و با تعداد کمی از هواداران خود در ارتباط هستند. اکنون در اقلیم کردستان تحت نظر طالبانی به زندگی روزمره خود اهتمام می نمایند و حق ورود به داخل خاک جمهوری اسلامی ایران را مسلحانه ندارند و سران این حزب منحل در کشورهای اروپایی زندگی می کنند.

گروهک منحل کومله

گروهک کومله ابتدا توسط افرادی چون مصطفی سلطانی اهل آلمانه مریوان، عبدالله مهتدی اهل بوکان، محمد حسین کریمی اهل سقز، صدیق کمانگر اهل کامیاران از دانشجویانی بودند که در سال ۱۳۴۸ در تهران در جریان مسائل سیاسی شرکت داشتند و به تدریج تحت تاثیر عوامل مختلف سیاسی قرار گرفتند و تشکیلات کومله را به نام ریحرو تشکیل دادند.

این افراد با وجود اینکه دنباله رو تشکیلات حزب کمونیست بودند اما بیشترین تمایل به جریانات کردستان به علت روحیه ناسیونالیستی و اهمیت موضوع، در دستور کار خود قرار دادند. بر اساس خط مشی خود معتقد بودند که باید از طریق مشی توده‌ها به میان مردم و کار تبلیغاتی و ترویج تشکیلات در میان آنان در کارخانه‌ها و کارگاهها و شرکتهای ساختمانی و روستاها و زندگی کردن با آنان به منظور بالا بردن آگاهی سیاسی و سرانجام جذب نمودن آنان در درون تشکیلات برای حرکتهای آتی اقدام نمود.

این گروهک به مدت سه سال توانست این خط مشی را تدوین و در سال ۱۳۵۱ اعلام موجودیت نماید. طبق همین خط مشی کار خود را در تهران و کردستان و در تبریز شروع نمودند در تهران در شرکتهای و کارگاههای تولیدی و در فصل کار همراهی کردن دهقانان در روستاها توانستند از سال ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۳ عده‌ای را عضو گیری و جذب نمایند افراد دیگری از جمله سعید یزدانیان، حسن مراد بیگی، عمر ایلخانی زاده، محسن رحیمی، طیب عباسی روح الهی، فاتح شیخ السلامی، عطاء رستمی، ابراهیم عزیز زاده، سعید معینی، شعیب ذکریانی، ایرج فرزاد و ساعد وطن دوست، حسین پیر خسرانی، جمیل شفیعی، اکبر شاکری، جعفر حسین پور و عده‌ای نیز به عنوان هوادار در کردستان و تهران و کرمانشاه و تبریز جذب نمودند. در سال ۱۳۵۶ تعداد زیادی از افراد از زندان آزاد گردیدند و گروهک همزمان با اوج گیری انقلاب اسلامی در کردستان فعالیت خود را بیشتر نمود و در پائیز ۱۳۵۷ برای روشن تر شدن گروه از لحاظ تشکیلاتی در شهر نرده تشکیل و جلسه‌ای نیز بار دوم در سنندج منزل ساعد وطن دوست برگزار

گردید که بعداً این جلسات به نام کنگره نامگذاری گردید، و در زمستان ۱۳۵۷ در اکثر شهرهای کردستان شورای شهر تشکیل گردید. گروهک کومله بعد از اعلام موجودیت تلاش و سعی برای جذب نیرو و در شهرهای سنندج، سقز، مهاباد، بانه، مریوان، کامیاران، سردشت و اشنوویه نمود تا اینکه توانست نیروی جوان قابل توجهی را دور خود جمع نماید.

شروع جنگ اول:

با شروع جنگ اول در کردستان و با ورود رزمندگان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سنندج گروهک کومله می دانست توان مقابله را ندارد نیروهایش را از شهر سنندج خارج و به منطقه شمال کردستان سقز و بانه انتقال داد و در این زمان گروهک ستادی در شهر بانه تشکیل و هماهنگ کننده بین تمام جمعیتها را دنبال می کرد در این شهر بانه نیز به تصرف رزمندگان سپاه اسلام در آمد گروهک ناچار مابقی نیروهایش را به سردشت منتقل می نماید. در جریان حمله نیروهای سپاه اسلام به مریوان عده ای از عناصر اصلی گروهک کومله از جمله حسین پیر خضری، امین مصطفی سلطانی و حسین مصطفی سلطانی دستگیر و یا کشته شدند.

فواد مصطفی سلطانی که در ستاد بانه حضور داشت جهت بررسی قضایا به سوی مریوان حرکت کرد که در روستای بسطام با نیروهای شهید چمران برخورد نمود و در این زمان گروهک کومله که نیروهایش ۳۰۰ نفر بیشتر نبودند در یک درگیری به هلاکت رسید. در مهر ماه ۱۳۵۸ یک ستون ارتش که شهید صیاد شیرازی مسئول آن بود از بانه به سوی سردشت حرکت می کرد در محلی به نام دار ساوین بادشمن حزب دمکرات درگیر شد و گروهک کومله که نیروهایش ۳۰۰ نفر بیشتر نبودند به کمک گروهک دموکرات شتافته و در یک جنگ نابرابر توانستند نیروهای ارتش را شهید و سلاحهای آنها را به غارت ببرند. این حرکت موجب شد که گروهک به حملات ایذایی خود در جاده های منطقه شدت بیشتری اعمال نماید و هر چند گاه کمینی در جاده ای ایجاد می نمود.

در این اوضاع هیئت مذاکره کننده از طرف دولت موقت با گروهکها در کردستان توافق نمودند که نیروهای سپاه از کردستان خارج شوند و گروهک کومله همانند سایر گروهکها از فرصت بدست آمده نهایت استفاده را برای سازماندهی و جذب نیرو، راه اندازی تشکیلات درون شهری و روستایی و سرکوب طرفداران نظام جمهوری اسلامی ایران در منطقه نمود و با این حرکت توانست در مدت کوتاهی تشکیلات مرکزی و کمیته نواحی را سازماندهی و فعال نموده و در کلیه شهرها از جمله شهر سنندج نیروهای موجود در غالب گردان سازماندهی و تشکیلات پنهانی را به نام (تکش) ایجاد نماید.

گروهک دارای جلسه ستاد گنگره است که با شرکت کلیه عناصر ستادی و مسئولین کمیته های نواحی و فرماندهان گردانهای رزمی تشکیل می گردد، و در جریان جلسات کنگره اعضاء کمیته مرکزی و دفتر سیاسی و مسئولین کمیته ها تعیین می گردند و هر دو سال یکبار کنگره تشکیل می گردد. بعد کنفرانسی که در سال یک بار در داخل کمیته های نواحی تشکیل می گردد افراد شرکت کننده در کنگره را مشخص می نمایند.

کمیته مرکزی شامل: دبیرخانه، کمیته نواحی، مسئول خارجی

دبیرخانه شامل: آموزشگاه، بیمارستان، حفاظت از نفرهای کمیته مرکزی، انتشارات، تدارکات، زندان

مسئول خارجی شامل: رادیو، روابط با عراق، کمیته تشکیلات روستائی (کتمر)، تشکیلات مخفی، کمیته شهرستان (تکش)، اطلاعات، مخابرات

کمیته نواحی شامل: کمیته ناحیه سنندج، کمیته ناحیه مریوان، کمیته ناحیه سقز، کمیته ناحیه بوکان، کمیته ناحیه

مهاباد، کمیته ناحیه بانه، کمیته ناحیه سردشت، کمیته ناحیه ارومیه
کمیته هر ناحیه شامل تشکیلات:

تدارکات، سازماندهی، گروه شناسایی، مخابرات تسهیلات گردان، تکش و کتمر می باشد.
رأس گروهک کومله دبیر کل و سپس اعضاء دفتر سیاسی قرار دارند.
دبیر کل: ابراهیم عزیزاده

اعضاء دفتر سیاسی: عمر ایلخانزاده، جعفر شفیعی، عثمان روشن توده، فاروق بابا حیدری، کورش موری، محمد شافعی، ساعد وطن دوست، صدیق کمانگیر، حسین مرادبیگی، حبیب... گویلی، اصغرابر قوئی
اعضاء علی البدل: مظفر محمدی، سید مجید حسینی، صلاح مازوجی

گروهک خه بات

شیخ جلال قبل از انقلاب یک عنصر شناخته شده و به اصطلاح مبارز بود و یک نیروی مردمی در منطقه بانه به شمار می رفت و دارای وجه سیاسی و روحانی بود و علیه رژیم شاه قیام کرد. یک سری عوامل نیز در این مورد می توان نام برد تا یک شخص مبارز به شمار بیاید و در جریانات سیاسی کشیده بشود و با وجود روحانی تبعیدی مانند حجت الاسلام خلخالی آشنا شده و به اصطلاح به مبارزات سیاسی روی آورد و بعد از پیروزی انقلاب هدایت و رهبری در راهپیمایی هایی که در شهر بانه برگزار می شد به عهده این شخص بود و مبارزات علیه رژیم طاغوت و خلع سلاح پاسگاه ها، مراکز آموزشی و نظامی پادگان ها را قبلاً نیز اجرا می کرد. وی یک روحانی برجسته در سطح کردستان بود.

در زمان انقلاب تا لحظه پیروزی نقش عمده ای را در منطقه بانه ایفا کرد و بعد از انقلاب هم مسئولین با توجه به شناختی که که از وی داشتند او را به عنوان مسؤل کمیته انقلاب اسلامی بانه قرار دادند تا کارها را سر و سامان دهد. از این رویک سری هوادار و طرفدار برای خود فراهم کرد و دولت حاکم نیز تعداد ۴۰ تا ۵۰ قبضه سلاح در اختیار وی گذاشت و افراد زیر نظر آن به عنوان پیشمرگ به کار مشغول شدند پس از حضور خود در دفتر برادرش برای مدتی، به او فشار آوردند که تو کمونیست و کوموله نیستی و در شأن تو نیست و با خطی که حرب بعث به شیخ جلال و افرادش داد، از آنها جدا شد و در تاریخ ۵۹/۶/۵ تحت نظر صدام حسین سازمان مبارزه ملی اسلامی و کردستان را تشکیل داد که به اختصار به زبان کردی «خبات» می شود.

ستونی از ارتش که قصد عزیمت از بانه را داشت، حمله کرده و تمامی افراد آن را شهید و مجروح نموده و همه وسایل غنیمتی را با خود بردند اما به همت خلبان شهید شیرودی نتوانستند سلاح های غنیمتی را به عراق ببرند. بیشتر به کار تبلیغی در سطح منطقه اهتمام می ورزید و کمتری به کارهای نظامی می پرداخت و در سال ۶۲ با پاکسازی منطقه بانه، گروهک خه بات به عراق متواری گردید و پرونده آنها بسته شد.

گروهک رزگاری

رزگاری کلمه ای کردی است که به معنای رستگاری و تقوا پیشه نمودن و فقط به خدا فکر کردن و توسل جستن است.

در همان اوایل پیروزی انقلاب، شیخ منطقه کردستان را ترک و شهر مرزی بیاره عراق بازگشت و در آنجا ساکن شد و بانفوذی که در منطقه چه در میان پیروان طریقت صوفیه و چه مردم ساده دل و فقیر منطقه اورامانات، دزلی و سروآباد داشت، برای مقابله با نظام مقدس جمهوری اسلامی تشکیل سپاه رزگاری را در سال ۵۸ اعلام نمود. پسر خود دکترا مادح که از وابستگان ساواک بود، با پشتیبانی حزب بعث عراق به ریاست این گروهک منصوب نمود. شیخ مادح

که از نفوذ شیخ بزرگ در منطقه بهره وافر بود مبنی بر تاکید و سفارش شیخ به پیروانش در خصوص پیوستن به این گروه توانست سپاهی تشکیل دهد و مناطقی از میوان شامل: سروآباد، کلاترزان و دزلی را تحت اشغال خود نگاهدارد.

بسال ۶۰ که منطقه اورامانات توسط رزمندگان پر توان اسلام و به فرماندهی (مفقودالثر) سردار رشید اسلام، حاج احمد متوسلیان آزاد شد. تمام پایگاه های این گروهک در داخل مرز برچیده شده و به خارج از مرز (بیاره عراق) انتقال یافت. در این عملیات ضمن پاکسازی منطقه، جمع زیادی از نیروهای این گروهک تسلیم و تعدادی هم کشته شدند با این حال نیروهای باقی مانده که تعدادشان حدود ۵۰۰ نفر بود، در منطقه بیاره و طویله پایگاه های ثابت و سیار در جوار مرز ایران دایر نمودند.

سازمان چرکهای فدائی خلق

این گروهک مزدور در سال ۱۳۴۴ توسط مسعود احمد زاده و بیژن جزنی پایه گذاری شد. استراتژی اولیه جنگ مسلحانه در جنگلها و روستاها بود که با شکست انجامید. دومین استراتژی جنگ چریکی شهری بود که این هم با شکست بدرقه گردید.

در زمان بختیار که انقلاب به سمت پیروزی می رفت، رهبری این سازمان ایجاد یک منطقه آزاد در کردستان برای مقدمات تأسیس یک حکومت کمونیستی افراطی را پیش بینی نمود و از این رو اکثریت اعضا و بودجه و تلاش سازمان در شاخه کردستان متمرکز گردید.

این گروهک در سال ۱۳۵۷ در کردستان نفوذ عمیقی داشته است. بر اساس گزارشی که در یکی از جزوات دفتر تحقیق و بازرسی سپاه یازدهم کردستان آمده است اولین راهپیمایی که در زمان قبل از پیروزی انقلاب در سنندج برگزار شد به دعوت این گروهک بوده است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی این گروه که متوجه شد پایگاهی در میان مردم ندارد با گروهک ملحد کوموله هم پیمان شد و جنگ مسلحانه را علیه جمهوری اسلامی ایران آغاز نمود.

در جنایات نوروز سال ۵۸ سنندج و راه پیمایی به طرف میوان حضور فعالی داشت و در هیئت نمایندگی خلق کرد با دولت موقت در آن حضور داشت. در جریان جنگ سنندج، مردم که این گروه را عامل اصلی اغتشاشات و اخلال های درون شهری دانسته، به دفترشان حمله ور شده و خواهان نابودی آنها می گردند که با پا در میانی مفتی زاده جان سالم به در می برند.

به واسطه نفوذ حزب توده در تشکیلاتشان به دو گروه اکثریت و طرفدار حزب توده و اقلیت تقسیم شدند و گروه اکثریت سلاح های خود را بر زمین گذاشته و گروه اقلیت با هماهنگی کوموله دفتری در مهاباد دایر نمود و با تشکیل دسته های نظامی و با همکاری کوموله در عملیات های نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران شرکت نمود و مرتکب جنایات بیشماری گردید.

در اواخر سال ۵۹ از گروهک ملحد کوموله خارج و به حزب منحل دموکرات با وساطت منافقین، پیوست و در سال ۶۲ در منطقه آلان سردشت آخرین بقایای این گروهک منهدم و به خاک عراق متواری گردید و در آنجا ساکن شد.

سخنان بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی ایران حضرت امام خمینی مدظله العالی در مورد سازمان منحل منافقین من نجف که بودم، یک نفر از همین افراد (منافقین) ۲۴ روز پیش من هر روز می آمد آنجا. روزی شاید ۲ ساعت

می آمد هم صحبت می کرد از نهج البلاغه، از قرآن، همه حرف هایش رازد، من یک قدری به نظرم می آمد که این حرف ها وسیله است، نهج البلاغه و قرآن وسیله، مطلب دیگری است. من هم یک طلبه هستم، من این قدر نهج البلاغه خوان و قرآن و اینها نبودم که ایشان بود! ده، بیست روز من گوش کردم به حرف های او، جوابی بهش ندادم، همه اش گوش کردم او آمده بود از من تأیید بگیرد. من هم گوش کردم و یک کلمه هم جواب ندادم. اینها که این قدر از قرآن و نهج البلاغه زیادی حرف می زنند و بعد خلاف قرآن را یک جور دیگری غیر از آنچه که هست که باید، معنای کنند. این بعضی های عراقی همین فقرات نهج البلاغه را که امثال این ها استشهد می کنند، آنها در چیزها... در پلاکاردها می نویسند و منتشر می کنند.

نتیجه: امام خمینی (ره) از هنگامی که در نجف بودند، به انحراف موجود در سازمان منافقین خلق ایران پی برده بودند.

سازمان منحل منافقین

بعد از پیروزی انقلاب هوادارانی در سطح شهر سندانج داشته و بعضی از افراد مسلمان بواسطه بی اطلاعی و کم آگاهی که در آن زمان بوده و عدم حضور و خط دهی روحانیت اصیل به همراه تعدادی از جوانان که شور و انگیزه مذهبی داشتند و نیز افرادی از بریده های خط صنعتی زاده جذب این گروهک می شوند. گروهک تا شروع فاز نظامی شکل منسجم نداشته است ولی بعد از ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ تا مهر ماه ۱۳۶۱ تشکیلاتی در سندانج دایر می کنند که مسئولین آنها اغلب اکراد مهاجر از کرمانشاه، پاوه و پیرانشهر بودند.

گروهک تقریباً ۱۰ ترور موفق و ناموفق در سطح شهر داشته است. بالاخره در مهر ماه ۱۳۶۱ سران آنها دستگیر و تشکیلاتشان منهدم و برخی مسئولین آن اعدام گردیدند.

-استقرار نیروهای منافقین در منطقه شمال غرب

پس از گسترش جمهوری اسلامی در کردستان و بیرون رفتن گروهک ها از آنجا و خارج شدن حزب دمکرات کردستان از شورای مقاومت ملی و بروز بعضی اختلافات سازمان مجبور شد که تمامی نیروهای خود را به داخل خاک عراق بکشاند و تقریباً تمامی آنها را در آن سوی مرزهای سردشت و بانه مستقر کند. سازمان یک اردوگاه بزرگ حدود ۲۰ کیلو متر در عمق روستای اسلام آباد در منطقه آلان سردشت پس از سال ۶۱ ایجاد نمود و یک پایگاه گشت رزمی در روستای گرویس در کنار مرز ایران - عراق در همان منطقه فعال نمود.

در سال ۱۳۶۲ در ادامه سلسله عملیات های بعثت در بانه و سردشت، تمامی مقرها و اردوگاههای منافقین در منطقه آلان به دست رزمندگان اسلام فتح گردید و به داخل خاک عراق متواری شدند.

امکانات موجود در منطقه که از این گروه کشف شد اکثراً متعلق به آمریکا - فرانسه و آلمان بود و بدین ترتیب این سازمان در کردستان برچیده شد و تا پایان جنگ هیچ حرکتی از سوی این گروه در منطقه کردستان مشاهده نشد.

- حزب حیات آزاد کردستان «پژاک»

کلمه پژاک مخفف «پارتیایانانازادا کوردیستان»^[۱] به معنای «حزب حیات آزاد کردستان» است، ریشه تشکیل این گروهک به اذعان بسیاری از کارشناسان به پ ک ک (حزب کارگران کرد ترکیه) و نیز رهبر آن عبدالله اوجالان بازمی گردد، پ ک ک که از سوی دولت ها و سازمان های بین المللی به عنوان یک سازمان تروریستی شناخته می شود، پس از حملات ۱۱ سپتامبر به آمریکا به منظور گریز از وجهه تروریستی و مورد هدف قرار گرفتن از سوی غرب، نیروهای خود را به شاخه های گوناگون تقسیم کرد. این حزب، یک سال پیش از آغاز جنگ عراق افراد خود را در قالب احزاب جدیدی میان شاخه های ترکیه، سوریه، عراق و ایران تقسیم کرد و گروهی از کردهای

مسافران خونین بال مجاهدتهای خاموش



۱. شهید محمد بروجردی
۲. شهید ناصر کاظمی
۳. شهید مصطفی طیاره
۴. شهید حاج سیدحسین روح الامین
۵. شهید حاج اکبر آقابابایی
۶. شهید حسینعلی اکبری
۷. شهید محمدتقی ابراهیمی
۸. شهید محمد حجتی
۹. شهید محمد رضا افیونی
۱۰. شهید حجت الاسلام رسول هلالی
۱۱. شهید قاسم نصرالهی
۱۲. شهید ابوعمار (حبیب.. افتخاریان)
۱۳. شهید یوسف افشاریان
۱۴. شهید سید رضا حسینی
۱۵. شهید سید مهدی نمازی زاده
۱۶. شهید محسن زهتاب
۱۷. شهید عثمان فرشته
۱۸. شهید محمدامین رحمانی
۱۹. شهید سید منصور بیاتیان
۲۰. شهید جمیل شهنساری
۲۱. شهید سید اشرف هدایتی
۲۲. شهید ملا حیدر فهیم
۲۳. شهیدان برادران نمکی
۲۴. شهیدان برادران شبلی
۲۵. شهید هوشنگ ورمقانی
۲۶. شهید سعید توفیقی
۲۷. شهیدان برادران قادرخان زاده (از پیشمرگان مسلمان کرد و از مسئولین گردان ضربت حضرت رسول «ص» بانه)
۲۸. شهیدان برادران بارنامه (از پیشمرگان مسلمان کرد و از مسئولین گردان ضربت حضرت رسول «ص» مریوان)
۲۹. شهید علی کهنه پوشی (از شهدای حادثه ۲۳ تیر سال ۵۸ مریوان)
۳۰. شهیدان برادران حسینی (از پیشمرگان مسلمان کرد و از مسئولین گردان ضربت حضرت رسول «ص» بانه)
۳۱. شهید محمدامین امینی (نیز رودی) (پیشمرگ مسلمان کرد بانه)
۳۲. شهید جنگلی
۳۳. شهید ابوبکر صالحیان (پیشمرگ مسلمان کرد سقز)

۳۴. شهید حسن خوش گفتار
۳۵. شهید حبیب نعمتی
۳۶. شهید ماموستا محمد کریمیان (امام جماعت محله حاجی آباد سنندج در میان قرآن و کتابهای دینی او را آتش زدند).
۳۷. شهید عبدا. طرطوسی
۳۸. شهید ماموستا شیخ الاسلام
۳۹. شهید حاج اصغر جوانی
۴۰. شهید محمد خادمی
۴۱. جاوید الاثر احمد متوسلیان
۴۲. شهید ملا صالح خسروی و فرزندش (ترور در سال ۶۰ در مقابل مسجد)
۴۳. شهید حاج مسعود غمیان
۴۴. شهید بهاءالدین صابونی
۴۵. شهید عبدالله جماران
۴۶. شهید شاطر محمد رحمانپور
۴۷. شهید ناصر احمدی
۴۸. شهید سید محمد حسینی
- (مسئول عملیات کامیاران در کمین اشرا در سال ۶۵ به شهادت رسید).
- (فرمانده سپاه مریوان در سال ۵۸ که در حادثه ۲۳ تیر بدن او را سوزاندند).
- نماینده مجلس خبرگان رهبری (ترور در مقابل مسجد در شهر سنندج)
- (فرمانده سپاه بانه و بوکان)
- (فرمانده سپاه بانه)
- (فرمانده سپاه مریوان)
- (۵ بار ترور در شهر سنندج)
- از بازاریان مشهور سنندج
- در مقابل همسر و فرزندش
- فرمانده سپاه سقر



ستاد مرکزی راهیان نور کشور